



حجّه الاسلام والمسلمين آقاي ابراهيمي
حوزه مجازي علوم اسلامي دانشگاهيان



۱	درس اول
۹	درس دوم
۱۴	درس سوم
۲۰	درس چهارم
۲۶	درس پنجم
۳۲	درس ششم
۳۸	درس هفتم
۴۵	درس هشتم
۵۳	درس نهم
۶۰	درس دهم
۶۸	درس یازدهم
۷۶	درس دوازدهم

درس اول

در این درس مطالب زیر را مطالعه خواهید کرد:

- موجبات وضو (چیزهایی که برای آنها وضو گرفته می شود)
- اقسام شرط بودن وضو برای اعمال دیگر (شرط صحت، شرط جواز و شرط کمال)
- موارد حرمت و عدم حرمت مس آیات و کلمات قرآنی، بدون وضو

در این درس ، بحث موجبات، شکیات و مبطلات وضوء مطرح می‌شود. کارهایی را که انسان برای آن باید وضو بگیرد ، چیزهایی که باعث ابطال وضو می‌شود ، شک در وسط وضوء ، بعد از وضوء، قبل از نماز و وسط نماز برای انسان شکی حاصل شود این‌ها احکام خاصی دارد که ان‌شاءالله در ادامه بحث به تفصیل وارد آن خواهیم شد.

موجبات وضوء:

وضو برای بعضی از اعمال شرط صحت می‌باشد یعنی اگر انسان آن عمل را بدون وضو انجام دهد آن عمل باطل خواهد بود و باید دوباره آن عمل را انجام دهد و وضوء شرط صحت آن عمل می‌باشد .

الف: اعمالی که شرط صحت آن‌ها وضو می‌باشد :

۱- نمازها اعم از نمازهای واجب مانند: (نمازهای ظهر و عصر و یا نمازهایی که به واسطه نظر و قسم واجب شده است و یا نمازهای حج) و مستحب مانند: (نمازهای نافله صبح یا جعفر طیار) در این نمازها شرط صحت نماز وضوء می‌باشد.

۲- طواف خانه خدا اگر بدون وضوء باشد باطل است ، حتی اگر از روی فراموشی یا جهل باشد زیرا شرط صحت طواف وضو می‌باشد.

۳- همچنین برای اجزای فراموش شده نماز مانند: سجده و تشهد نیاز به وضوء می‌باشد. مثلاً اگر کسی بعد از نماز متوجه شد که تشهد را بجا نیاورده است طبق نظر غالب علماء وظیفه دارد که بعد از نماز قضاء تشهد را بجا آورد و سپس سجده سهو بجا آورد لذا برای قضاء تشهد فراموش شده باید وضوء داشته باشد.

در جایی که به نمازگزار سجده سهو واجب می‌شود (مثلاً سهواً حرف می‌زند) آیا وضوء نیاز است یا خیر ؟ نظر برخی از علماء این است که بر مکلف واجب است که سجده سهو را نیز با وضوء انجام دهد ولی نظر امام (رحمه‌الله‌علیه) این است که در سجده سهو وضوء نیاز نمی‌باشد. پس نماز و اجزای فراموش شده نماز و طواف نیاز به وضوء دارد.

استثناء : در نماز میت نیاز به وضوء نمی‌باشد چرا که نماز میت در واقع دعاء می‌باشد ولی شکل و هیئت نماز را دارد(یعنی تکبیر ، قیام و رو به قبله ایستادن دارد) پس در نماز میت شرط صحت عمل وضوء نمی‌باشد حتی فرد جنب و زن حائض هم می‌تواند نماز میت را بخواند .

ب: وضوء شرط جواز عمل و شرط حرام نبودن عمل می‌باشد:

یعنی اگر آن عمل بدون وضو انجام شود حرام است .

۱- مس نوشته قرآن بدون وضوء حرام می‌باشد و بحث صحت عمل نمی‌باشد که اگر بدون وضوء باشیم عمل باطل شود بلکه دست زدن بدون وضوء به قرآن حرام است .

۲- مس اسم خداوند متعال که به هر زبانی نوشته شده باشد و همچنین صفات خاص خداوند متعال مانند: کلمه رحمان نیاز به وضوء دارد، اما اگر صفات، صفات عام باشد مانند کلمه رزاق نیاز به وضوء ندارد.

۳- طبق نظر حضرات آیات امام خمینی (ره) ، مقام معظم رهبری و مرحوم آیه‌الله بهجت برای مس اسماء ائمه و پیامبران و حضرت زهراء به احتیاط واجب باید وضوء داشته باشیم ، اما غالب مراجع این امر را دائر مدار هتک می‌دانند، مثلاً اگر کسی بدون وضوء اسماء امام حسین، امام حسن و دیگر معصومین (علیهم السلام) را مسح نماید یا اگر کسی اسامی ائمه را به گردن آویزان کند، قطعاً این اسم با بدن او تماس دارد و در مواقعی مانند زمان خواب بدون وضوء می‌باشد ؛ اگر عرفاً

این کار هتک حرمت به حساب آید باید وضو بگیرد و دست زدن بدون وضو حرام است و الا نیازی به وضو نمی‌باشد.

ج: وضوء داشتن شرط کمال می‌باشد:

یعنی وضوء شرط صحت و شرط جواز عمل نمی‌باشد بلکه شرط کمال است مثلاً قرائت قرآن بدون وضوء اشکالی ندارد ولیکن کسی که قرآن می‌خواند اگر وضوء داشته باشد دارای ثواب بیشتری خواهد بود .

د: وضوء باعث رفع کراهت عمل می‌شود :

یعنی انجام بعضی از اعمال کراهت دارند که اگر انسان وضوء داشته باشد باعث رفع کراهت می‌شود و یا اینکه باعث کم‌شدن کراهت می‌شود مثلاً در حالت جنابت خوردن و آشامیدن کراهت دارد ، اگر انسان فقط دستش را بشوید و مشغول غذا خوردن شود این باعث می‌شود که کراهت کمتر شود ، اما اگر وضوء بگیرد به صورت کلی کراهت خوردن و آشامیدن برطرف می‌شود یا همچنین اگر شخص جنب بخواد میتی را غسل دهد این کراهت دارد و این کراهت با وضوء برطرف می‌شود

احکامی در رابطه با وجوب وضوء :

• کسی که وضوء ندارد نباید جایی از بدن خود را به نوشته‌های قرآن برساند:

• قطعاً مسّ آیات قرآن با ظاهر بدن و باطن بدن مانند زبان و دندانها بدون وضو حرام می‌باشد.

سؤال: آیامسّ آیات قرآن بدون وضوء با موهای کوتاه بدن مانند موهای ابرو ، مژه و یا موهای بلند بدن مانند موهای سر حرام می‌باشد؟ اغلب علما می‌فرمایند: حرام نمی‌باشد ولی بعضی از علماء در مسئله احتیاط نموده اند و گفته‌اند که حتی با موهای کوتاه هم که عرفاً جزء بدن محسوب می‌شود نباید بدون وضوء مسّ آیات را انجام دهد.

• مسّ ترجمه آیات قرآن بدون وضوء اشکال ندارد ، اما مسّ قرآن حتی اگر با خطوط قدیمی مانند خط کوفی باشد اشکال دارد و مسّ اسماء خداوند و صفات خاص خداوند و اسامی ائمه و پیامبران و فرشتگان به هر زبانی که باشد بدون وضو حرام می‌باشد.

سؤال : آیا مسّ قرآنهایی که با خط بریل نوشته شده است حرام می‌باشد؟ طبق نظر علماء اگر عرفاً خط بریل خط قرآنی محسوب شود باید با وضوء آیات قرآن مسّ شود ، اما اگر خط بریل صرفاً به عنوان علامت محسوب شود در این صورت اشکالی ندارد ، اما اگر عرفاً خط قرآنی به حساب آید باید با وضوء باشد .

• اگر آیات قرآن و نام پیامبران با خط متعارف و معمول باشد و یا متعارف نباشد مثل خط کوفی ؛ و یا نوشته با قلم باشد ، چاپ یا گچبری و یا بر جسته یا گود باشد مانند: سنگ قبر مسّ آنها بدون وضوء حرام است.

• مسّ حروف قرآن چه حروفی که خوانده می‌شود و چه حروفی که خوانده نمی‌شود بدون وضوء حرام است مانند الف در کلمه « قالوا » و یا اگر آیات قرآن به صورت برعکس نوشته شده باشد باز هم حرمت دارد .

• همچنین کلمات قرآنی که نیکو باشد مانند مؤمن، صبر و یا کلمات ناپسند و منفور باشد مانند ابلیس، شیطان و ابولهب که از کلمات قرآنی محسوب می‌شوند مسّ آنها بدون وضوء از نظر حکم تکلیفی مانند کلمه الله ، نیز حرام می‌باشد. (البته اگر به نیت کلمات قرآنی باشد)

• اگر کلماتی که در بیرون قرآن نوشته شده است و به نیت کلمه قرآنی نوشته شده باشد حرمت لمس آن کلمات بدون وضو وجود دارد ؛ اما اگر آن کلمات که خارج قرآن نوشته شده است به قصد قرآنیت نوشته نشده باشد مثلاً کلمه ابو لهب به

عنوان یک کلمه تاریخی نوشته شده باشد ، اشکال ندارد.

• مسّ آیات قرآن در برخی از موارد حرام نمی باشد:

• مسّ آیات قرآن از پشت شیشه یا پلاستیک یا زمانی که روی آن پارچه‌ای انداخته شود اشکال ندارد چرا که در واقع مسّ خطوط قرآن نمی‌باشد و بین بدن و آیات فاصله وجود دارد.

• مسّ ما بین حروف و فضای خالی درون حروف قرآن نیز اشکال ندارد.

• مسّ ورق قرآن و حواشی و بین سطوح و جلد و حمل قرآن حرام نمی‌باشد اما مکروه است.

سؤال : آیا بردن قرآن در داخل دستشویی اشکال دارد؟ این مسئله دائر مدار هتک حرمت است که اگر هتک باشد اشکال دارد ولی ظاهراً که هتک نمی‌باشد و اشکالی ندارد اما حداقل یک عمل مکروه انجام داده است.

• مسّ ترجمه قرآن به هر زبانی که باشد اشکال ندارد ، مگر اسم خداوند متعال که به هر زبانی که نوشته شده باشد باید با وضو مسّ گردد.

• مس بدون وضوء کلماتی مانند بسمه‌تعالی و آرم جمهوری اسلامی و کلماتی مانند کدخدا، ناخدا و کلماتی که در آنها خدا وجود دارد طبق نظر اکثر علماء اشکال دارد. حضرت امام خمینی در آرم جمهوری اسلامی احتیاط واجب نموده اند و مقام معظم رهبری در استفتاء به عمل آمده حکم را دائر مدار عرف نموده که آیا عرف از این کلمه در آرم جمهوری اسلامی الله برداشت می‌کند، اگر عرف از این کلمه الله برداشت می‌کند دست زدن بدون وضوء حرام می‌باشد و در غیر این صورت حرام نمی‌باشد.

چکیده

موجبات وضو :

وضو از سه جهت می تواند شرط برای اعمال دیگر واقع شود.

الف : اعمالی که شرط صحت آنها وضو می باشد : یعنی اگر بدون وضو انجام گیرد باطل است.

۱- نمازها

۲- طواف خانه خدا

۳- قضا نمودن اجزای فراموش شده نماز

ب : وضو ؛ شرط جواز عمل و شرط حرام نبودن عمل می باشد: یعنی اگر آن عمل بدون وضو انجام گیرد حرام است.

۱- مسّ نوشته قرآن ۲- مسّ اسم خداوند و ائمه (علیهم السلام)

ج : وضو ؛ شرط کمال می باشد: یعنی انجام دادن عمل بدون وضو اشکال ندارد. مانند قرائت قرآن که با وضو دارای ثواب بیشتری می باشد.

د : وضو باعث رفع کراهت عمل می شود: مانند خوردن و آشامیدن کسی که در حال جنابت است ، که با وضوء این کراهت برطرف می گردد.

احکامی در رابطه با وضو :

کسی که وضو ندارد نباید ظاهر و یا باطن جایی از بدن خود را به نوشته های قرآن برساند. و همچنین مسّ اسماء و صفات خداوند و اسامی ائمه (علیهم السلام) بدون وضو حرام است و همچنین مسّ حروف قرآن و کلمات نیکوی قرآن مانند: مؤمن و کلمات ناپسند قرآن مانند: ابولهب در این حکم داخل است.

مسّ آیات قرآن در برخی موارد حرام نمی باشد:

۱- مسّ آیات زمانی که به واسطه چیزی زمانی که با پوست تماس پیدا نمی کند.

(مانند: کشیدن لایه ای پلاستیکی روی پوست)

۲- مسّ ما بین حروف قرآن

۳- مسّ ورق و حواشی قرآن و همچنین حمل قرآن

۴- مسّ ترجمه قرآن را به هر زبانی که باشد.

آزمون

۱- وضو برای به جا آوردن اجزای فراموش شده نماز مانند تشهد..... می باشد.

الف) شرط کمال ب) شرط صحت ج) شرط جواز

۲- مسّ نام خداوند که به زبان لاتین نوشته شده و مسّ صفات عام خداوند چه حکمی دارد؟

الف) جایز نیست - جایز است

ب) جایز نیست - جایز نیست

ج) جایز است - جایز است

۳- مس قرآنی که با خط بریل نوشته شده بدون وضو چه حکمی دارد؟

الف) اگر عرفاً خط قرآنی محسوب شود جایز نیست و اگر خط قرآنی محسوب نشود جایز است.

ب) مطلقاً جایز است.

ج) مطلقاً جایز نیست.

۴- حکم مس بدون وضوی کلمات زیر را بیان کنید.

ابولهب به عنوان کلمه تاریخی - الف آخر قالوا در قرآن - فضای خالی داخل حروف قرآن

الف) جایز است - جایز نیست - جایز نیست

ب) جایز است - جایز است - جایز است

ج) جایز است - جایز نیست - جایز است

درس دوم

در این درس مطالب زیر را مطالعه خواهید کرد:

• کارهایی که مستحب است با وضو انجام گیرد

• شکایات وضو

• مبطلات وضو

کارهایی که مستحب است با وضوء انجام داده شود:

- ۱- خواندن نماز میت ؛
 - ۲- رفتن به مسجد و حرم امامان معصوم (علیهم‌السلام) ؛
 - ۳- خواندن قرآن ، خواندن قرآن با وضوء ثواب بیشتری دارد؛
 - ۴- همراه داشتن قرآن ؛
 - ۵- به هنگام خوابیدن ؛
 - ۶- قضاوت قاضی در مسند قضاء ؛
 - ۷- زیارت اهل قبور
 - ۸- مستحب است شخص مسافر هنگام ورود بر اهل و عیال خود با وضوء باشد.
 - ۹- مستحب است برای انجام سجده شکر یا سجده تلاوت وضوء داشته باشد.
 - ۱۰- مستحب است اذان یا وضوء گفته شود و در اقامه شرط صحت اقامه ، داشتن وضوء می‌باشد.
- طبق نظر اکثر علماء مستحب است انسان همیشه با وضوء باشد و فقط حضرت امام در این مسئله نظرشان متفاوت می‌باشد.

شکایات وضوء:

- ۱- کسی که نمی‌داند وضوء گرفته یا نه، باید وضوء بگیرد.
- ۲- کسی که نمی‌داند وضویش باطل شده یا نه، لازم نیست دوباره وضوء بگیرد. مثلاً کسی که برای نماز صبح وضوء گرفته است و وقت نماز ظهر شک می‌کند که آیا وضویش باطل شده است یا نه وضویش باطل نیست و صحیح می‌باشد.
- ۳- اگر انسان در بین نماز شک کند وضوء گرفته یا نه و شکش بدوی باشد و سابقه طهارت نداشته است ، نمازش باطل است و باید وضوء بگیرد و مجدداً نماز خود را اقامه کند. (البته در این مسئله مراجع گذشته احتیاط کرده‌اند و گفتند که در همین حالت نماز را به پایان برساند و بعد باوضوی مجدد نماز خود را بخواند)
- ۴- اگر کسی پس از خواندن نماز، شک کند که وضوء داشته است یا نه، مثلاً بعد از سلام نماز شک می‌کند که وضوء داشته است یا نه ؟ طبق فائده فراق نماز خوانده شده صحیح است، ولی برای نمازهای بعدی طبق فائده استصحاب باید وضوء بگیرد.
- ۵- اگر انسان پس از وضوء شک کند، مانعی بر اعضای وضوء بوده یا نه، به شک خود اعتنا نمی‌کند و وضوی او صحیح است.
- ۶- اگر پس از وضوء چیزی که مانع رسیدن آب است در اعضای وضوء ببیند و نداند هنگام وضوء بوده است یا بعد پیدا شده، وضوی او صحیح است، ولی اگر بداند که در وقت وضوء گرفتن ملتفت آن نبوده ، در این جا طبق نظر امام و غالب مراجع به شکل احتیاط واجب و یا شکل فتوا باید دوباره وضوء بگیرد.
- ۷- اگر می‌داند چیزی بر اعضای وضوء چسبیده ولی شک دارد که از رسیدن آب جلوگیری می‌کند یا نه، باید آن را برطرف کند یا آب را زیر آن برساند. مثلاً دست کسی که با خودکار رنگی شده است و شک می‌کند که این مقدار رنگ آیا مانع از رسیدن آب به پوست می‌باشد یا نه؟ در این صورت باید برای این که یقین پیدا کند که آب به پوست بدن رسیده است ، باید آن مانع و رنگ را برطرف سازد.
- ۸- کسی که در کارهای وضوء و شرایط آن، مثل وجود داشتن مانعی بر اعضا، مباح بودن آب، زیاد شک می‌کند، نباید به

شک خود اعتنا کند.

۹- کسی که قسمتی از اعضای وضویش نجس بوده است و بعد از وضو شک می‌کند که آیا آن نجاست را برطرف ساخته است یا نه؟ اگر هنگام وضوء ملتفت آن نجاست بوده است وضویش محکوم به صحت می‌باشد ولیکن اگر می‌داند که ملتفت نجس بودن بعضی از اعضای وضو نبوده است وضویش صحیح نمی‌باشد.

مبطلات نماز:

آنچه وضو را باطل می‌کند عبارتند از:

- ۱- خارج شدن ادرار یا مدفوع؛ (فرقی نمی‌کند از مخارج طبیعی و یا غیرطبیعی خارج شود)
- ۲- خارج شدن باد معده و روده از مخرج غائط؛
- ۳- خواب اگر به حدی باشد که گوش نشنود و چشم نبیند، چرت زدن اگر در این حد نباشد وضوء را باطل نمی‌کند، یعنی اگر گوش بشنود و چشم نبیند و برعکس وضوء باطل نمی‌شود.
- ۴- چیزهایی که عقل را از بین می‌برد باعث بطلان وضوء می‌شود؛ مانند دیوانگی، مستی و بیهوشی.
- ۵- حدث اکبر باعث بطلان وضو می‌باشد یعنی آنچه سبب غسل شود؛ مانند جنابت و مسّ میت و غیره.....
- ۶- استحاضه در زنان نیز باعث بطلان وضوء می‌باشد (خونی است که بعضی از زنان در بعضی از ایام می‌بینند).

چکیده

کارهایی که مستحب است با وضوء انجام گیرد:

- ۱- خواندن نماز میت ۲- رفتن به مسجد و حرم امامان معصوم (علیهم السلام) ۳- خواندن قرآن
- ۴- همراه داشتن قرآن ۵- هنگام خوابیدن ۶- قضاوت قاضی ۷- زیارت اهل قبور
- ۸- مسافری که وارد بر اهل و عیال خود می شود ۹- انجام سجده شکر ۱۰- گفتن اذان

شکایات وضوء :

- ۱- کسی که نمی داند وضوء گرفته یا نه باید وضوء بگیرد.
- ۲- کسی که نمی داند وضویش باطل شده یا نه، وضوء دارد.
- ۳- کسی که در بین نماز شک کرده است که وضوء دارد یا نه و سابقه طهارت ندارد؛ نمازش باطل است و باید برای نمازهای بعدی وضوء بگیرد.
- ۴- کسی که بعد از نماز شک می کند آیا وضوء داشته است یا نه؛ نمازهایی را خوانده صحیح است ولی برای نمازهای دیگر باید وضوء بگیرد.
- ۵- کسی که شک کند بعد از وضوء مانعی در اعضاء بوده یا نه نباید به شکش اعتنا نماید.
- ۶- کسی که پس از وضوء مانعی در اعضایش ببیند اگر هنگام وضوء ملتفت آن بوده است وضویش صحیح است و الا وضویش باطل است.
- ۷- کسی که چیزی بر اعضای وضوی او چسبیده ولی شک دارد که از رسیدن آب جلوگیری می کند یا نه، باید آن را برطرف کند.
- ۸- کسی که در کارهای خود زیاد شک می کند نباید اعتنا کند.
- ۹- کسی که قسمتی از اعضای وضویش نجس بوده است اگر هنگام وضوء ملتفت نجاست بوده است وضویش صحیح است و الا وضوی این فرد باطل است.

مبطلات وضوء :

- ۱- خارج شدن بول یا مدفوع ۲- خارج شدن باد معده و روده ۳- خواب به حدی که نبیند و نشنود ۴- چیزهایی که عقل را از بین می برد ۵- آنچه سبب غسل می گردد ۶- استحاضه در زنان.

آزمون

۱- کسی که شک دارد وضو گرفته یا نه.....وکسی که شک دارد وضویش باطل شده.....

الف) باید وضو بگیرد- لازم نیست وضو بگیرد.

ب) باید وضو بگیرد- باید وضو بگیرد.

ج) لازم نیست وضو بگیرد- باید وضو بگیرد.

۲- اگر شخص می داند مانعی دراعضای وضو هست ولی شک دارد ولی شک دارد که از رسیدن آب به پوست جلوگیری می

کند یا نه.....

الف) بهتر است مانع را برطرف کند.

ب) باید مانع را برطرف کند.

ج) لازم نیست مانع را برطرف کند.

۳- بیهوشی باعث بطلان وضو.....و خوردن غذا باعث بطلان وضو.....

الف) نمی شود- می شود

ب) نمی شود- نمی شود

ج) می شود- نمی شود

۴- حدت اکبر عبارت است از آنچه که.....

الف) سبب غسل می شود

ب) سبب وضو می شود

ج) سبب وضو و غسل نمی شود.

گروه مجازی علوم اسلامی دانشگاهیان

درس سوم

در این درس مطالب زیر را مطالعه خواهید کرد:

• غسل های واجب و مستحب

• عوامل جنابت

• نشانه های بلوغ

غسل : به دو قسمت کلی تقسیم می شود:

۱- غسلهای واجب ۲- غسلهای مستحب

برخی از غسلهای واجب ویژه بانوان و برخی دیگر از غسلهای واجب مشترک بین مردان و زنان می باشند.

غسلهای مستحبی تقسیم می شود به: ۱- زمانی ۲- مکانی ۳- فعلی

غسلهای مشترک بین زنان و مردان عبارتند از: ۱- غسل جنابت ۲- غسل مس میت ۳- میت

• منظور از غسل مس میت این است که انسان با بدن مرده ای که سرد شده است، تماس پیدا کند. یعنی به بدن او دست بزند و با دستکش غسل واجب نمی شود.

• غسل میت مربوط به کسی می باشد که از دنیا رفته است یعنی فردی که از دنیا رفته است را غسل می دهند و سپس دفن می کنند.

غسلهای واجبی که ویژه ی بانوان است عبارتند از : ۱- حیض ۲- استحاضه ۳- نفاس

غسلهای مستحب تعداد بی شماری دارد در برخی از کتب فقهی حدود ۳۰ غسل مستحب برای مکلفین شمرده شده است ؛ بعضی از غسلها ، غسل های زمانی است یعنی در زمان های خاصی انجام دادن آن وارد شده است مانند : (غسل شب قدر ، روز عرفه و روز جمعه) ؛ بعضی از این غسلهای مستحب در مکان های خاصی وارد شده است مانند : (غسل رفتن به مسجد الحرام)؛ و بعضی از غسلها هم غسل های فعلی است یعنی زمانی که یک فعلی از انسان سر زند مستحب است که انسان غسل انجام دهد مانند: (غسل احرام عمره و حج)

غسل جنابت :

غسل جنابت فی نفسه و به خودی خود مستحب می باشد مثلاً : یعنی اگر زنی که حائض است و جنب هم شده است چون نماز بر او واجب نمی باشد غسل جنابت برای او مستحب است و واجب نمی باشد، زیرا وقتی از حیض پاک شد می تواند هنگام غسل دو نیت انجام دهد یکی برای جنابت و یکی برای حیض و نماز خود را می خواند پس تا زمانی که فرد مکلف نباشد و مشغول کار عبادی نشود غسل بر او واجب نمی باشد. تمامی اغسال به خودی خود و فی نفسه مستحب می باشد و فقط غسل میت است که واجب است.

۱-عوامل جنابت :

الف : بیرون آمدن منی : منی ماده ای است که از بدن مردان خارج می شود و گاهی اوقات هم از زنان هم خارج می شود و فرقی نمی کند که کم باشد یا زیاد ؛ در خواب باشد یا در بیداری باشد.

نکته: اینکه گفته می شود منی از بدن خانم ها خارج می شود در واقع منی نمی باشد و آن مایع ای که از آنها خارج می شود در حکم منی است و مانند منی نجس است.

ب: جماع (آمیزش) : اگر آمیزش انجام گیرد با همسر یا با حرام ؛ و منی بیرون بیاید یا نیاید جنابت اتفاق می افتد.

۲- اگر منی از جای خود حرکت کند، ولی بیرون نیاید سبب جنابت نمی شود و نیازی به غسل نمی باشد ، اما اگر از جای خود حرکت کرد و بیرون نیامد ولی با ادرار بیرون آمد در این صورت چون منی بیرون آمده است واجب است برای انجام

اعمال عبادی غسل کند.

۳- کسی که می‌داند منی از او خارج شده و می‌داند آنچه بیرون آمده منی است، واجب است و باید غسل کند (یعنی اگر یقین دارد رطوبتی که خارج شده است حتی نشانه‌های منی را هم نداشته باشد منی است).

۴- نشانه‌های منی: اگر مایعی از بدن مرد و زن خارج شد، در بیداری و یا در خواب بود، کم یا زیاد بود و شک کند که این رطوبت منی است یا نه؟ نشانه‌هایی دارد که از آن طریق می‌توان متوجه شد که این فرد جُنُب است یا نه؟

• باشهوت بیرون آید؛

• با فشار و جستن بیرون آید.

• پس از بیرون آمدن، بدن سست شود. (البته بسیاری از مراجع شرط سوم را دخیل در جنابت نمی‌دانند. یعنی اگر دو شرط دیگر محقق شده باشد، شرط سوم لزومی ندارد)

۵- کسی که رطوبتی از او خارج شده و نمی‌داند منی است یا نه، در صورتی که تمامی نشانه‌ها را داشته باشد جنب است و در غیر این صورت، حتی اگر یکی از نشانه‌ها را نداشته باشد جنب نیست؛ به جز زن و مریض که وجود یک نشانه؛ یعنی بیرون آمدن منی از روی شهوت، کافی است ولی اگر بعداً متوجه شود جنب بوده است، نمازهایی که با آن‌ها خوانده است باطل است.

۶- نشانه‌های بلوغ در دختران و پسران متفاوت است:

الف: روییدن موی خشن بر عانه (بالای عورت)؛

ب: کامل شدن پانزده سال قمری برای پسران و نه سال قمری برای دختران؛

ج: بیرون آمدن منی از انسان قبل سن ۱۵ سال قمری در پسران؛

برای تحقق بلوغ، ظاهر شدن هر سه علامت ضرورت ندارد، بلکه با پدیدار شدن یکی از آن‌ها، بلوغ حاصل می‌شود. مثلاً اگر پسری در سن ۱۲ سالگی جنب شود، بالغ شده است و باید به تکالیف شرعی خود عمل نماید.

۷- مستحب است انسان پس از بیرون آمدن منی ادرار کند و اگر ادرار نکند و پس از غسل رطوبتی از او خارج شود که شک کند و نداند باقی مانده منی که در مجرای ادرار است یا رطوبت دیگر، در این صورت حکم منی را دارد، و باید غسل کند ولی اگر ادرار کند یقین می‌کند که آن رطوبت منی نمی‌باشد.

نکته: کسی که به هر دلیلی نمی‌تواند ادرار کند، آیا می‌تواند به جای ادرار استبراء انجام دهد و باقیمانده منی را از مجرای بول خارج کند و اگر بعد از غسل رطوبت مشکوکی را ببیند آیا نیاز به غسل دارد یا نه؟

غالب مراجع فرموده‌اند: که استبراء از منی فقط از طریق ادرار انجام می‌پذیرد، یعنی اگر بدون انجام ادرار استبراء کند (استبراء بِالْخَرَطَاط) و بعد از غسل رطوبتی ببیند طبق فتوای همه مراجع به غیر از آیه الله بهجت؛ در حکم منی است و این استبراء از منی، فقط بعد از ادرار کردن حاصل می‌شود.

۸- زنان هم ممکن است مانند مردان در خواب محتلم شوند (هرچند به ندرت این اتفاق می‌افتد) و در صورتی که یقین به خروج منی پیدا کردند غسل واجب می‌شود و در صورت شک غسل واجب نیست.

نکته: بعضی از خانم‌ها دچار وسواس هستند و مخصوصاً در دوران نامزدی به مجرد اینکه با نامزد خود تماس پیدا می‌کنند أحياناً رطوبتی را در خود می‌بینند و فکر می‌کنند جنب شده‌اند در حالی که این رطوبتها؛ دارای نشانه منی نمی‌باشند و هیچ غسل جنابتی بر آنها واجب نمی‌باشد.

سؤال پیش می‌آید که خانم‌ها از کجا متوجه شوند که این رطوبت حکم منی را ندارد؟ فرموده اند که اگر خانم‌ها رطوبتی را در اوج لذت جنسی ببینند، این رطوبت حکم منی را دارد و باید غسل جنابت صورت بگیرد و اگر رطوبتی را نبینند حکم منی را ندارد و یا اگر به اوج لذت جنسی نرسند، آن رطوبت حکم منی را ندارد، لذا غسلی هم بر آنها واجب نمی‌باشد. (البته آیت‌الله سیستانی می‌فرمایند: اگر خانمی که به اوج لذت جنسی نرسیده ولی حجم رطوبتی که می‌بیند، به مقدار رطوبتی است که در اوج لذت جنسی می‌بیند فقط طبق نظر ایشان این رطوبت به احتیاط واجب حکم منی را دارد؛ چون مسئله احتیاط واجب است قابل رجوع به دیگر مراجع وجود دارد. لذا طبق نظر اکثر مراجع حالات پیش آمده برای خانم‌ها حالت جنابت نمی‌باشد و احتلام بانوان در خواب نادر الوقوع است)

۹- استمناء (خودارضایی)، حرام و از گناهان بزرگ است و در صورت بیرون آمدن منی، باید غسل انجام گیرد. همچنین احکام خاصی دارد. مثلاً اگر در ماه مبارک رمضان باشد طبق نظر اکثر مراجع باعث بطلان روزه می‌شود و کفاره جمع هم به عهده انسان می‌آید و اگر در غیر ماه مبارک رمضان هم باشد این عمل به خودی خود حرام می‌باشد.

حدیث: یکی از معصومین (علیهم‌السلام) فرمودند: که اگر من بدانم که کسی این کار را (استمناء) انجام می‌دهد، با او سر یک سفره هم غذا نخواهم شد کسی که با این عمل خود را ارضاع میکند اصطلاحاً به چنین شخصی ناکح الکف، ناکح النفس؛ یعنی کسی که با خود ازدواج کرده است.

در روایات وارد شده است که؛ در زمان امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) جوانی مرتکب این عمل شده بود که حضرت آن قدر با شلاق به کف دست این جوان زدند که دستانش سرخ شد و بعد از تنبیه حضرت از بیت المال این جوان را مزدوج نمودند.

چکیده

غسل به واجب و مستحب تقسیم می‌گردد :

غسل‌های مستحبی عبارتند از :

- ۱- زمانی مانند: (غسل شب قدر) ۲- مکانی مانند: (غسل رفتن به مسجد الحرام) ۳- فعلی مانند: (غسل احرام حج)
- غسل‌های مشترک بین زنان و مردان : * غسل جنابت * غسل مسّ میت * غسل میت
- غسل‌های که مخصوص بانوان است: * غسل حیض * غسل استحاضه * غسل نفاس
- غسل جنابت و مسائل آن : فی نفسه مستحب است و تا زمانی که انسان نخواهد عمل عبادی انجام دهد غسل واجب نمی‌باشد.

۱- عوامل جنابت : الف : بیرون آمدن منی ب: جماع (آمیزش)

۲- اگر منی از جای خود حرکت کند و بیرون نیاید سبب غسل نمی‌شود ولی اگر با ادرار بیرون آید ، غسل واجب می‌شود.

۳- کسی که یقین دارد آنچه که از او بیرون آمده منی است واجب است غسل کند.

۴- نشانه‌های منی عبارتند از: الف : با شهوت بیرون می‌آید ؛

ب : با فشار بیرون می‌آید ؛

ج : پس از بیرون آمدن منی ، بدن سست می‌شود.

۵- کسی که رطوبتی از او خارج شده و نمی‌داند که منی است یا نه اگر یکی از نشانه‌ها را نداشته باشد، منی نمی‌باشد.

۶- نشانه‌های بلوغ : الف : رویدن موی خشن بالای عورت ؛

ب: کامل شدن ۱۵ سال قمری در پسران و نه سال قمری در دختران؛

ج: بیرون آمدن منی قبل از ۱۵ سال قمری .

۷- مستحب است انسان پس از بیرون آمدن منی بول کند و اگر بول نکند و پس از غسل رطوبتی از او خارج شود و نداند

منی است یا چیز دیگر در حکم منی است و باید غسل کند.

۸- استمناء (خود رضایی) حرام و از گناهان کبیره می‌باشد و در صورت بیرون آمدن منی باید غسل نمود.

آزمون

۱- غسل میت به خودی خود است و غسل جنابت به خودی خود است.

الف) واجب - مستحب ب) مستحب - مستحب ج) واجب - واجب

۲- اگر منی از جای خود حرکت کند ولی با ادرار بیرون آید.....

الف) سبب جنابت نمی شود ب) سبب جنابت می شود ج) احتیاطاً باید غسل کند

۳- بلوغ و جنابت چگونه محقق می شوند؟

الف) بلوغ با یک شرط محقق می شود ولی جنابت فقط با سه شرط محقق می شود.

ب) جنابت با یک شرط محقق می شود اما بلوغ فقط با سه شرط محقق می شود.

ج) بلوغ و جنابت فقط با تحقق سه شرط محقق می شوند.

۴- احتلام در خواب.....

الف) بیشتر برای خانمها است و به ندرت برای آقایان اتفاق می افتد.

ب) مخصوص آقایان است.

ج) بیشتر برای مردان است و به ندرت برای خانمها اتفاق می افتد.

۵- حکم اکثر مراجع در باره استمناء در حال روزه چیست؟

الف) باعث بطلان روزه می شود و یکی از کفارات سه گانه بر عهده انسان می آید.

ب) باعث بطلان روزه می شود و کفاره جمع بر عهده انسان می آید.

ج) باعث بطلان روزه نمی شود ولی بنابر احتیاط باید روزه را قضا نماید و کفاره دهد.

درس چهارم

در این درس مطالب زیر را مطالعه خواهید کرد:

• کارهایی که بر جنب و حائض حرام است

• کارهایی که بر جنب مکروه است

• کیفیت غسل ارتماسی و ترتیبی

کارهایی که بر جنب حرام است:

۱- رساندن جایی از بدن به خط قرآن و اسم خداوند برای شخص جنب در حالی که ملتفت است، حرام است و بنابر احتیاط واجب، رساندن بدن به اسامی پیامبران و ائمه (علیهم‌السلام) برای شخص جنب و بی وضوء نیز در این حکم داخل می‌باشد (بعضی از مراجع دست زدن بدون وضوء به اسامی ائمه علیهم‌السلام را دائر مدار هتک می‌دانند).

۲- رفتن به مسجدالحرام و مسجدالنبی هر چند از یک در وارد و از در دیگر خارج شود حرام است؛ و تفاوت این دو مسجد با سایر مساجد این است که، در سایر مساجد شخص جنب می‌تواند از یک در وارد شود و از در دیگر خارج شود به گونه‌ای که در مسجد توقف نکند این عبور کردن برای شخص جنب اشکال ندارد و حرم امامان معصوم هم در این حکم داخل است، ولی در دو مسجد مذکور حتی عبور هم حرام است. (مرحوم آیه‌الله بهجت در رابطه با مسئله عبور از حرم امامان معصوم هم احتیاط واجب نموده‌اند)

۳- گذاشتن چیزی در مسجد، هر چند از بیرون مسجد باشد برای شخص جنب حرام است (مثلاً فرد جنبی می‌خواهد مَهْری را از بیرون مسجد داخل مسجد بگذارد حرام است و باید به فرد پاکی دهد تا او آن را داخل مسجد قرار دهد).

۴- طبق فتوای برخی از علماء مانند مرحوم حضرت امام و مرحوم آیه‌الله بهجت؛ خواندن سوره‌هایی از قرآن که سجده واجب دارد حتی یک حرف از آن را برای شخص جنب حرام می‌دانند. (چهار سوره به نام های، سوره سجده آیه ۱۵، سوره فصلت آیه ۴۱، سوره ۵۳ قرآن (نجم) و سوره ۹۶ قرآن (علق) سوره های سجده دار هستند.) اما بسیاری از مراجع مانند: مقام معظم رهبری و آیه‌الله مکارم شیرازی و بعضی از مراجع دیگر می‌فرمایند، خواندن سوره حرام نمی‌باشد بلکه خواندن آیه‌ای که سجده واجب دارد حرام می‌باشد.

نکته: خواندن ادعیه بر شخص جنب و حائض حرام نمی‌باشد. ولیکن این نکته وجود دارد که طبق نظر حضرت امام مثلاً در دعای کمیل یک جمله وجود دارد که از سوره‌های سجده دار استفاده شده است (اَقْمَنَ كَانْ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانْ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ) (سوره سجده) پس در این صورت طبق این فتوا خواندن این قسمت از دعاء که سوره سجده دار است برای شخص جنب و زن حائض حرام می‌باشد.

کارهایی که بر شخص جنب مکروه است :

• خوردن و آشامیدن برای شخص جنب کراهت دارد و این کراهت با وضوء به صورت کلی برطرف می‌شود و اگر وضو نگیرد دست و صورتش را بشوید رفع کراهت به صورت کلی نمی‌شود، اما کراهت خوردن و آشامیدن کمتر می‌شود (مثلاً اگر کراهت بدون وضوء ۱۰۰ درجه باشد با مزمه آب و شستن دست و صورت مثلاً کراهت ۵۰ درجه می‌شود).

• خواندن بیش از هفت آیه از آیات قرآن بر شخص جنب مکروه است. (این نکته قابل توجه است که کراهت در عبادات در معنای اقل ثواباً می‌باشد. یعنی در یک عبادتی مانند قرآن خواندن که گفته شده است کراهت دارد، به این معنا نمی‌باشد که شایسته است قرآن خواندن به صورت کلی ترک شود؛ چرا که مکروهات به دو شکل است: مکروهاتی که خدای متعال دوست ندارد انجام شود و شایسته است که آن کار به صورت کلی ترک شود مانند خوردن پنیر (اگر کراهت آن ثابت شود)؛ ولی بعضی از مکروهات در عبادات است یعنی اگر شخص جنب قرآن بخواند ثواب کمتری از خواندن قرآن می‌برد و منظور ترک خواندن کلی قرآن نمی‌باشد).

- لمس کردن حاشیه قرآن و ما بین خطوط قرآن بر شخص جنب مکروه است.
- خوابیدن شخص جنب کراهت دارد و این کراهت با وضوء گرفتن برطرف می‌شود و اگر امکان غسل وجود ندارد تیمم نماید تا کراهت بر طرف شود.
- خضاب کردن، یعنی حنا گذاشتن برای شخص جنب و حائض کراهت دارد و طبق نظر بیشتر علماء رنگ گذاشتن هم شامل این حکم می‌شود.
- تدهین: یعنی روغن زدن به بدن و سر می‌باشد، که این کار هم کراهت دارد.
- جماع پس از احتلام نیز مکروه است (یعنی کسی که مثلاً به واسطه خوابیدن جنب شده و بعد جماع انجام می‌دهد کراهت دارد و گر نه کراهت ندارد).
- حمل المصحف یعنی شخص جنب قرآن را همراه داشته باشد و همچنین تعلیق المصحف یعنی آویختن قرآن به گردن نیز کراهت دارد.

کیفیت غسل :

غسل به دو شکل انجام می‌گیرد : ۱- ترتیبی ۲- ارتماسی

غسل ترتیبی: در غسل ترتیبی طبق فتوای امام و بسیاری از مراجع ابتدا سر و گردن شست‌وشو داده می‌شود و سپس نیمه راست بدن از بالا تا پایین (کف پا) شسته می‌شود (از باب احتیاط یک مقدار از سمت چپ و تمام عورت و ناف شسته می‌شود تا یقین شود تمام سمت راست شسته شده است) و سپس به همین کیفیت سمت چپ بدن شسته می‌شود. این غسل به صورت مرتب انجام می‌گیرد.

غسل ارتماسی : غسلی است که انسان به صورت یک دفعه انجام می‌دهد و در آن ترتیب لحاظ نشده است. این غسل طبق نظر حضرت امام به سه صورت می‌باشد و بعضی از مراجع فقط یک یا دو صورت از این سه صورت را قبول دارند .
 نوع اول: این است که انسان با نیت غسل به یک‌باره زیر آب برود مثلاً کسی که کنار استخر ایستاده است نیت غسل می‌کند و یک دفعه در آب فرو می‌رود تا تمام بدن را به یک‌باره آب فراگیرد. (باید دقت داشت که در هنگام غسل ارتماسی، مانعی بر روی بدن وجود نداشته باشد چون غسل ارتماسی در این صورت محقق نمی‌شود چون شرط غسل ارتماسی این است که آب بدن را یک‌باره در بر بگیرد)

نوع دوم : این است که انسان به تدریج زیر آب فرو رود ، که در نهایت آب تمام بدن را فرا گیرد و تدریجاً غسل ارتماسی حاصل شود (مثلاً در استخری پله وجود دارد و از پله ها به نیت غسل تدریجاً پایین می‌روید و زمانی که آب روی سر آمده است تدریجاً غسل انجام می‌گیرد).

نوع سوم : این است که انسان در زیر آب فرو می‌رود و نیت غسل هم ندارد ولیکن به نیت غسل از آب بیرون می‌آید و یا به نیت غسل بدن خود را حرکت می‌دهد این هم طبق نظر امام صحیح می‌باشد.

نکته: نکته قابل توجه این می‌باشد که طبق نظر مرحوم آیه‌الله خویی، مرحوم آیه‌الله تبریزی، آیت‌الله زنجانی، آیه‌الله سیستانی، آیه‌الله مکارم شیرازی در غسل ترتیبی پس از شستن سر و گردن اگر کسی تمام بدن را بشوید و یا اول سمت چپ بدن را بشوید و بعد سمت راست بدن را بشوید اشکالی ندارد و غسل ترتیبی او صحیح می‌باشد. یعنی ترتیب بین سر

و گردن و بدن می‌باشد ، اما ترتیب بین سمت چپ و سمت راست بدن نمی‌باشد(لذا اگر کل بدن را بعد از شستن سر و گردن یک دفعه بشوید غسل ترتیبی محقق می‌شود) ، البته نکته ای را که باید توجه کرد این است که آیه الله مکارم شیرازی این نحوه ترتیب را هم واجب نمی‌دانند جز در غسل میت که ترتیب طبق نظر همه علماء شرط می‌باشد. (البته احتیاط این است که طبق ترتیب غسل انجام گیرد ولی اگر طبق ترتیب هم نباشد با توجه به حکم آیه الله مکارم شیرازی اشکال ندارد) در غسل میت به خاطر وجود روایات ترتیب شرط است. (یعنی اول سر و گردن بعد طرف راست و بعد طرف چپ بدن را شستن لازم است.)

پس در غسل، ترتیب، طبق نظر مراجع به سه شکل می‌باشد:

- طبق نظر امام و مرحوم آیه الله فاضل لنکرانی ترتیبی که معروف است.
- طبق نظریات عظام سیستانی ، خویی ، تبریزی ، زنجانی ترتیب بین سر و گردن با بدن است.
- طبق نظر آیه الله مکارم شیرازی ترتیب وجود ندارد.

حوزه مجازی علوم اسلامی دانشگاهیان

چکیده

کارهایی که بر جنب حرام است :

- ۱- رساندن جایی از بدن به خط قرآن و اسم خداوند و بنا بر احتیاط واجب ، اسامی ائمه و پیامبران
- ۲- رفتن به مسجدالحرام و مسجد النبی
- ۳- گذاشتن چیزی در مسجد
- ۴- خواندن سوره و آیه‌ای که سجده واجب دارد

کارهایی که بر شخص جنب مکروه است :

- ۱- خوردن و آشامیدن که کراهت آن با وضو برطرف می‌گردد؛
- ۲- خواندن بیش از هفت آیه از آیات قرآن کریم ؛
- ۳- لمس کردن حاشیه و ما بین خطوط قرآن کریم ؛
- ۴- خوابیدن، که کراهت آن وضو برطرف می‌گردد؛
- ۵- استفاده از حنا و رنگ؛
- ۶- روغن زدن به بدن و موی سر ؛
- ۷- جماع پس از احتلام؛
- ۸- حمل المصحف یعنی حمل قرآن و تعلیق المصحف یعنی آویزان کردن قرآن از گردن.

کیفیت غسل :

- ۱- غسل ترتیبی : در غسل ترتیبی طبق فتوای امام و بسیاری از مراجع ابتدا سر و گردن و بعد سمت راست بدن و سپس سمت چپ بدن شسته می‌شود.
- ۲- غسل ارتماسی : غسلی است که به صورت یک دفعه که انجام می‌دهند و طبق نظر امام به سه صورت انجام می‌گیرد:
 - الف : با نیت غسل به یک‌باره به زیر آب برود تا تمام بدن را آب فرا گیرد.
 - ب : با نیت غسل تدریجاً زیر آب فرو رود تا در نهایت آب تمام بدن را فراگیرد.
 - ج : بدون نیت غسل در آب فرو رود و با نیت غسل خارج گردد یا به نیت غسل بدن خود را در زیر آب حرکت دهد.

نکته : در غسل ترتیبی سه نظر وجود دارد:

- ۱- طبق نظر امام و آیت‌الله فاضل لنکرانی غسل ترتیبی به شکل معروف انجام می‌گیرد.
- ۲- طبق نظر آیات عظام سیستانی، خویی، تبریزی و زنجانی ترتیب بین سر گردن و بدن است.
- ۳- طبق نظر آیت‌الله مکارم شیرازی در غسل ترتیب وجود ندارد.

آزمون

۱- حکم عبور شخص جُنُب از مسجد کوفه و مسجد النبی چیست؟

الف) جایز است - جایز نیست ب) جایز نیست - جایز نیست ج) جایز نیست - جایز است

۲- بنابر فتوای آیت الله بهجت خواندن سوره های عزائم در حال جنابت چه حکمی دارد؟

الف) خواندن بیش از هفت آیه از آن سوره ها اشکال دارد

ب) خواندن یک آیه از آن سوره ها اشکال ندارد.

ج) خواندن یک کلمه از آن سوره ها نیز حرام است.

۳- معنی مکروه در اعمال عبادی و غیرعبادی چیست؟

الف) در اعمال عبادی و غیرعبادی به معنای اولویت ترک آن کار می باشد.

ب) در اعمال عبادی به معنای کم شدن ثواب و در اعمال غیرعبادی به معنای اولویت ترک آن کار می باشد.

ج) در اعمال غیرعبادی به معنای جواز و در اعمال عبادی به معنای اولویت ترک آن کار می باشد.

۴- بنابر فتوای آیت الله سیستانی ترتیب شستن اعضا در غسل ترتیبی چگونه می باشد؟

الف) ترتیب، فقط بین سر و گردن و بدن لازم است.

ب) ترتیب، میان سر و گردن و سمت راست و چپ بدن لازم است.

ج) ترتیب، بین سر و گردن و بدن لازم نیست.

درس پنجم

در این درس مطالب زیر را مطالعه خواهید کرد:

• احکام غسل

• نحوه کفایت اغسال از یکدیگر

• سرزدن حدث در بین غسل

احکام غسل :

۱- تمام شرطهایی که برای صحت وضو گفته شد مانند (آب پاک باشد یعنی نجس نباشد، غصبی نباشد، مباح باشد و شرایط دیگر) ، در صحت غسل هم شرط است ، به جز موالات (یعنی پشت سر هم انجام دادن یعنی مثلاً در وضوء اول صورت و بعد دست راست و سپس دست چپ را بشوید و اگر به قدری طول دهد که اعضای وضو خشک شود وضوء باطل است اما کسی که غسل می کند ، سر و گردن را بشوید و یک ساعت بعد سمت راست و چپ را بشوید ، ضرری به غسل وارد نمی شود) و دومین شرط در وضوء از بالا به پایین شستن بدن است که در وضوء شرط می باشد اما در غسل شرط نمی باشد مثلاً (البته مرحوم آیه الله بهجت احتیاط واجب دانسته اند که در غسل هم باید از بالا به پایین شستن رعایت شود)

۲- کسی که چند غسل بر او واجب است، می تواند به نیت همه آنها یک غسل به جا آورد. مثلاً (خانمی که جنب شده و بعد حائض شده و بعد از آن به بدن میت دست زده است و در واقع سه غسل واجب باید انجام دهد ، می تواند بعد از پاک شدن از حیض هر سه غسل را که به گردن او است نیت کند و با یک غسل انجام دهد و می تواند اگر غسل مستحبی هم می خواهد انجام دهد با آنها نیت می کند و غسل می کند)

سوال: آیا اغسال از یکدیگر کفایت می کنند یا خیر؟ یعنی مثلاً اگر کسی بر فرض، غسل حیض به عهده دارد و جنب هم بوده است و پس از پاک شدن از حیض نیت غسل حیض انجام نمی دهد و غسل حیض را فراموش می کند و چون جنب بوده است غسل جنابت انجام می دهد آیا آن غسل جنابت کفایت از غسل حیض می کند و حیض هم بر داشته می شود و یا برعکس؟ و یا خانمی که غسل نفاس به عهده اش بوده و نمی دانسته ولی غسل حیض انجام داده است آیا کفایت از نفاس می کند؟ در این مسئله بین نظرات علماء اختلاف نظر وجود دارد و به تفصیل بیان می گردد :

فرموده اند که: غسل جنابت مکفی است از همه اغسال دیگر می باشد یعنی غسل جنابت خاصیتی دارد که اگر انسان نیت غسل های دیگر را هم نکند خودبه خود از آنها پاک می شود ؛ لذا خانمی که غسل حیض به عهده اوست و نیت حیض نکرده و غسل جنابت انجام داده این مکفی است و خود به خود از حیض پاک می شود و لو اینکه مسئله را بلد نبوده و یا از مسئله غفلت نموده است. اما اگر امر بر عکس شد و کسی که غسل مثلاً حیض انجام داده و از غسل جنابت غفلت نموده آیا غسل حیض مکفی از جنابت است؟ در این جا بین آقایان علماء اختلاف نظر است ولی در قسمت اول اختلاف بین نظر علماء وجود ندارد.

طبق نظر حضرت امام، مرحوم آیه الله گلپایگانی و آیه الله صافی گلپایگانی ، بنا بر احتیاط واجب غسل حیض کفایت از غسل جنابت نمی کند و این مسئله قابل رجوع به مراجع دیگر می باشد.

طبق نظر آیه الله نوری همدانی و مقام معظم رهبری؛ غسل حیض کفایت از غسل جنابت نمی کند و این فتوا است و قابل رجوع به مراجع دیگر نمی باشد. اما باقی مراجع مانند مرحوم آیه الله بهجت و آیه الله سیستانی و اغلب مراجع فعلی می فرمایند: غسل حیض کفایت از غسل جنابت می کند ولو اینکه انسان فراموش کرده و یا مسئله را بلد نبوده است ، خودبه خود از جنابت پاک می شود .

نکته: آیا غسل مستحبی کفایت از غسل واجب می کند؟ مثلاً کسی غسل جنابت به عهده او بوده است ولی به هر دلیلی نمی دانسته و به حج مُشَرَّف می شود و در آنجا غسل احرام را انجام می دهند که این غسل مستحب است و یا غسل جمعه انجام می دهد ؛ آیا این غسل های مستحبی کفایت از آن غسل واجب می کند یا خیر؟ اگر کفایت کند؛ اثرش این است که

اعمال حَجَّش صحیح می‌باشد و اگر کفایت نکند تمامی اعمالش باطل است. در این مسئله نیز اختلاف وجود دارد ولی از مراجع مانند آیت‌الله فاضل لنکرانی، آیت‌الله مکارم شیرازی و آیه‌الله وحید خراسانی و بعضی از مراجع دیگر می‌فرمایند: غسل مستحب واقعی (مانند احرام و جمعه) کفایت از غسل واجب می‌کند، اما طبق نظر بعضی از مراجع دیگر مانند حضرت امام خمینی فرموده اند: فقط غسل جنابت کفایت از غسل های دیگر می‌کند ولیکن غسل های دیگر اعم از مستحب و واجب کفایت از غسل جنابت نمی‌کند.

۳- کسی که غسل جنابت کرده، نباید برای نماز وضو بگیرد و تا زمانی که حدثی از آن سر نزنده باید با آن غسل نماز بخواند و اگر وضو بگیرد مرتکب کار حرام شده است، ولی با غسل‌های دیگر نمی‌تواند نماز بخواند و باید وضو هم بگیرد. در این مسئله نیز اختلاف نظر وجود دارد که آیا با غسل‌های مستحب (مانند: جمعه) و واجب (مانند: حیض) می‌توان نماز خواند و کفایت از وضوء می‌کند یا خیر؟ بسیاری از مراجع می‌فرمایند کفایت می‌کند مانند آیت‌الله مکارم شیرازی، آیت‌الله وحید خراسانی و آیت‌الله سیستانی و بعضی از مراجع مانند حضرت امام، مقام معظم رهبری و مرحوم آیه‌الله بهجت می‌فرمایند: غسل مستحب کفایت از وضوء نمی‌کند.

۴- در غسل ارتماسی باید تمام بدن پاک باشد یعنی مثلاً اگر کسی بدنش به خون نجس است باید اول آن را پاک کند و از آله نجاست کند و سپس غسل ارتماسی انجام دهد؛ ولی در غسل ترتیبی پاک بودن تمام بدن لازم نیست، اگر هر قسمتی را پیش از غسل دادن همان قسمت تطهیر کند کافی است (اگر مثلاً دست راست کسی آغشته به خون است و نجس است اول سر و گردن را می‌شوید و سپس دست خود را از نجاست پاک می‌کند و مشغول غسل می‌شود)

سوال: اگر کسی با همان آبی که نجاست را برطرف می‌کند نیت غسل کند آیا غسل او صحیح است یا خیر؟ مثلاً خونی که روی دست بوده است را پاک کرده است ولی هنوز آب نکشیده است، می‌خواهد با آبی که روی دستش می‌ریزد، هم نیت این را کند که برطرف کننده نجاست باشد و هم غسل کرده باشد. در این جا طبق نظر حضرت امام؛ باید اول دست خود را آب بکشد و سپس آب دومی را به نیت غسل بریزد. لذا نمی‌توان با یک آب نیت رفع خَبَث نماید و هم نیت رفت حَدَث نماید ولی بعضی از مراجع فرموده‌اند: اشکالی ندارد و با همان آبی که ریخته می‌شود هم رفع خبث و هم رفع حدث می‌شود.

۵- غسل جبیره ای مثل وضوی جبیره ای است، و بنابر احتیاط واجب باید آن را ترتیبی به جا آورد. مثلاً کسی که دستش را به خاطر شکستگی گچ گرفته شده است، باید غسل خود را به صورت ترتیبی انجام دهد و نمی‌تواند غسل ارتماسی انجام دهد و جایز نمی‌باشد به دلیل اینکه در وضوی جبیره ای باید مسح انجام گیرد و باید دست تَر روی آن قسمت شکسته شده یا جبیره کشیده شود لذا اگر آب را روی آن جاری کنند این می‌شود شستن و مسح نمی‌باشد و کفایت نمی‌کند و غسل جبیره ای هم مانند وضوء جبیره ای می‌باشد و باید برای تحقق غسل صحیح دست تَر روی جبیره کشید، البته نظر آیت‌الله مکارم شیرازی این می‌باشد که؛ شستن هم کفایت می‌کند و نیازی به کشیدن دست تَر نمی‌باشد.

۶- کسی که در حال روزه یا در احرام عمره یا حج است، نمی‌تواند غسل ارتماسی انجام دهد ولی اگر از روی فراموشی غسل ارتماسی انجام دهد روزه و احرام او صحیح است. (به دلیل اینکه پوشاندن سر بر محرّم اشکال دارد بنابراین نمی‌تواند غسل ارتماسی انجام دهد و همچنین یکی از کارهایی که موجب ابطال روزه شخص روزه دار می‌شود سر زیر آب بردن است؛

اگر کسی با حالت عمد این کار را انجام دهد این باعث می شود هم روزه اش باطل شود و غسل او هم باطل می شود ولی اگر سهواً باشد اشکالی ندارد)

۷- در غسل لازم نیست تمام بدن با دست شسته شود و اگر با نیت غسل، آب به تمام بدن برسد کافی است؛ البته دست کشیدن در غسل مستحب است.

۸- اگر در بین غسل، یکی از مبطلات وضوء (حدث اصغر) پیش آید (مانند بول یا خوابیدن) آیا غسل باطل می شود؟ این مسئله نیز در بین علماء اختلافی می باشد. مرحوم آیه الله خویی نظرشان این است (به شکل فتوایی) که سر زدن حدث اصغر چه عمداً و چه سهواً باشد، باعث باطل شدن غسل می شود و باید مجدداً غسل را انجام دهد و برای احتیاج به وضو ندارد و مرحوم حضرت امام، آیه الله مکارم شیرازی، مقام معظم رهبری، آیت الله سیستانی و مرحوم آیه الله فاضل لنکرانی می فرمایند: حدث اصغر در بین غسل باعث باطل شدن غسل نمی شود. (لذا اگر از کسی در بین غسل، سهواً یا عمداً حدث اصغر سر زند غسلش صحیح است ولی برای نماز های خود باید وضوء بگیرد) مرحوم آیه الله بهجت می فرمایند: اگر از کسی حدث اصغر سر زند انسان باید احتیاط کند و به نیت اتمام یا تمام از اول شروع کند به غسل کردن و برای نماز وضو بگیرد و نظر آیت الله وحید خراسانی این است که: اگر در بین غسل حدث اصغر از کسی سر زند باید غسل را تمام کند و بنا بر احتیاط واجب دوباره شروع به غسل کردن نماید و برای نماز هم باید حتماً وضو بگیرد البته این نظر و نظر قبل احتیاط واجب می باشد و قابل رجوع به مراجع دیگر است.

چکیده

احکام غسل :

- ۱- تمام شرط‌هایی که برای صحت وضو گفته شده است مانند: پاک بودن آن، غصبی نبودن آب و غیره، در صحت غسل شرط است به جز موالات و همچنین از بالا به پایین شستن بدن که در غسل شرط نمی‌باشد.
- ۲- کسی که چند غسل بر او واجب است، می‌تواند به نیت همه آن‌ها یک غسل به جا آورد.
- نکته : غسل جنابت از همه اغسال کفایت می‌کند اما آیا اغسال دیگر مانند غسل حیض از غسل جنابت کفایت می‌کند؟ در مسئله اختلاف نظر وجود دارد که به نظر حضرت امام، مرحوم آیه‌الله گلپایگانی و آیت‌الله صافی گلپایگانی بنابر احتیاط واجب غسل حیض کفایت از غسل جنابت نمی‌کند. و طبق فتوای آیات عظام نوری همدانی و مقام معظم رهبری غسل حیض کفایت از غسل جنابت نمی‌کند؛ اما باقی مراجع مانند مرحوم آیه‌الله بهجت و آیت‌الله سیستانی و اغلب مراجع فعلی می‌فرمایند که غسل حیض کفایت از جنابت می‌کند.
- سوال : آیا غسل مستحبی کفایت از غسل واجب می‌کند یا نه؟ این مسئله نیز اختلافی می‌باشد. طبق نظر آیات عظام فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی و وحید خراسانی و بعضی مراجع دیگر غسل مستحبی کفایت از غسل واجب می‌کند اما طبق نظر امام غسل مستحبی کفایت از واجب نمی‌کند .
- ۳- کسی که غسل جنابت کرده، نباید برای نماز وضو بگیرد .
- ۴- در غسل ارتماسی باید تمام بدن پاک باشد ولی در غسل ترتیبی پاک بودن تمام بدن شرط نمی‌باشد.
- ۵- غسل جبیره ای مثل وضوی جبیره ای است و بنابر احتیاط واجب باید به صورت ترتیبی انجام گیرد.
- ۶- در حال احرام و روزه نمی‌توان غسل ارتماسی انجام داد ولی از روی فراموشی اشکال ندارد .
- ۷- در غسل، لازم نیست به بدن دست کشیده شود.
- ۸- اگر در بین غسل یکی از مبطلات وضو پیش آید طبق فتوای آیت‌الله خوئی وضو باطل است و طبق نظر حضرات آیات امام، مکارم شیرازی، مقام معظم رهبری، سیستانی و مرحوم فاضل لنکرانی غسل باطل نمی‌باشد ولی برای نماز را باید وضو بگیرد؛ و مرحوم آیه‌الله بهجت می‌فرمایند: باید مجدداً غسل انجام گیرد و برای نماز هم وضو گرفته شود؛ و آیت‌الله وحید خراسانی فرموده‌اند باید غسل را تمام کند و بنابر احتیاط واجب دوباره غسل کند و برای نماز هم حتماً وضو بگیرد.

آزمون

۱- غسل جنابت، از سایر اغسال کفایت..... و غسل حیض از سایر اغسال کفایت..... (نظر آیت الله سیستانی)

الف) می نماید- نمی نماید ب) می نماید- می نماید ج) نمی نماید- می نماید

۲- حکم وضو گرفتن بعد از غسل جنابت چیست؟

الف) حرام ب) مستحب ج) مکروه

۳- بر طرف نمودن خبث و حدث در غسل، با یک بار آب ریختن (نظر امام)

الف) جایز است ب) احتیاطاً جایز نیست ج) جایز نیست

۴- انجام غسل ارتماسی در حال احرام.....

الف) جایز است ب) مکروه است ج) جایز نیست

۵- سرزدن حدث اصغر در بین غسل جنابت..... (نظر آیت الله فاضل)

الف) باعث بطلان غسل نمیشود و لازم نیست برای نماز، وضو بگیرد.

ب) باعث بطلان غسل نمیشود ولی باید برای نماز، وضو بگیرد.

ج) باعث بطلان غسل میشود و باید غسل را از سر بگیرد.

درس ششم

در این درس مطالب زیر را مطالعه خواهید کرد:

• ادامه احکام غسل

• نکات مورد توجه درباره غسل

• غسل مسّ میت

ادامه احکام غسل :

وظیفه کسی که بعد از غسل بفهمد به قسمتی از بدن آب نرسیده است چیست؟

اگر غسلی که انجام داده است غسل ارتماسی باشد و بعد از غسل متوجه مانع شود باید دوباره غسل کند، چه جای آن را بداند یا نداند باید دوباره غسل را انجام دهد. چون در غسل ارتماسی شستشوی کل بدن یک دفعه شرط است.

اگر غسل ترتیبی باشد :

۱- اگر جای مانع را نمی‌داند : باید دوباره غسل کند.

۲- اگر جای مانع را می‌داند :

• اگر مانع در سر و گردن باشد باید مانع برطرف شود و آن مقدار که شسته نشده ، شسته شود و بعد سمت راست بدن و سپس سمت چپ بدن را شستشو دهد.

• اگر مانع در سمت راست بدن باشد باید مانع برطرف شود و آن مقدار شسته نشده، شسته شود و سپس کل سمت چپ بدن شسته شود.

• اگر مانع در سمت چپ بدن باشد نیز باید مانع برطرف شده و محل مانع شست و شو داده شود.

نکته : وظیفه کسی که در بین غسل شک می‌کند. مثلاً مشغول شستن سمت راست است و شک می‌کند که سر و گردن را شسته است یا نه یا مثلاً صورت را کامل شسته است یا نه چیست ؟

آیا چنین شخصی باید به شک خود اعتنا کند یا نه ؟ در این مسئله قاعده ای وجود دارد به نام قاعده تجاوز در غسل به این معنا است که وقتی از سر و گردن عبور کردید و وارد بدن شدید و بعد در سر و گردن شک کردید با توجه به اینکه وارد مرحله بعد شدید نباید به این شک اعتنا کرد .

حضرت امام و مرحوم آیت‌الله فاضل لنکرانی فرموده اند : قاعده تجاوز در غسل جاری می‌باشد و نباید به شک خود اعتنا کرد. مرحوم آیه الله بهجت و آیه‌الله مکارم شیرازی فرموده‌اند : بنا بر احتیاط واجب باید به این شک اعتنا نمود و قاعده تجاوز در غسل جاری نمی‌باشد. آیت‌الله صافی گلپایگانی در این مسئله فتوا داده‌اند که باید به شک خود اعتنا نماید و عضو قبلی دوباره شست و شو داده شود و وارد عضو جدید شود.

در جلسات گذشته گفته شد که آیه‌الله خویی و برخی از مراجع دیگر ترتیب در غسل را مانند امام نمی‌دانند بلکه می‌فرمایند: در غسل اول سر و گردن شسته می‌شود و بعد کل بدن شسته می‌شود. حال اگر کسی در هنگام غسل وارد بدن شده است و شک در سر گردن می‌کند و گاهی اوقات سمت چپ را می‌شوید و در سمت راست شک می‌کند این دو با هم تفاوت دارند. اگر مشغول شستن بدن هستیم در سر و گردن شک نماییم و مقلد مثلاً آقای خویی باشیم، در این جا لزومی ندارد به شک اعتنا کرد. لذا قاعده تجاوز را در این جا جاری می‌دانند نظرشان مانند حضرت امام می‌باشد و این شک قابل اعتنا نمی‌باشد. اما اگر کسی که ترتیب راست و چپ را رعایت می‌کند اگر مشغول شست و شوی سمت چپ بدن باشد و شک در سمت راست بدن نماید با توجه به اینکه این بزرگواران ترتیب در راست و چپ بدن را شرط نمی‌دانند ولی چون در واقع هنوز از شستن بدن فارغ نشده است چون از کل بدن فارغ نشده در این جا باید به شک خود اعتنا نماید لذا آن مقدار از سمت راست را که شک نموده است می‌شوید و شستن باقی سمت چپ را ادامه می‌دهد (ایشان با اینکه ترتیب در سمت

چپ و سمت راست را شرط نمی دانند ولی چون این ترتیب توسط مقلدی رعایت شده است باید به شک خود اعتنا نماید). یکی دیگر از شک‌هایی که ممکن است در هنگام غسل برای انسان به وجود آید این است که کسی به قصد غسل کردن به حمام رفته است و پس از بیرون آمدن از حمام شک می‌کند که آیا من غسل انجام داده‌ام یا نه؟ علماء فرموده‌اند: اگر با همین حالت نماز را خوانده است و بعد از نماز این شک برای او حاصل شده است، نمازهایی که خوانده صحیح می‌باشد؛ و اصطلاحاً قاعده فراغ شامل حال او می‌شود (مثلاً کسی که روز جمعه جنب شده و نماز ظهر و عصر را خوانده است و غروب شک می‌کند که غسل کرده یا نه نمازهایی که خوانده صحیح است)؛ اما از باب اینکه استصحاب عدم طهارت را دارد باید برای نمازهای بعدی را غسل جدید انجام دهد و در این مسئله فرقی وجود ندارد که فرد یک ماه پیش غسل به گردش بوده است و الان شک می‌کند که آیا غسل جنابت را انجام داده است یا نه؟ به نظر همه علماء تمام نمازهایی که تا به حال خوانده صحیح است ولیکن نمازهای بعدی را باید با غسل انجام دهد.

چند نکته :

۱- گاهی اوقات انسان وارد حمام‌های عمومی می‌شود که مالک آن در حمام نیست و قصد انسان این است که پول حمام را به صورت نسیه پرداخت کند و ضمناً نمی‌داند که صاحب حمام راضی می‌باشد که ایشان به صورت نسیه پول را پرداخت کند و غسل را انجام دهد یا نه؟ در این صورت غالب علماء می‌فرمایند: غسل این شخص باطل است، چه نیت دادن پول را به صورت نسیه داشته باشد و چه نیت ندادن پول را داشته باشد. لذا در صورت عدم احراز رضایت صاحب حمام باید، احراز رضایت نماید.

۲- اگر کسی که دچار وسواس است و در حمام عمومی می‌خواهد غسل انجام دهد و بر فرض چند برابر دیگران در حمام به واسطه وسواس، غسل او طول می‌کشد همان مبلغی که دیگران می‌پردازند را می‌پردازد و چون مصرف آب او چند برابر دیگران می‌باشد و صاحب حمام نیز رضایت ندارد آیا غسل او صحیح است؟ در این مسئله فرموده‌اند: اگر شخص وسواسی قصد داشته باشد که به همان مقدار که دیگران پول می‌دهند پول دهد چون صاحب حمام رضایت ندارد غسلش باطل است. ۳- اگر کسی با برق غصبی یا هیزم غصبی مثلاً آبی را گرم کند و با آن آب غسل کند آیا غسل ایشان اشکالی دارد؟ در این مسئله فرموده‌اند: چون آب غصبی نمی‌باشد و فقط عوارض آب تغییر نموده است گرچه گناه انجام داده است اما غسل وی صحیح می‌باشد. در این مسئله آیت‌الله مکارم شیرازی می‌فرمایند: اگر هنگام غسل، به واسطه برق یا هیزم غصبی هم‌زمان با انجام غسل آب گرم می‌شود این غسل صحیح نمی‌باشد چون تصرف در آب تصرف برق هم حساب می‌باشد؛ ولی اگر قبلاً آب گرم شده است و بعد، از آن آب استفاده شده و غسل انجام گرفته است صحیح است. (و عرفاً تصرف در آب تصرف در برق هم حساب می‌شود و این مسئله در نفت و گاز نیز به همین شکل می‌باشد)

غسل مس میت

۱- اگر کسی جایی از بدن خود را به بدن انسان مرده ای که سرد شده و غسل سه‌گانه او انجام داده نشده است برساند باید غسل مس میت نماید. (یعنی روح به طور کامل از بدن میت خارج شده باشد و خارج شدن قسمتی از روح از بدن احتیاج به غسل میت ندارد و همچنین اگر روح از بدن خارج شده باشد ولی بدن هنوز سرد نشده باشد باز هم غسل مس میت نیاز نمی‌باشد زمانی غسل واجب می‌شود که روح کاملاً از بدن میت جدا شده و بدن سرد شده است و پوست ما به پوست بدن

میت متصل گردد. غسل مس میت نیز مانند غسل جنابت به خودی خود مستحب می باشد ولی از جهاتی با غسل جنابت تفاوت دارد مثلاً شخصی که باید غسل مس میت انجام دهد می تواند به مسجد و زیارتگاهها و حرم ائمه علیهم السلام برود و اشکالی ندارد ولیکن نماز خواندنش منوط به غسل است)

۲- در موارد زیر؛ مس بدن مرده سبب غسل نمی شود :

• رزمنده ای که در میدان نبرد شهید شود به شرط این که در میدان نبرد جان دهد. اما اگر زخمی شود و در پشت میدان نبرد شهید شود مس بدن او سبب غسل می گردد.

• مرده ای را که غسل داده اند به شرط اینکه سه غسل او تمام شده باشد مس آن اشکالی ندارد و اگر یکی از سه غسل داده نشده باشد دست زدن آن موجب غسل می گردد. (میتنی که از دار دنیا می رود یکی از نجاسات شمرده می شود. کسی که با دست تر به میت دست بزند یقیناً باید غسل کند و دست خود را نیز باید آب بکشد؛ سوال این است که آیا لباسهایی که بر تن میت است و میت هم عرق نکرده است، یا مثلاً بالشی که میت صورتش روی آن قرار گرفته، نجس می باشد؟ یا کسی که دست خشکش را به میت می زند باید آب بکشد یا خیر؟ غالب مراجع می فرمایند: که دست زدن به میت و لباسهای میت به شرط اینکه رطوبتی که سرایت می کند وجود نداشته باشد اشکالی ندارد. اما مرحوم آیه الله بهجت و آیه الله مکارم شیرازی می فرمایند: بنابر احتیاط واجب آن لباسهای تن میت و یا آن پارچه بالش زیر سر میت باید آب کشیده شود و لو اینکه تر هم نبوده باشد. مثلاً بدن میت هم عرق نکرده باشد و یا کسی که دست به بدن میت میزند و لو اینکه دستش خشک باشد احتیاط واجب این است که دستش را آب بکشد)

۳- اگر کسی چند میت را مس کند یا یک میت را چند بار مس کند، آیا یک غسل کافی است؟ در این جا فرموده اند: بایک غسل همه آن غسل ها از عهده او خارج می گردد.

چکیده

ادامه احکام غسل : کسی که بعد از غسل بفهمد به قسمتی از بدن آب نرسیده اگر غسل او ارتماسی بوده غسل باطل است .

اگر غسل ترتیبی باشد:

۱- اگر جای مانع را نمی‌داند ؛ باید دوباره آغاز کند .

۲- اگر جای مانع را می‌داند در صورتی که در سر و گردن باشد باید مانع برطرف شود و آن مقدار شسته شود و سپس باید سمت راست و چپ بدن دوباره شسته شود ؛ اگر مانع در سمت راست بدن باشد باید مانع برطرف شود و سپس آن مقدار شسته شود و بعد سمت چپ بدن شسته شود؛ اگر مانع در سمت چپ بدن باشد باید مانع برطرف شود و آن مقدار محل مانع دوباره شسته شود.

سوال: وظیفه کسی که در بین غسل شک می‌کند که قسمت قبل را شسته است یا نه چیست ؟

طبق نظر حضرت امام و آیت‌الله فاضل لنکرانی مثلاً وقتی کسی سر و گردن را شسته و مشغول شست و شوی سمت راست بدن شده به شک خود اعتنا نمی‌کند ؛ ولی آیت‌الله مکارم شیرازی و مرحوم آیت‌الله بهجت فرموده‌اند : بنابر احتیاط واجب باید به این شک اعتنا نماید ؛ و آیت‌الله صافی گلپایگانی فتوا داده‌اند که باید به شک خود اعتنا نماید.

سوال : کسی که به قصد غسل کردن به حمام رفته است و بعد از بیرون آمدن از حمام شک کند که آیا غسل انجام داده یا نه وظیفه اش چیست؟ علماء فرموده‌اند اگر با این حالت نماز خوانده است و بعد از نماز شک کرده است نمازهایی که خوانده است صحیح است ولی برای نمازهای بعدی باید غسل انجام دهد.

چند نکته :

• کسی که در حمام عمومی غسل می‌کند و مالک حمام هم نیست ، اگر نیت کرده پول را نپردازد یا نسیه بپردازد و نمی‌داند که آیا مالک رضایت دارد که پول را نسیه بپردازد و یا نپردازد ؟ در این صورت غسل این فرد باطل است.

• کسی که دچار وسواس است و می‌خواهد در حمام عمومی غسل کند و بیش از معمول آب مصرف می‌کند و طبیعتاً مالک رضایت ندارد و می‌خواهد پول حمام را مانند افراد معمولی که آب کمتری مصرف می‌کنند بپردازد و غسل چنین شخصی باطل است.

• کسی که با برق یا هیزم غصبی آب گرم کند و غسل کند غسلش صحیح است ولی گناه کرده است . در این مسئله آیت‌الله مکارم شیرازی فرموده‌اند که اگر گرم شدن آب و غسل کردن فرد هم‌زمان باشد غسل باطل است.

غسل مسّ میت:

۱- اگر کسی جایی از بدن خود را به بدن انسان مرده‌ای که بدن او کاملاً سرد شده است و غسل سه‌گانه میت را به او نداده اند ، برساند باید غسل مسّ میت انجام دهد.

۲- مسّ بدن مرده در این موارد موجب غسل نمی‌باشد:

الف : رزمنده‌ای که در میدان نبرد شهید شود .

ب : مرده‌ای را که غسل داده اند.

۳- اگر کسی چند میت را مسّ کند یا یک میت را چند بار مسّ کند، یک غسل مسّ میت کافی است.

آزمون

۱- در غسل ارتماسی اگر بعد از غسل متوجه مانع در بدن شود.....

الف) باید مانع را برطرف نموده و دوباره غسل کند

ب) باید مانع را برطرف نموده و جای مانع را غسل دهد

ج) به استناد قاعده فراغ، غسل صحیح می باشد

۲- کسی که به قصد غسل به حمام رفته و پس از چند روز شک کرده که غسل نموده یا نه.....

الف) نمازهایی که خوانده صحیح است ولی باید برای نمازهای بعدی غسل نماید.

ب) نمازهایی که خوانده صحیح است و لازم نیست دوباره غسل نماید.

ج) نمازهایی که خوانده صحیح نیست و باید دوباره غسل نموده و نمازها را قضا نماید.

۳- گرم کردن آب ، با برق غصبی..... و بعد از گرم شدن آب، غسل نمودن با آن آب.....

الف) اشکال ندارد- صحیح است

ب) اشکال دارد- صحیح نیست

ج) اشکال دارد- صحیح است

۴- مس بدن رزمنده ای که در میدان جنگ زخمی شده و در پشت جبهه شهید شده.....

الف) موجب غسل نمی شود

ب) موجب غسل مس میت می شود

ج) مستحب است بعد از مسّ غسل مسّ میت نمود.

۵- مسّ نمودن سه میت موجب تعدد غسل مس میت.....

الف) می شود ولی یک غسل به نیت چند غسل صحیح است.

ب) نمی شود و یک غسل کافی است.

ج) می شود و باید برای هر بار مسّ یک غسل جداگانه انجام دهد

درس هفتم

در این درس مطالب زیر را مطالعه خواهید کرد:

- در چه مواردی باید به جای وضو و غسل ، تیمم کنیم
- اگر کسی احتمال بدهد که در دور و اطراف آب وجود دارد وظیفه اش چیست
- نظرات مراجع بزرگوار در مبحث تیمم

تیمم :

در این درس به مباحث تیمم پرداخته می شود. عرض شد که طهاراتی که برای نماز واجب شده است یا احیاناً برای اعمالی که شرط صحت آن‌ها طهارت است و به آن طهارات ثلاثه (وضو، غسل و تیمم) گفته می شود یکی از آن‌ها تیمم است. مواردی که انسان به جای وضو یا غسل باید تیمم انجام دهد، چند مورد می باشد که به صورت تفصیل آن‌ها بیان می گردد. تیمم در جایی جایز است که انسان از وضو گرفتن یا غسل کردن عاجز باشد: یعنی در مرحله اول اگر انسان مشکلی برای پیدا کردن آب یا استعمال آب نداشته باشد یا وقت داشته باشد، باید همان وضو یا غسل را انجام دهد، اما اگر مشکلی پیش آمد وظیفه او تیمم است، لذا باید بدانیم که تیمم درست است که یکی از طهارات به حساب می آید اما علی البدل است یعنی بدل و جانشین وضو یا غسل محسوب می شود و به عنوان اولیه اگر انسان وظیفه اش وضو است باید وضو بگیرد و اگر غسل است باید غسل را انجام دهد.

• در چه مواردی باید به جای وضو و غسل، تیمم کنیم؟

۱- در جایی که آب نباشد و یا دسترسی به آن وجود نداشته باشد.

اگر آب نداشتیم، یا آب وجود داشت ولی ما دسترسی نداشتیم بفرض شخصی در زندان محبوس است و آب در فاصله چند متری اوست، اما ایشان دسترسی به آب ندارد چون در زندان محبوس است. در اینجا وظیفه او تیمم کردن است. نکته: گاهی اوقات مثلاً در هنگام قطعی آب، شخصی که وضو یا غسل به گردن اوست، به بهانه این که آب قطع می باشد، خیال می کند وظیفه اش تیمم کردن است، و می گوید که ما آب نداریم، در اینجا این اشخاص شامل این مورد نمی شوند. در زمان پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و ائمه علیهم السلام و در سال‌های قبل که حمام به معنای امروزی وجود نداشته است اشخاص چگونه غسل می کردند؟ آب را گرم می کردند و غسل خود را انجام می دادند، یا در جایی که مثلاً آب وجود ندارد اگر برای کسی امکان دارد و می تواند آب معدنی بخرد و با آن وضو بگیرد یا غسل کند (برای غسل کردن طبق روایت فرمودند سه کیلو آب کفایت می کند) باید غسلش را انجام بدهد و اینجا وظیفه اش موقوف به تیمم نمی شود. پس مورد اول که از مجوزهای تیمم اینست که آب نباشد یا این که آب باشد ولی دسترسی به آب نباشد.

۲- اگر آب برای انسان ضرر داشته باشد

این هم از مواردی است که انسان به جای وضو یا غسل باید تیمم کند. ضرر داشتن آب هم فروعاتی دارد:

• مورد اول: گاهی اوقات قطعی می باشد یعنی انسان یقین دارد که اگر این آب را استعمال کند و وضو یا غسل انجام بدهد، مرضی در بدن او به وجود می آید. مثلاً سرماخوردگی شدیدی برای او عارض می شود.

• مورد دوم: گاهی اوقات هم خیر، مرضی در بدن انسان وجود دارد و اگر آب را استعمال کند این باعث می شود، مرضی که قرار است مثلاً در طول یک هفته خوب شود در طول دو هفته خوب می شود و مرض طولانی مدت می شود.

• مورد سوم: اینست که انسان احتمال می دهد که اگر آب را برای وضو یا غسل استعمال کند، احتمالاً مرضی برای او پیدا خواهد شد

احکام این‌ها همه با هم متفاوت است.

پاسخگویی و توضیح موارد فوق :

• مورد اول: در صورتی که انسان یقین دارد که آب، برای او مرضی ایجاد می کند اگر عمداً عالمناً عمداً وضو بگیرد این وضو

باطل خواهد بود چون اصطلاحاً گفته می شود که امر به وضو نشده است و شخصی که آب برای او ضرر دارد وظیفه اش تیمم است و وقتی وضو می گیرد وظیفه اش که تیمم است را انجام نداده است و در واقع آن وضو و غسل باطل است ، بالطبع نماز او هم باطل خواهد بود

• مورد دوم : از جهت حکمی مشابه حکم اول می باشد یعنی اگر قرار باشد با وضو گرفتن مرض طولانی مدت شود وظیفه انسان این است که تیمم کند .

• مورد سوم : اگر احتمال دهد که مرضی در او ایجاد خواهد شد اینجا مسئله دو قسم است :

الف : یک وقت این احتمال ، احتمال عقلایی می باشد ، احتمال عقلایی یعنی اینکه انسان ۳۰ - ۴۰ درصد احتمال می دهد که مریض خواهد شد مثلاً سرما ۱۵ درجه زیر صفر می باشد و وسیله گرم کردن آب هم ندارد ، مجبور است با آبی که در حوض حیات است و فرضاً باید یخ آن را بشکند ، باید وضو بگیرد ، در اینجا احتمال عقلایی این است که وضو گرفتن برابر است با سرما خوردن شدید پس ، وضو گرفتن از انسان ساقط می شود و باید تیمم کند

ب : اما اگر این احتمال ، احتمالی ضعیف باشد مثلاً درصد کمی دارد ، چون احتمال عقلانی نیست ، انسان باید همان وضو را بگیرد یا اگر غسلی به گردن اوست غسل را انجام دهد.

۳- اگر آب را به مصرف وضو یا غسل برساند ، بیم آن می رود که خود یا همسر یا فرزندان یا رفیق یا کسانی که مربوط به وی هستند از تشنگی بمیرند یا مریض شوند و یا به عسر و حرج بیفتند.

این مسئله را به هر کسی که جانش محترم است تعمیم داده می شود ؛ از جمله کسانی که محترم هستند قطعاً مسلمانان هستند ، اگر قرار باشد لیوان آبی برای وضوء مصرف شود و کسی به عسر و حرج بیفتد ، در اینجا باید آب را به آنها داد و با تیمم نماز خوانده شود و هم چنین حیواناتی که محترم هستند ، مثل اسب و مثل سگ شکاری ، اگر قرار باشد با این آب وضو گرفته شود و این سگی که سگ گله است بمیرد در اینجا هم ، وظیفه تیمم می باشد و نباید باعث شد سگی که از لحاظ شرعی قیمت دارد از بین رود ، ولی اگر چیزی احترام نداشته باشد ، مثلاً کسی که یک لیوان آب برای وضو گرفتن دارد و یک خوک در کنارش تشنه است اگر به او آب ندهد می میرد ، در اینجا چون خوک مالیت ندارد و ارزشی از جهت مالی ندارد و حرام گوشت است این جا وظیفه این است که وضوء گرفته شود گرچه باعث شود که این خوک از بین رود ؛ ملاک این است که آن کس یا آن چیز محترم باشد مثل انسان مسلمان یا کافر ذمی که در پناه اسلام است اینها محترم هستند یا حیواناتی که مثل اسب و قاطر و گوسفندان و سگ شکاری استفاده دارند ؛ اما اگر کافر ، کافر حربی باشد یعنی کافری که با مسلمانان در حال جنگ می باشد اگر این شخص تشنه باشد می توان وضوء گرفت ، چون کافر حربی احترام ندارد وظیفه انسان وضو گرفتن می باشد.

۴- آنجایی که بدن یا لباس کسی نجس می باشد و آب هم بیشتر از تطهیر وجود ندارد و لباس دیگری هم ندارد .

بر فرض کسی که وضو ندارد و لباس او هم خونی و نجس شده است اما این خون بیشتر از دو ریالی نمی باشد و این لباس را هم باید برای نماز به تن کند . مثلاً خانمی که ، اگر آن پیراهن را به تن نکند بدنش بدون پوشش می ماند که قاعدتاً نمی تواند با آن نماز بخواند ، نه مثل آقایان که فقط ستر عورت برای آنها واجب است و اگر یک لباس زیر هم به تنشان باشد ولو بدون شلوار هم نماز بخوانند قطعاً نمازشان صحیح است چون مقدار پوشش در نماز برای آقایان این است که عورتین پوشیده شود و یک لباس زیر هم کافی است ؛ گر چه فرموده اند در نماز بهتر است که انسان لباسهای خوبی بپوشد اما مقدار

واجبش ، همین مقدار می‌باشد.

لذا اگر کسی بر فرض یک لیوان آب برای وضو گرفتن دارد اما شلوار او نجس می‌باشد ، که اگر بخواهد آن را آب بکشد دیگر نمی‌تواند وضو بگیرد در اینجا حق تطهیر لباس را ندارد چون لباس زیرش پاک است باید با همان نماز بخواند مگر جایی که عذری باشد و باعث آبروریزی شود ، اما اگر انسان در جایی است که اگر با لباس زیر هم نماز بخواند هیچ مشکلی پیش نمی‌آید و یک لیوان هم آب دارد که مجبور است یا شلوار را تطهیر کند یا وضو بگیرد اگر مرد باشد در اینجا چون مقدار ستر صلاتی را دارد باید آب را صرف در وضو کند اما اگر مثل خانمها باشد که اگر بخواهد آب را صرف در وضو کند مجبور است با لباسی که پوشش مناسبی برای نماز نمی‌باشد و حدّ واجب را رعایت نکند اینجا باید لباس را آب بکشد و با تیمم نماز بخواند .

۵- اگر وقت برای وضو گرفتن و غسل کردن ندارد و می‌داند که اگر وضو یا غسل انجام دهد مجبور است یا بعضی از نماز را یا تمامش را بیرون وقت بخواند اینجا وظیفه تیمم است .

فرض کنید نماز صبح به اندازه دو دقیقه طول می‌کشد و یک دقیقه هم وضوی انسان طول می‌کشد. اگر سه دقیقه به طلوع آفتاب مانده باشد مشکلی ندارد در اینجا انسان یک وضوی یک دقیقه ای می‌گیرد و دو دقیقه برای نماز فرصت دارد . اما فرض بفرمایید که دو دقیقه به طلوع آفتاب مانده که یک دقیقه وضوی شخص طول می‌کشد و قاعدتاً یک رکعت داخل وقت می‌شود و یک رکعت دیگر خارج وقت می‌شود اینجا وظیفه تیمم است ، چون تا آنجا که می‌شود انسان باید همه نماز را داخل وقت بخواند ، درست است که در رساله‌های عملیه و در روایت هم داریم که اگر کسی یک رکعت نماز را بتواند داخل وقت بخواند ، این نماز اداء محسوب می‌شود ولو این که سه رکعت دیگر آن خارج وقت باشد ، نیت آن نیت ادا می‌باشد . اما این برای حالت اضطرار است ، تا آنجا که می‌شود باید کل نماز داخل وقت قرار بگیرد . لذا اگر انسان می‌تواند با تیمم ، کل نماز را در داخل وقت به جا آورد ، وظیفه این است و باید انسان تیمم کند تا کل نماز داخل وقت قرار بگیرد .

البته فرموده اند اگر برای تیمم و وضو به یک اندازه وقت لازم است ، باید وضو گرفته شود . مثلاً آب کنار دست اوست و وضو گرفتن او یک دقیقه طول می‌کشد اما برای تیمم مسیر زیادی را باید طی کند در صورتی که به یک اندازه وقت لازم است قاعدتاً باید وضو بگیرد . پس نکته کلی این شد که اگر وقت برای وضو گرفتن یا غسل کردن ، به طور کل وقت ندارد ، یا اینکه وقت دارد ولی اگر وضو بگیرد یا غسل کند، یک مقدار از نماز یا همه نماز ، خارج وقت می‌شود ، وظیفه فرد تیمم می‌باشد .

نکته ای که در ذیل این مسئله باید گفته شود این است که اگر کسی خلاف این مسئله عمل کند، یعنی با اینکه می‌داند وظیفه اش تیمم است وضو بگیرد و با همان وضو نماز بخواند آیا نمازی که خوانده صحیح است یا نه ؟

این مسئله به همان مسئله فوق برمی‌گردد ، یعنی جایی که انسان وظیفه اش تیمم است دیگر امر به وضو ندارد ، لذا اگر وضو بگیرد ، وضوی او دچار اشکال می‌شود ؛ مراجع بزرگواری مثل حضرت امام فرمودند اگر کسی وظیفه اش تیمم باشد ولی وضوء بگیرد ، چه وضوء را به قصد طهارت و چه برای آن نماز گرفته باشد در هر دو صورت وضوی او صحیح است لذا اعمالی که مشروط به طهارت است را می‌تواند با آن وضو انجام دهد ، اما اکثر مراجع فرموده اند چون اینجا وظیفه تیمم است ، اگر برای آن نماز وضو گرفته باشد ، باعث بطلان آن نماز خواهد بود چون که امر به وضو نبوده است ؛ اما این مسئله اختلافی می‌باشد و بعضی از مراجع می‌فرمایند باید تفصیل داد ، گاهی اوقات شخصی که در تنگی وقت وظیفه اش تیمم است ، وضو می‌گیرد ولی قصدش از این وضو طهارت است و برای این نماز وضو نمی‌گیرد ، مراجع می‌فرمایند طهارت حاصل

شده است و اصل وضوء صحیح می باشد و درست است که عمل خلافی انجام داده است ، اما اصل وضوء صحیح است و اگر با آن نماز بخواند اشکال ایجاد نمی شود.

• توضیح مسئله پنجم : اگر کسی آب نداشته باشد وظیفه اش تیمم است ؛ اما اگر کسی احتمال دهد که در اطراف آب وجود دارد ، انسان در شهر و جائی که آبادانی است زندگی می کند و گاهی اوقات در بیابان زندگی می کند احکام این دو متفاوت است :

الف : مثلاً در مناطق آباد ، مثل شهرهایی که ما زندگی می کنیم اگر آب وجود نداشته باشد ، در صورتی وظیفه تیمم است ؛ که از پیدا کردن آب مأیوس شود . لذا اگر می توان از همسایه ها آب گرفت ، باید آب گرفت و وضو یا غسل را انجام داد ، مثلاً اگر کسی احتیاج به غسل دارد اگر حمام خانه خودش آب نداشت ولی جایی وجود دارد که یک ساعت راه را باید طی کند ، باید طی کند تا بتواند غسل انجام دهد ، در اینجا وظیفه انسان غسل کردن است و منتقل به تیمم نمی شود. لذا در مناطق آباد ، ملاک و مجوز تیمم این است که انسان از پیدا کردن آب کاملاً مأیوس شود .

ب : در بیابان مثل کسانی که چادر نشین و کپر نشین هستند و آبی ندارند ، اینها چه مقدار باید به دنبال آب بگردند ؟ اگر زمین های این چادر نشینها ، دارای پستی و بلندی و جنگل و درخت باشد و عبور و مرور در آن به سختی باشد ، باید از هر طرف به اندازه پرتاب یک تیر کمان ، که تقریباً ۲۰۰ گام می باشد و منظور از این ۲۰۰ گام نه گامی که تقریباً نیم متر می باشد ، نام این ذراع است . منظور گامی است که برای متر کردن زمین برمی دارند یعنی گام های بلند که یک متر می باشد یعنی حدوداً ۲۰۰ متر از هر طرف باید بگردد ، اگر در این شعاع ۲۰۰ متری آب پیدا نشد دیگر وظیفه ای ندارد و باید تیمم کند و نماز بخواند . اما اگر این زمین ، پست و بلند نباشد ، یک زمین صاف است و عبور و مرور در آن مشکلی ندارد در اینجا باید دو برابر ۲۰۰ گام حرکت کند ، که حدود ۴۰۰ متر می باشد ، در این شعاع ۴۰۰ متری اگر آب پیدا کردن مأیوس شد ، وظیفه اش تیمم است ، اما اگر احتمال دهد که در شعاع ۴۰۰ متری می تواند آب پیدا کند وظیفه انسان این است که به دنبال آب بگردد .

البته اگر کسی یقین دارد در یک طرف یا دو طرف یا سه طرف آب قطعاً وجود ندارد به هر دلیلی یقین دارد ، در اینجا دیگر وظیفه ای ندارد و حتی اگر می داند که در چهار طرف ، در این شعاع آب وجود ندارد ولیکن می داند که در فاصله ۳۰۰ گامی آب وجود دارد اگر برای او عسر و حرجی ندارد این فاصله را باید طی کند و آب به دست آورد و وظیفه اش تیمم نمی باشد و باید وضو بگیرد یا غسل کند.

• توضیح مسئله : یکی از مواردی که عرض کردیم انسان به جای وضو یا غسل باید تیمم کند آن جایی است که انسان ، با این وضو یا غسل کردن ، مَرَضی در بدنش ایجاد شود یا باعث طول درمان مرض شود ، سؤال شده کسانی که چشم درد دارند وظیفه شان چیست؟ روایات صحیحه ای وجود دارد که فرموده اند در رَمَد (چشم درد) وظیفه انسان تیمم است ، حضرت امام (رحمه الله علیه) در حاشیه عروه الوثقی گفته اند در چشم دردها اگر انسان بتواند علاوه بر تیمم ، وضوی جبیره بگیرد باید این کار را انجام دهد یعنی مثلاً چشم درد دارد و آب برای چشم او ضرر دارد ، صورت را می شوید و به چشم که رسید اگر می تواند روی چشم دست تر بکشد باید این کار را انجام دهد ، اما اگر به همین مقدار هم آب برای چشمش ضرر دارد با گذاشتن دستمال به روی چشم ، دست تر به روی آن پارچه می کشد و بقیه صورت را می شوید و وضو را ادامه می دهد و در اتمام وضو ، انسان باید تیمم کند ؛ در این مسئله بسیاری از مراجع می فرمایند که فقط تیمم کفایت می کند ولی حضرت امام (رحمه الله علیه) قائل به احتیاط هستند ، که اگر امکان دارد علاوه بر تیمم انسان باید وضوی جبیره ای هم بگیرد .

چکیده

تیمم :

تیمم در جایی جایز است که انسان از وضو گرفتن یا غسل کردن عاجز باشد :

• در چه مواردی باید به جای وضو و غسل ، تیمم کنیم ؟

۶- اگر آب برای انسان ضرر داشته باشد

۷- در جایی است که آب نباشد و یا دسترسی به آن وجود نداشته باشد.

• مورد اول : در صورتی که انسان یقین دارد که آب ، برای او مرضی ایجاد می کند اگر عمداً وضو بگیرد ، این وضو باطل خواهد بود ، چون در اینجا امر به وضو نداریم و شخصی که آب برای او ضرر دارد وظیفه اش تیمم است و وقتی وضو می گیرد ، یعنی وظیفه اش که تیمم است را انجام نداده است و در واقع آن وضو و غسل باطل است .

• مورد دوم : اگر با وضو گرفتن مرض طولانی شود وظیفه انسان این است که تیمم کند .

• مورد سوم : اگر احتمال دهد که مرضی در او ایجاد می شود اینجا مسئله دو قسم است:

الف : اگر احتمال عقلایی باشد ، احتمال عقلایی ، یعنی اینکه وضو گرفتن (مثلاً در سرمای شدید) برابر است با سرما خوردن شدید پس وضو گرفتن از انسان ساقط می شود و باید تیمم کند.

ب : اما اگر این احتمال ضعیف باشد مثلاً درصد کمی احتمال دارد که سرما بخورد ، انسان باید همان وضو را بگیرد یا اگر غسلی به گردن اوست غسل را انجام دهد.

۸- اگر آب را به مصرف وضو یا غسل برساند و بیم آن می رود که خود یا همسر یا فرزندان یا رفیق یا کسانی که مربوط به وی هستند از تشنگی بمیرند یا مریض شوند یا به عُسر و حَرَج بیفتند.

این مسئله به هر کسی که جانش محترم است تعمیم داده می شود . حتی حیواناتی که محترم هستند، مثل اسب و مثل سگ شکاری که استفاده دارند ، ملاک این است که آن کس یا آن چیز محترم باشد. مثل انسان مسلمان یا کافر ذمی که در پناه اسلام است ، اما اگر کافر ، کافر حربی باشد اگر این شخص تشنه باشد شما می توانید وضوء بگیرید چون کافر حربی احترام ندارد و وظیفه انسان وضو گرفتن می باشد.

۹- آنجایی که بدن یا لباس او نجس است و آب هم بیشتر از تطهیرش ندارد و لباس دیگری هم ندارد.

۱۰- اگر وقت برای وضو گرفتن و غسل کردن ندارد و می داند که اگر وضو بگیرد یا غسل کند مجبور است یا بعضی از نماز را یا تمامش را بیرون وقت بخواند اینجا وظیفه تیمم است.

• اگر برای تیمم و وضو به یک اندازه وقت لازم است آنجا وضو می گیرد

• در مناطق آباد : مجوز تیمم این است که انسان از پیدا کردن آب کاملاً مأیوس شود .

• در بیابان چه مقدار باید به دنبال آب گشت ؟ اگر زمین ، دارای پستی و بلندی و جنگل و درخت باشد و عبور و مرور در آن به سختی باشد ، حدوداً ۲۰۰ متر از هر طرف باید بگردد ، اگر در این شعاع ۲۰۰ متری آب پیدا نشد ، دیگر وظیفه ای ندارد و باید تیمم کند .

• اما اگر این زمین ، یک زمین صاف است و عبور و مرور در آن مشکلی ندارد ، باید حدود ۴۰۰ متر حرکت کند در این شعاع ۴۰۰ متری اگر از آب پیدا کردن مأیوس شد ، وظیفه اش تیمم است ، اما اگر احتمال دهد که در شعاع ۴۰۰ متری می تواند آب پیدا کند وظیفه اش این است که به دنبال آب بگردد .

آزمون

۱- تفاوت تیمم با دو طهارت دیگر از طهارات ثلاثه چیست؟

الف) جواز تیمم به صورت اختیاری می باشد.

ب) جواز تیمم علی البدل می باشد

ج) جواز تیمم علی الاصله می باشد

۲- اگر بیماری انسان با وضو گرفتن کمی طولانی تر شود ؛ در این صورت.....

الف) باید تیمم کند

ب) باید وضو بگیرد

ج) بین وضو و تیمم مخیر است

۳- شخصی ؛ به اندازه وضو، آب در اختیار دارد. حیوان حرام گوشتی نیز در حال هلاکت در اثر تشنگی می باشد.....

الف) اگر آن حیوان از نظر شرعی مالیت دارد باید آب را به آن حیوان بدهد و خودش برای نماز تیمم نماید

ب) نباید آب را به آن حیوان بدهد و باید برای نماز وضو بگیرد

ج) اگر آن حیوان از غیر سباع باشد باید آب را به آن حیوان بدهد و خودش برای نماز تیمم نماید

۴- اگر در تنگی وقت نماز ؛ وضو و تیمم به یک اندازه زمان می برد ، وظیفه مکلف چیست؟

الف) باید وضو بگیرد

ب) مخیر بین وضو و تیمم می باشد

ج) باید تیمم نماید

۵- بنابر نظر امام خمینی ، کسی که وظیفه اش تیمم است ، اگر وضو بگیرد.....

الف) اعمالی که انجام داده و نمازهایی که خوانده صحیح است ولی پس از فهمیدن مساله باید به وظیفه خود عمل نماید.

ب) وضو و اعمال مشروط به طهارت او صحیح می باشد

ج) وضو و اعمال مشروط به طهارت او صحیح نمی باشد

۶- مطابق نظر بسیاری از مراجع ؛ وظیفه کسی که چشم درد دارد در طهارت ثلاثه چیست؟

الف) باید وضو بگیرد

ب) باید تیمم کند

ج) باید احتیاطاً تیمم نماید و وضوی جبیره هم بگیرد

درس هشتم

در این درس مطالب زیر را مطالعه خواهید کرد:

• کیفیت تیمم و ریز مسائل این مبحث

• شرایط صحت تیمم

• نظرات مراجع عظام درباره احکام تیمم

کیفیت تیمم؛

در جلسه گذشته وارد مبحث تیمم شدیم و مقدماتی را که در این بحث لازم بود را عرض کردیم. در این جلسه وارد بحث کیفیت تیمم می‌شویم.

برای تیمم باید کارهای زیر به ترتیب انجام شود؛

تیمم هم مثل غسل و وضو شرط صحتش ترتیب است که اگر آن ترتیب رعایت نشود، اگر عمدی باشد یا جهل باشد و یا سهو باشد آن تیمم باطل است. ترتیب چگونه است؟

مسئله اول: انسان کف دو دست را حتی المقدور هم زمان، باید روی چیزی که تیمم بر آن صحیح است بزند. بر چه چیزهایی تیمم صحیح است؟ را انشاءالله در دقایق آینده عرض خواهیم کرد.

مسئله دوم: بعد از آنکه کف دو دست را بر زمین زد، به پیشانی بزند. سؤال این است که آیا اولاً کف دست به کجاها اطلاق می‌شود؟ و ثانیاً چه مقدار از پیشانی باید مورد مسح این دستها قرار بگیرد؟ و ثالثاً چه مقدار از کف دست باید روی پیشانی کشیده بشود؟

اولاً: باید بدانیم اجمالاً که کف دستی که در جاهای مختلف فقه مطرح شده است. احتیاطاً کل کف دست است. حتی شامل بندهای انگشت هم می‌شود. مثلاً در سجده نماز که فرمودند باید کف دست روی زمین باشد این کف دست فقط شامل آن قسمت، شکل مربعی دست نمی‌شود، شامل بندهای انگشت هم می‌شود. لذا انسان نمی‌تواند به صورت عمدی انگشتها را بالا نگه دارد. در تیمم هم که می‌گویند با کف دست روی زمین بزنید یعنی باید انگشتها هم زده بشود. ثانیاً: مقدار واجبی که در پیشانی باید مسح بشود توسط دست، فرمودند: کل پیشانی است و یک مقدار از دو طرف پیشانی و بنابر احتیاط واجب، ابروها و بالای بینی را هم باید هنگام مسح با دست، مسح کند. ولی باقی صورت، مثل چشم و گونه‌ها واجب نیست.

ثالثاً: اگر ما خواستیم دست را بر پیشانی بکشیم، آیا کشیدن بعضی از دست کفایت می‌کند یا کل کف دست، یعنی از آنجایی که از ساعد جدا می‌شود تا نوک انگشتها کلش باید روی پیشانی کشیده بشود، اینجا طبق نظر حضرت امام و بعضی از مراجع بزرگوار، باید کل کف دست بر کل پیشانی کشیده بشود. اما بعضی از مراجع بزرگوار مثل مرحوم آیت‌الله خویی یا از مراجع فعلی آیت‌الله سیستانی و آیت‌الله مکارم شیرازی و برخی از فقهای بزرگوار دیگر، اینها می‌فرمایند: بعضی کف دست هم بر کل پیشانی کشیده بشود کافی است. یعنی شما وقتی از آنجایی که از مچ، دست جدا می‌شود بر رستنگاه می‌گذارید و می‌کشید، قاعداً مثلاً پنج، شش سانتیمتر که بکشید، کل پیشانی مسح شده است. البته کل کف دست روی پیشانی کشیده نشده است. این بزرگواران می‌فرمایند: همین مقدار کفایت می‌کند، اما حضرت امام (رحمه الله علیه) می‌فرماید که کل کف دست باید بر کل پیشانی کشیده بشود.

مسئله سوم: بعد از اینکه پیشانی مسح شد، باید با کف دست چپ، به پشت دست راست بکشد و این کشیدن هم باید به گونه‌ای باشد که انگشت شست را هم شامل بشود. گاهی اوقات دیده می‌شود که بعضی از افراد وقتی مسح می‌کنند، انگشت شست را نمی‌کشند، نه باید انگشت شست به بقیه انگشتها چسبیده شود که هنگامی که دست چپ را روی دست راست می‌کشید، این انگشت شست هم شامل کف دستش چپ بشود و بالعکس بعد از اینکه که دست راست مسح شد، با دست راستان باید پشت دست چپ را هم مسح کنید. این تیمم، چه تیمم بدل از وضو باشد یا تیمم بدل از غسل باشد کیفیتش

به همین گونه است. یعنی سه مرحله دارد پیشانی، دست راست، دست چپ، مقام معظم رهبری در اینجا احتیاطی دارند می‌فرمایند که تیمم، چه تیمم بدل از غسل باشد یا تیمم بدل از وضو باشد، باید یک مرحله دیگر هم به آن افزود، یعنی وقتی شما دستتان را روی زمین زدید و به پیشانی و پشت دست‌ها کشیدید، بنابر احتیاط واجب یک مرتبه دیگر هم باید زده بشود و پشت دست‌ها مسح شود. این احتیاط، احتیاط واجب است (یعنی) اگر مقلد بخواهد به آن عمل کند واجب است عمل کند، و الا می‌تواند با رعایت فالاعلم به مراجع دیگر رجوع کند. تا جایی که من استقصا کرده‌ام در بین مراجع معظم، فقط مقام معظم رهبری قائل به چنین مطلبی هستند. بقیه مراجع می‌فرمایند: کیفیت تیمم همان گونه‌ای است که در چند لحظه قبل برای شما تشریح کردیم.

چیزهایی که تیمم بر آنها صحیح است

تیمم یا باید بر روی خاک باشد یا بر روی ریگ باشد، و اقسام سنگ‌ها، مثل سنگ مرمر، سنگ سیاه، سنگ گچ و سنگ آهک، فرمودند تیمم اشکالی ندارد. ولی گچ‌هایی که روی دیوارها در خانه‌ها کشیده می‌شود که اصطلاحاً به آن گچ پخته می‌گویند، آیا در صورت عادی یا در صورت اضطرار، تیمم بر روی گچ‌خانه‌ها که روی دیوارها کشیده می‌شود. آیا درست است یا نه؟ اغلب مراجع می‌فرمایند که در حالت اختیار تیمم روی گچ پخته درست نیست. سنگ گچ را قبول دارند اما گچ پخته را می‌فرمایند تیمم روی آن صحیح نیست. در بین مراجع آیت الله العظمی سیستانی فرمودند: اشکال ندارد. حتی با وجود خاک هم، فرمودند تیمم روی گچ‌های خانه اشکال ندارد. سنگ مرمر هم که عرض کردیم اشکال ندارد، فقط نکته‌ای که در اینجا باید مورد توجه قرار بگیرد اصطلاحی است به نام غلوق. و به این معنا است که در جایی که شما می‌خواهید تیمم بکنید و روی چیزی که می‌خواهید دستتان را بزنید، فرمودند احتیاطاً باید مقداری گردوغبار وجود داشته باشد. مرحوم آیت الله خویی، آیت الله وحید، آیت الله تبریزی، آیت الله سیستانی می‌فرمایند: روی سنگ مرمر اگر تیمم می‌کنید، حتماً باید مقداری گرد و غبار وجود داشته باشد، البته بنابر احتیاط واجب. اما باقی مراجع می‌فرمایند خیر، یعنی حتی اگر شما روی سنگ دیوار آشپزخانه و سنگ‌هایی که در بغل دیوار نصب می‌شود و هیچ نوع گرد و غباری هم ندارد، اگر تیمم کنید، تیمم صحیح خواهد بود ولو اینکه دسترسی به خاک هم داشته باشید. یعنی خاک تیمم هم دارید، اما بنا به دلایلی، یا موجه یا غیرموجه، دوست دارید روی سنگ مرمر که تمیز است تیمم کنید، این بزرگواران می‌فرمایند: اشکالی ندارد. ولی آن چهار مرجعی که عرض کردم می‌فرمایند که بنابر احتیاط واجب باید گردوغبار روی سنگ مرمر وجود داشته باشد تا این تیمم صحیح باشد و در بین مراجع قولی که قول منحصر به فردی است، نظر آیت الله العظمی شبیری زنجانی است. این بزرگوار می‌فرمایند: اصلاً آن چیزی که تیمم بر آن صحیح است چیزی است که در حال اختیار، وقتی که شما دستتان را روی آن می‌زنید و بلند می‌کنید، (باید) چیزی از اجزای همان چیز به دستان چسبیده باشد. شما سنگ مرمر ولو اینکه گردوغبار هم داشته باشد وقتی روی آن تیمم کنید. چیزی از سنگ مرمر که به دستتان نمی‌چسبد. چون سنگ است. لذا عملاً ایشان می‌خواهند بفرمایند که، تیمم روی خاک صحیح است، البته در جایی که انسان اختیار داشته باشد و بتواند خاک تهیه کند و گرنه طبیعتاً احکام بعدی آن می‌آید. در حالت اختیار باید روی خاک باشد. اما طبق نظر باقی مراجع، چه تیمم روی خاک ممکن باشد یا نباشد، شما می‌توانید در حالت اختیار هم، روی سنگ مرمر تیمم بکنید. البته با شرایطی که عرض کردم بعضی‌ها می‌فرمایند: باید گردوغبار هم داشته باشد و همچنین طبق نظر حضرت امام و بسیاری از مراجع، تیمم بر گل پخته، مثل آجر و کوزه هم صحیح است.

سوال : آیا تیمم روی سیمان و روی موزاییک هایی که از سیمان ساخته می شود صحیح است یا نه ؟ ظاهراً حضرت امام تیمم روی سیمان را صحیح نمی داند طبق بعضی از استفتائاتی که من دیده ام . اما مرحوم آیه الله بهجت ، آیت الله العظمی سیستانی و مقام معظم رهبری فرمودند: تیمم بر سیمان و موزائیک های سیمانی اشکال ندارد و اصلاً من اینجا یک قاعده کلی به شما بدهم. در بحث سجده و تیمم ، هر چه که تیمم بر آن صحیح باشد قطعاً سجده هم بر آن صحیح است ، اما هر چه که سجده بر آن صحیح است امکان دارد تیمم بر آن صحیح باشد امکان دارد نباشد . لذا طبق این فتوائی که از این سه بزرگوار مرحوم آیه الله بهجت ، آیت الله سیستانی و آیت الله خامنه ای عرض کردم ، اگر این بزرگواران فرمودند: تیمم روی سیمان و موزائیک اشکال ندارد ، قطعاً سجده هم روی موزاییک دیگر اشکالی نخواهد داشت . یعنی لزومی ندارد که حتماً خاک و مَهر یا سنگ مرمر باشد ، بعد از این مطلب وارد چند مسئله می شویم.

توضیح چند مسئله

مسئله اول : تفاوتی بین تیمم بدل از غسل و تیمم بدل از وضو نیست ، مگر آن تفاوتی که مقام معظم رهبری نظرشان با برخی آقایان بود که عرض کردیم .

مسئله دوم : اگر کسی به جای وضو ، تیمم بدل از وضو گرفت و یکی از حدث های اصغر سر زد . حدث اصغر یعنی چیزهایی که باعث بطلان وجود وضو می شود . اعم از بیهوشی و خواب و غیره که در جلسات گذشته به آن پرداختیم . فرمودند ؛ همان چیزهایی که باعث بطلان وضو می شود باعث بطلان تیمم هم می شود . اما اگر تیمم ، تیمم بدل از غسل بوده . (مثلاً) شخصی جنب بوده و به خاطر عذری مجبور شده که تیمم بدل از غسل انجام بدهد و نمازش را بخواند . اینجا اگر حدث اصغر سر بزند مثل خواب ، یا دستشوئی رفتن سر بزند ، باعث بطلان غسل نخواهد شد. اینجا وظیفه چیست؟ آیا وقتی انسان می خواهد نماز بخواند و بر فرض عذرش هم باقی است ، آیا باید وضو بگیرد ، آیا باید تیمم کند ، آیا باید هر دو را انجام بدهد ، یک مقدار تفاوت فتوا بین آقایان وجود دارد به این تفصیلی که عرض می کنم .

نظر اول : مرحوم آیت الله خویی نظرشان این است که اگر کسی تیمم بدل از غسل انجام بدهد مثلاً آب برای او ضرر دارد تیمم کرده است ، بعد دستشوئی می رود یا می خوابد . ایشان نظرشان یک مقدار با آقایان دیگر متفاوت بود ایشان می فرماید: این حدث ولو حدث اصغر باشد ، باعث بطلان تیمم است . درست است که حدث اصغر غسل را باطل نمی کند. ولی حدث اصغر تیمم بدل از غسل را باطل می کند. لذا اگر کسی تیمم بدل از غسل جنابت انجام داده و حدث اصغر پیش آمده باید دوباره تیمم کند و احتیاجی به وضو گرفتن ندارد و با همان تیمم نمازش را می خواند.

نظر دوم : بعد از این نظر ، نظر حضرت امام و اکثر مراجع مطرح می شود . حضرت امام نظرشان این است که کسی بر فرض صبح ، مجبور شد به جای غسل ، تیمم بدل از غسل انجام بدهد ، بر فرض اینکه عذرش هم برقرار است . ساعت ۱۰ صبح و ۱۱ صبح حدثی پیش می آید و حدث اصغر سر میزند مثلاً مثل خوابیدن . اگر اذان ظهر را بگویند ، آیا این شخص اگر وضو بگیرد کفایت یا باید دوباره تیمم کند؟ حضرت امام می فرماید اگر عذرش برقرار است دیگر احتیاجی به تیمم ندارد این تیمم جای غسلش را می گیرد ، البته تا موقعی که عذر برقرار است ولی برای نماز ، دیگر باید وضو بگیرد . اگر آب برای وضو ندارد تیمم بدل از وضو انجام می دهد

نظر سوم : مراجعی مثل مقام معظم رهبری و آیت الله صافی گلپایگانی است این بزرگواران احتیاط دارند که اگر حدث اصغر سر زد بعد از تیمم بدل از غسل ، برای نماز ، انسان هم باید وضو بگیرد و هم تیمم کند ، حضرت امام می فرمود که وضو کفایت اما مقام معظم رهبری می فرمایند که هم تیمم باید انجام شود و هم وضو برای نماز گرفته بشود .

• مسئله سوم: اگر کسی به جای غسل جنابت تیمم کند. همچنان که غسل جنابت اگر کسی انجام بدهد دیگر نباید برای نماز وضو بگیرد، فرمودند تیمم بدل از غسل جنابت هم، جای وضو را می‌گیرد و وقتی این تیمم انجام شد دیگر انسان بدون وضو، نمازش را می‌خواند.

• مسئله چهارم: فرمودند تیمم در صورتی صحیح است که انسان نتواند وضو بگیرد، لذا اگر تیمم، تیمم سرسری باشد. با اینکه من دسترسی به آب دارم و می‌توانم غسل کنم یا وضو بگیرم، بخواهم تیمم کنم که مثلاً دست به قرآن بکشم این جایز نیست. تیمم برای جایی است که عذر وجود دارد. یکی از آن عذرهایی که در جلسه گذشته به آن پرداختیم. اگر تیمم بدون عذر باشد آن تیمم قطعاً باطل خواهد بود.

شرایط صحت تیمم

اگر بخواهد یک تیمم صحیح باشد شرایطی باید در آن رعایت شود.

• شرط اول: این است که اعضای تیمم، یعنی پیشانی و دست‌ها پاک باشند. منتهی این پاکی دو صورت است. گاهی اوقات در این اعضا، عین نجاست موجود است، مثل خونی که روی پیشانی است و خون خشک شده، گاهی اوقات هم نه، این پیشانی آلوده به خون بود و این خون پاک شده، طبق نظر حضرت امام، اول باید این پیشانی را آب کشید و یا اگر در کف دست‌ها، بر فرض نجاستی است، حال یا عین نجاست باشد مثل خون، یا نه عین خون را پاک کرده، یا دست آلوده به نجاست شده و این نجاست خشک شده، در هر دو صورت حضرت امام می‌فرماید که باید این دست‌ها را آب کشید و بعداً به خاک زد و به صورت کشید. این مسئله هم مثل بعضی از مسائل دیگر تفاوت‌هایی بین فتاوی‌آقایان وجود دارد، مقام معظم رهبری در این مسئله فرمودند که پاک بودن شرط نیست. یعنی اگر دست کسی آلوده به نجاست بوده و خشک هم شده که دیگر این نجاست سرایت به جاهای دیگر هم نمی‌کند، با همین دست می‌خواهد تیمم کند، ایشان می‌فرمایند: این تیمم صحیح است، گرچه بهتر این است که اگر امکان داشته باشد انسان اول دستش را آب بکشد و بعد تیمم کند.

• شرط دوم: فرمودند پیشانی و پشت دست‌ها را باید از بالا به پایین مسح کند، اگر کسی انگشت‌هایش را بالای بینی بگذارد و بخواهد به سمت بالا بکشد و مسح بکند، فرمودند این صحیح نیست باید از بالا به پایین باشد. چنانچه در وضو هم فرمودند که اول باید مثلاً آرنج شسته شود تا بعد آب به قسمت‌های پایین برسد.

• شرط سوم: فرمودند چیزی که انسان بر آن تیمم می‌کند باید پاک و مباح باشد. آن خاک یا سنگ مرمری که انسان برای تیمم می‌خواهد استفاده بکند اولاً باید پاک باشد (نجس نباشد) ثانیاً باید مباح باشد (یعنی غصبی نباشد). مثلاً می‌خواهد روی دیوار مردم تیمم کند، اینجا باید احراز رضایت داشته باشید. اگر یقین دارید که صاحب‌خانه راضی است که شما در باغچه یا سنگ مرمری که به خانه او متصل است تیمم کنید اشکال ندارد. اگر شک داشته باشید این تیمم کردن هیچ اثر شرعی نخواهد داشت.

• شرط چهارم و پنجم: ترتیب و موالات را باید رعایت کند، همچنان که در وضو، موالات شرط بود در تیمم هم موالات شرط است و ترتیب هم شرط است. یعنی اگر کسی اول دست‌ها را مسح بکند و بر پیشانی را مسح کند، این تیمم باطل است.

• شرط ششم: همچنان که در وضو و غسل، اول باید انسان، مانع را برطرف کند و بعد مشغول غسل بشود، یا در وقتی که مشغول شستن عضو است، به مانع رسید مانع را برطرف کند، در تیمم هم اگر مثلاً چیزی مثل انگشت در دست وجود دارد، انسان باید اول انگشت را در بیاورد و بعد تیمم را انجام بدهد.

چکیده

کیفیت تیمم

برای تیمم باید کارهای زیر به ترتیب انجام شود:

- زدن کف دو دست را با هم ، حتی‌المقدور هم زمان ، بر روی چیزی که تیمم بر آن صحیح است .
- کشیدن احتیاطاً کل کف دست که شامل بندهای انگشت هم می‌شود ، بر کل پیشانی و یک مقدار از دو طرف پیشانی ، و بنابر احتیاط واجب ، ابروها و بالای بینی را هم باید هنگام مسح با دست ، مسح کند . ولی باقی صورت ، مثل چشم و گونه‌ها واجب نیست .

- بعد از اینکه پیشانی مسح شد ، باید با کف دست چپ ، به پشت دست راست بکشد و این کشیدن هم باید به گونه‌ای باشد که انگشت شست را هم شامل بشود ، باید انگشت شست به بقیه انگشت‌ها چسبیده شود که هنگامی که دست چپ را روی دست راست می‌کشید ، این انگشت شست هم شامل کف دست چپ بشود و بالعکس بعد از اینکه که دست راست مسح شد ، با دست راستان باید پشت دست چپ را هم مسح کنید .

- نکته : مقام معظم رهبری در اینجا احتیاطی دارند ، می‌فرمایند که تیمم ، چه بدل از غسل باشد یا بدل از وضو ، باید یک مرحله دیگر هم به آن افزود ، یعنی وقتی شما دستتان را روی زمین زدید و به پیشانی و پشت دست‌ها کشیدید ، بنابر احتیاط واجب یک مرتبه دیگر هم باید زده بشود و پشت دست‌ها مسح شود .

چیزهایی که تیمم بر آن صحیح است :

- خاک

- ریگ

- اقسام سنگها مثل سنگ مرمر و سنگ سیاه و سنگ گچ، ولی بر جواهرات مثل عقیق و فیروزه ، باطل است.

- طبق نظر حضرت امام و بسیاری از مراجع ، تیمم بر گل پخته ، مثل آجر و کوزه هم صحیح است .

- اصطلاح عُلُوق به این معنا است که روی چیزی که می خواهید دستتان را بزنید ، احتیاطاً باید مقداری گرد و غبار وجود داشته باشد. به جز این چهار مرجع بزرگوار (مرحوم آیت الله خوئی ، آیت‌الله وحید ، آیت‌الله تبریزی ، آیت‌الله سیستانی) که می فرمایند بنابر احتیاط واجب ، روی سنگ مرمر اگر تیمم می کنید ، حتماً باید مقداری گرد و غبار وجود داشته باشد. باقی مراجع می‌فرمایند : اگر شما روی سنگ دیوار آشپزخانه که هیچ نوع گرد و غباری هم ندارد ، تیمم کنید ، تیممتان صحیح خواهد بود ، ولو اینکه دسترسی به خاک هم داشته باشید . در بین مراجع قولی که قول منحصر به فردی است ، نظر آیت‌الله العظمی شبیری زنجانی است . این بزرگوار می‌فرمایند: اصلاً آن چیزی که تیمم بر آن صحیح است چیزی است که در حال اختیار، وقتی که شما دستتان را روی آن می‌زنید و به آن تیمم می کنید ، (باید) چیزی از اجزای همان چیز به دستان چسبیده باشد لذا عملاً ایشان می‌خواهند بفرمایند که ، تیمم روی خاک صحیح است . البته در جایی که انسان اختیار داشته باشد و بتواند خاک تهیه کند و گرنه طبیعتاً احکام بعدی آن می‌آید . در حالت اختیار باید روی خاک باشد
- هر چه که تیمم بر آن صحیح باشد قطعاً سجده هم بر آن صحیح است ، اما هر چه که سجده بر آن صحیح است امکان دارد تیمم بر آن صحیح باشد امکان هم دارد صحیح نباشد

شرایط صحت تیمم :

- شرط اول : اعضای تیمم ، یعنی پیشانی و دست‌ها پاک باشند

- شرط دوم : پیشانی و پشت دست‌ها را باید از بالا به پایین مسح نمود.

- شرط سوم : چیزی که انسان بر آن تیمم می کند باید پاک و مباح باشد
- شرط چهارم : ترتیب در اعمال تیمم واجب است.
- شرط پنجم : موالات در اعمال تیمم واجب است.
- شرط ششم : همچنان که در وضو و غسل ، ابتدا باید مانع را برطرف نمود در تیمم نیز باید ابتدا مانع را بر طرف و سپس تیمم نمود.

حوزه مجازی علوم اسلامی دانشگاهیان

آزمون

۱- چه مقدار از کف دست را باید در تیمم بر زمین زد؟

الف) کل کف دست ، شامل قسمت مربعی و کل انگشتان

ب) قسمت مربعی شکل به نحو وجوب وانگشتان به نحو استحباب

ج) کل کف دست شامل قسمت مربعی و حداقل دو بند از انگشتان دست به نحو وجوب

۲- طبق نظر آیت الله سیستانی ؛ برای مسح پیشانی در تیمم.....

الف) باید کل کف دست را روی کل پیشانی کشید

ب) بهتر است پیشانی را با کل کف دست ، مسح نماید

ج) میتوان پیشانی را با قسمتی از کف دست مسح نمود.

۳- طبق نظر مقام معظم رهبری برای مسح دستها در تیمم.....

الف) بنابر احتیاط مستحب باید پس از مسح صورت ، دوباره دستها را روی زمین زد.

ب) بنابر احتیاط واجب ؛ باید پس از مسح صورت دوباره دستها را روی زمین زد.

ج) لازم نیست دوباره دستها را روی زمین زده شود.

۴- هرچه که تیمم بر آن صحیح است.....

الف) ممکن است سجده بر آن صحیح باشد یا نباشد.

ب) سجده بر آن صحیح است.

ج) سجده بر آن صحیح مستحب است

۵- حدث اصغر ؛ تیمم بدل از غسل را.....(نظر امام خمینی)

الف) باطل نمی کند ولی باید برای نماز وضو گرفت.

ب) باطل می کند و باید برای نماز ، هم تیمم نمود وهم وضو گرفت.

ج) باطل می کند و باید برای نماز فقط تیمم نماید.

درس نهم

در این درس مطالب زیر را مطالعه خواهید کرد:

. احکام تیمم

. مسایل مربوط به تیمم

احکام تیمم :

مسئله اول : در جلسات گذشته عرض شد ، چیزی که برای تیمم صحیح انتخاب می شود باید یا مثل خاک باشد یا سنگ مرمری باشد که بنا بر احتیاط روی آن گرد و غباری نشسته باشد و طبق نظر حضرت امام اگر گرد و غبار هم روی آن نباشد اشکال ندارد . اما اگر چیزی که تیمم بر آن صحیح است را وجود نداشت مثلاً سنگ مرمر و خاک را وجود نداشت ، باید به گرد و غباری که روی فرش و لباس و مانند اینها هست تیمم نمود ، مثلاً فرشی که مدت‌ها جارو نشده است و با تکان دادن آن غبار ایجاد می‌شود و کاملاً محسوس است ، باید تیمم بر روی آن انجام گیرد .

مسئله دوم : خاکی که انسان می‌خواهد روی آن تیمم کند مثلاً مقداری کاه در آن وجود دارد ، اگر این کاه زیاد باشد ، از باب این که تیمم بر کاه باطل است ، چون این خاک هم با کاه مخلوط است و مقدار آن هم زیاد است قاعدتاً تیمم باطل می‌باشد ، اما اگر برای تیمم دیوار گلی را انتخاب کنیم و مقدار کمی در آن کاه وجود داشته باشد تیمم صحیح است .

مسئله سوم : برای آنکه یقین کند تمام پشت دست را مسح کرده ، باید مقداری بالاتر از مچ را هم مسح کند ، این از باب مقدمه است و در مباحث غسل و وضوء هم این مطلب می‌آید. مقدار واجب وضو در دست‌ها ، از مرفق یا همان آرنج می‌باشد. اما از این باب که انسان یقین کند آرنج قطعاً شسته شده است یک مقدار بالاتر از آن را هم بشوید ، یا در غسل مثلاً طرف راست را که انسان می‌شوید یک مقدار از طرف چپ را هم بشوید که مطمئن شود کل سمت راست شسته شده است ، در تیمم هم این مطلب آمده است مقدار واجبی که در تیمم برای دست‌ها گفته شده است از مچ دست ، تا سر انگشت‌ها گفته شده است . اما از باب اینکه انسان یقین کند که این مقدار شسته شده ، از باب احتیاط یک مقدار بالاتر از مچ را هم مسح می‌کند تا مطمئن شود که تیمم به نحو صحیح انجام شده است ، ولیکن مسح بین انگشت‌ها لازم نیست .

مسئله چهارم : پیشانی و پشت دست‌ها را باید از بالا به پایین مسح نمود گاهی اوقات دیده می‌شود که بعضی از افراد (در مسح پیشانی) به صورت عرضی مسح را انجام می‌دهند یا دست را به روی پیشانی می‌گذارند و به دو طرف می‌کشند که اینها اشکال دارد ، تیمم باید از بالای پیشانی به سمت ابروان و بالای بینی ، امتداد پیدا کند و در دست‌ها هم اگر کسی از سر انگشت‌ها به سمت مچ ، مسح را انجام دهد جایز نیست .

مسئله پنجم : در مواضع تیمم اگر مانعی وجود دارد که قابل برداشت است ، باید برداشته شود ، اگر انگشتی به دست است یا چسبی بروی دست چسبیده است یا روی پیشانی خونی است که خشک شده است و قابل برداشت می‌باشد ، طبق نظر حضرت امام ؛ نه تنها خون باید برداشته شود و حتی اگر امکان دارد جای آن باید آب کشیده شود ، این موانع باید برداشته شود تا مسح پیشانی و دست‌ها انجام شود . ولیکن موهائی که موهای ریز به حساب بیاید ، اینها ضرر نمی‌زند گاهی اوقات کسی مثلاً به قدری پشت دستش مو دارد که وقتی مسح می‌کند دستش کاملاً روی مو قرار می‌گیرد ، مثل موی سر ، که شما وقتی دست روی سرتان بگذارید ، قاعدتاً در انسان‌های عادی ، کف دست روی مو قرار می‌گیرد و به کف سر هیچ وقت دست نمی‌رسد و پوست سر لمس نمی‌شود اگر شخصی باشد که در پیشانی و دست‌ها به خاطر مشکلات هورمونی که دارد ، به قدری مو روی دست و پیشانی او روئیده است که هیچ مقدار از بَشَره و پوست دست را حس نمی‌کند و گویا کاملاً روی مقداری زیادی از مو مسح صورت می‌گیرد. اگر امکان دارد باید موها کوتاه شود تا مسح ، بصورت صحیح انجام گیرد . در ذیل این مسئله ، مسئله دیگری عنوان می‌شود گاهی اوقات ، روی پیشانی کسی مو روئیده ولی چون موهای جلوی

سر بلند است در مسح پیشانی یا هنگام مسح سر ، موها به روی پیشانی ریخته است . در اینجا از این جهت که مانع است انسان باید موها را بالا بزند تا کف دست روی پوست پیشانی قرار گیرد و اگر در ادامه حرکت مثلاً طوری است که طبق مبنای حضرت امام باید کل کف دست به کل پیشانی کشیده شود ، اگر در ادامه کشیدن طوری باشد که وقتی مقداری از دست کشیده شود موها طوری روی پیشانی حائل می شود که مقداری از دست به روی موها کشیده می شود و موها به پایین می آید و نصف کف دست در واقع بر روی موها کشیده می شود و روی پیشانی کشیده نشده است و طبق نظر حضرت امام این مسح باطل خواهد بود.

مسئله هفتم : کسی که وظیفه اش تیمم است اگر بداند تا آخر وقت ، عذر او برطرف می شود باید صبر کند و با وضو یا غسل ، نماز خود را بخواند ، اگر کسی در اول وقت یکی از عذرهایی که تیمم با آن عذر صحیح است برایش پیش بیاید ، مثلاً در اول وقت آب قطع شده است ، اما شخص می داند و طبق نظر بسیاری از مراجع حتی احتمال قوی می دهد که تا آخر وقت آب پیدا می شود در این صورت (بدار) یعنی سرعت گرفتن برای نماز ، برای این که نماز در اول وقت خوانده شود جایز نیست ، مگر اینکه چیزی که بعضی از مراجع بزرگوار فرموده اند: چون احتمال می دهید و یقین ندارید که آب پیدا شود ، رجاء نماز خوانده شود و اگر تا آخر وقت آب پیدا نشد ، نمازی که خوانده شده است صحیح می باشد ، اما اگر آب پیدا شد یعنی چون احتمال داده می شد که آب پیدا نمی شود و نماز خوانده شده است و سپس آب پیدا شد اگر وقت نگذشته باشد به فرموده بعضی از مراجع باید نماز را اعاده نمود.

مسئله هشتم : گاهی اوقات افرادی هستند که در یک مدت خاصی مجبورند با تیمم نماز بخوانند . مثلاً اعضای بدن شخص ، طوری باندپیچی شده است که مجبور است به مدت یکماه نمازش را با تیمم بخواند ، آیا در مواقعی که انسان وظیفه اش تیمم است ،

مراجع اجازه می دهند که نماز قضا خوانده شود و یا باید نماز قضا را برای وقتی که عذرش برطرف شد ، قرار داد و زمانی که می تواند وضو و غسل را به صورت عادی انجام دهد موکول نماید؟

طبق نظر حضرت امام کسی که نمی تواند وضو بگیرد یا غسل کند می تواند نمازهای قضای خود را با تیمم بخواند ، ولو این که احتمال دهد که به زودی عذرش برطرف شود و می تواند وضو بگیرد. مثلاً عذری که برای او پیش آمده عذر یک یا دو روزه است در این فرض حضرت امام (ره) می فرمایند که اشکالی ندارد ، البته در صورتی که بداند و یقین دارد که قطعاً عذر برطرف می شود اینجا باید صبر کند تا نمازش را به حالت عادی بخواند ، مگر این که در تنگی وقت باشد مثلاً فرض بفرمایید کسی پنج سال نماز قضا دارد وظیفه او هم تیمم است و در حال حاضر هم در بستر افتاده و یقین دارد که یک هفته دیگر خواهد مُرد با این فرض فرموده اند اشکال ندارد. درست است که یقین دارد چند روز دیگر عذرش برطرف می شود اما اگر عذرش برطرف شود نمی تواند در این مدت کوتاه ، به اندازه پنج سال نماز قضا را بخواند با این فرض اشکالی ندارد در همین مدت که با تیمم نمازهای یومیه را می خواند ، می تواند نمازهای قضا را هم بخواند.

مسئله نهم : کسی که نمی تواند وضو بگیرد یا غسل کند ، جایز است نمازهای مستحب را که وقت معین دارد مثل نافله های شبانه روز را با تیمم بخواند .

چند مسئله در باب تیمم :

مسئله اول : اشخاصی هستند که بعضی از اعضای تیمم آنها موجود نیست و قطع شده است مثلاً کسی که یک یا دو دستش از آرنج یا از مچ قطع شده است این اشخاص برای تیمم چه وظیفه‌ای دارند؟ حضرت امام فرموده اند: اگر کسی یک دستش قطع شده است همان یک دستی که وجود دارد را روی خاک یا آنچه تیمم بر آن صحیح است می‌زند و بر پیشانی می‌کشد

سوال : کسی که یک دست دارد ، وقتی دست را به پیشانی می‌کشد ، قاعدتاً یک مقدار از پیشانی مسح می‌شود ، آیا جایز است که دستش را به صورت پهنا روی پیشانی بگذارد و مثلاً از بالا به پایین بکشد ، تا با یک مسح تمام پیشانی مسح شود؟ حضرت امام می‌فرمایند: چون باید از بالا به پایین باشد باید یک بار وقتی دست را روی پیشانی می‌گذارد یک مرتبه بکشد و دوباره باید دست را به طرف دیگر پیشانی بگذارد و یک مرتبه دیگر بکشد که کل پیشانی در دو مرتبه مسح شده باشد . در دست‌ها چطور ؟ اگر این دستی که مثلاً قطع شده است دست چپ باشد ، در این صورت قاعدتاً با دست چپی که موجود نیست نمی‌تواند پشت دست راستش را مسح کند ؛ لذا باید پشت دست راستش را به روی خاک بمالد و دست چپ که موجود نیست دیگر وظیفه‌ای ندارد و برای دست مخالف برعکس عمل می‌کند.

مسئله دوم : کسی که دو دستش قطع است و فقط از مواضع تیمم ، پیشانی را دارد ، چنین شخصی پیشانی را بعنوان تیمم ، به خاک می‌مالد و وظیفه خاص دیگری هم نخواهد داشت. بر فرض شخصی که دو دستش قطع شده است از مسح کردن پیشانی هم معذور است ، یعنی خودش نمی‌تواند پیشانی را مسح کند ، یا اگر می‌خواهد مسح کند ، در چندین مرتبه باید مسح نماید ، اشکالی ندارد ، اگر با یک مرتبه یا دو یا سه مرتبه کل پیشانی مسح می‌شود این مراتب را باید تکرار کند ، اما اگر به هیچ عنوان نمی‌تواند تیمم را خودش انجام بدهد باید نایب بگیرد که نایب این تیمم را برای او به انجام برساند. تتمه : بعضی از احکام کلی که در رابطه با تیمم است را عنوان می‌کنند.

فرموده‌اند تمام کارهایی که با وضو صحیح است با تیمم بدل از وضو هم صحیح است. اصطلاحاً گفته می‌شود کارهایی که با وضو مبیح می‌شود با تیمم هم مبیح است. یعنی با وضو می‌توان نماز خواند با تیمم هم می‌توان نماز خواند با وضو می‌توان مسجد رفت با تیممی هم که بدل از وضو یا غسل جنابت است ، می‌توان به مسجد رفت ، بر فرض شخصی معذور از انجام غسل جنابت است و قرار است یک هفته به همین حالت باقی بماند و نمازهایش را با تیمم بخواند ، هیچ اشکالی ندارد که این شخص با همین تیمم بدل از غسل جنابتش وارد مسجد شود و نمازهایش را به جماعت بخواند حتی بسیاری از مراجع فرموده اند که این شخص می‌تواند امام جماعت هم بشود ؛ البته آن تیممی که در تنگی وقت انجام می‌شود ، مثلاً چند دقیقه مانده که آفتاب طلوع کند و انسان مجبور است که با تیمم نماز بخواند و اگر بخواهد وضو بگیرد یا غسل کند ، بعضی از نماز یا همه نمازش قضا می‌شود ، در این صورت اغلب مراجع فرموده‌اند: با این تیمم که در تنگی وقت انجام می‌شود، دیگر شخص جنب نمی‌تواند وارد مسجد شود ، البته آن تیممی که بدل از غسل جنابت است نه تیمم بدل از وضو ، چون رفتن شخص جنب به مسجد حرام است ؛ تیممی که بدل از غسل جنابت است ؛ مجوز برای خواندن نماز است ولی مجوز برای وارد شدن به مسجد نمی‌باشد ، چون تیمم برای تنگی وقت است ؛ البته در این مسئله آیت‌الله مکارم شیرازی و آیت الله شبیری زنجانی فرموده‌اند که با این تیمم هم می‌شود وارد مسجد شد .

مسئله سوم : فرموده‌اند تمام مبطلات وضو ، تیمم بدل از وضو را هم باطل می‌کند. مثلاً خواب مُبطل وضو می‌باشد پس مُبطل تیمم هم هست و فرموده‌اند تمام موجبات غسل، تیمم بدل از غسل را هم باطل می‌کند. یعنی اگر شخص طاهر (کسی که وضو دارد) جنب بود قاعدتاً طهارتش به هم خورده است ، واگر کسی تیمم بدل از غسل جنابت کرده است ، اگر دوباره جنب شود تیممش و طهارتش باطل خواهد شد.

حوزه مجازی علوم اسلامی دانشگاهیان

چکیده

احکام تیمم :

- مسئله اول : شیئی که می‌خواهید روی آن تیمم صحیح انجام دهید ، باید یا مثل خاک باشد یا سنگ مرمر باشد ، اما اگر چیزی که تیمم بر آن صحیح است را نداشتیم باید به گرد و غباری که روی فرش و لباس و مانند این‌ها هست تیمم کرد .
- مسئله دوم : خاکی که انسان می‌خواهد روی آن تیمم کند باید خالص باشد مثلاً در حالتی مقداری کاه در آن مخلوط است اگر این کاه زیاد است تیمم بر کاه باطل است اما اگر مقدار کمی در آن کاه وجود داشته باشد تیمم صحیح است .
- مسئله سوم : برای آنکه یقین کنیم تمام پشت دست مسح شده ، از باب احتیاط باید مقداری بالاتر از مچ را هم مسح نمود مقدار واجبی که در تیمم برای دست‌ها گفته شده است از مچ دست ، تا سر انگشت‌ها گفته شده است .
- مسئله چهارم : پیشانی و پشت دست‌ها را باید از بالا به پایین مسح نمود ، تیمم باید از بالای پیشانی به سمت ابروان و بالای بینی ، امتداد پیدا کند و در دست‌ها هم اگر کسی از سر انگشت‌ها به سمت مچ ، مسح را انجام دهد جایز نمی‌باشد .
- مسئله پنجم : اگر در مواضع تیمم مانعی وجود دارد که قابل برداشت است ، باید برداشته شود .
- مسئله هفتم : کسی که وظیفه‌اش تیمم است اگر بداند تا آخر وقت عذر او برطرف می‌شود باید صبر کند و با وضو یا غسل ، نماز خود را بخواند .
- مسئله هشتم :
- آیا در مواقعی که انسان وظیفه‌اش تیمم است ، مراجع اجازه می‌دهند که نماز قضا بخواند یا باید نماز قضا را بگذارد برای وقتی که عذرش برطرف شد و می‌تواند وضو و غسل را بصورت عادی انجام دهد ؟
- طبق نظر حضرت امام کسی که نمی‌تواند وضو یا غسل کند می‌تواند نمازهای قضای خود را با تیمم بخواند .
- مسئله نهم : کسی که نمی‌تواند وضو بگیرد یا غسل کند ، جایز است نمازهای مستحب را که وقت معین دارد مثل نافله های شبانه‌روز را با تیمم بخواند .
- حضرت امام فرموده اند اگر تنها یک دست وجود دارد ، همان یکدستی که وجود دارد را روی خاک یا آنچه تیمم بر آن صحیح است می‌زند و بر پیشانی می‌کشد .
- کسی یک دستش قطع شده است ، برای مسح روی دست پشت دست را بر روی خاک می‌مالد .
- کسی که دو دستش قطع است و فقط از مواضع تیمم ، پیشانی را دارد ، چنین شخصی ، پیشانی را بعنوان تیمم ، به خاک می‌مالد اما اگر به هیچ عنوان نمی‌تواند تیمم را خودش انجام بدهد باید نایب بگیرد که نایب این تیمم را برای او انجام بدهد .
- تمام کارهایی که با وضو صحیح است با تیمم بدل از وضو هم صحیح است .
- اگر شخصی معذور از انجام غسل جنابت است و قرار است یک هفته به همین حالت باقی بماند و نمازهایش را با تیمم بخواند ، هیچ اشکالی ندارد که این شخص با همین تیمم بدل از غسل جنابتش وارد مسجد شود و نمازهایش را به جماعت بخواند اما اغلب مراجع فرموده‌اند با تیممی که در تنگی وقت انجام می‌شود دیگر شخص جنب نمی‌تواند وارد مسجد شود .
- تمام مبطلات وضو ، تیمم بدل از وضو را هم باطل می‌کند و همچنین است تمام موجبات غسل ، تیمم بدل از غسل را هم باطل می‌کند .

آزمون

۱- تیمم بر خاکی که مقداری کاه در آن موجود است چه حکمی دارد؟

الف) اگر مقدار کمی کاه در خاک باشد اشکال ندارد.

ب) مطلقاً صحیح است

ج) مطلقاً صحیح نیست

۲- مسح نمودن اعضای تیمم از بالا به پائین.....

الف) مستحب است

ب) جایز است

ج) واجب است

۳- وجود موهای زیاد روی پیشانی و دست.....

الف) مانع از صحت تیمم نمی باشد

ب) مانع از صحت تیمم می باشد

ج) باعث ایجاد کراهت و کم شدن ثواب در تیمم می شود

۴- طبق نظر بسیاری از مراجع ، بدار در نماز با تیمم در صورت عدم دسترسی به آب.....

الف) جایز نیست

ب) جایز است

ج) مکروه است

۵- خواندن نمازهای نافله با تیمم با وجود عذر در انجام وضو یا غسل.....

الف) مکروه است

ب) جایز نیست

ج) جایز است

۶- با تیمم بدل از غسل که در تنگی وقت انجام شده است(نظر اغلب مراجع)

الف) به مسجد رفتن مکروه است

ب) می توان به مسجد رفت.

ج) نمی توان به مسجد رفت.

درس دهم

در این درس مطالب زیر را مطالعه خواهید کرد:

- احکامی درباره ادرار و مدفوع حیوانات
- احکامی درباره فضلۀ پرندگان حلال گوشت و حرام گوشت
- احکام مردار (میته)
- احکام اجزای بی روح در بدن انسان
- احکام میته حیواناتی که حرام گوشت هستند ولی خون جهنده ندارند
- احکام بدن شهید

• طهارات و نجاسات :

در دین مبین اسلام بعضی از اشیاء هستند که ، بعنوان اشیاء پلید و ناپاک و اصطلاحاً نجس نامیده شده اند اصطلاح نجاست ، با اصطلاح کثیف ، دو معنای کاملاً متفاوتی دارد. در دین مبین اسلام ، امکان دارد بعضی از چیزها کثیف باشد ولی نجس نباشد ، هر چیز نجسی که احکام خاصی برای نماز و لباس و احرام و غیره دارد ، امکان دارد ، پلید عرفی نیز باشد و همچنین امکان دارد پلید عرفی نباشد ؛ بعنوان مثال ، الکلی که مُسکِر مایع بِالْأَصَالَه باشد ، یعنی مست کننده باشد و در اصل هم روان باشد ، نجس است ، اما از جهت عرفی ، الكل را اتفاقاً برای ضد عفونی کردن در بیمارستانها به کار می برند . یعنی از جهت عرفی نه تنها پلید نیست بلکه باعث کشته شدن میکروبها نیز هست . اما از جهت شرعی احکام خاص خودش را دارد . هر شیء کثیفی نجس نیست بعنوان مثال ، موش ، خیلی حیوان کثیفی است اما در حیوانات ، فقط سگ و خوک ، جزء حیوانات نجس شمرده شده اند .

پس هر شیء نجسی از جهت عرفی امکان دارد که پلید نباشد . هر چیز پلید عرفی امکان دارد نجس نباشد مثل موش ، بعضی از اشیاء هم هستند که هم از جهت عرفی پلید هستند و هم از جهت شرعی نجس هستند مواردی که بعنوان شیء نجس ، در فقه شیعه از آنها یاد شده است . یازده مورد می باشد که انشاءالله احکام آن بیان خواهد شد .

۱- ادرار

۲- مدفوع

• ادرار و مدفوع در حیوانات :

البته ادرار و مدفوع حیوانی نجس است که این دو شرط را با هم داشته باشد .

الف (ذی لَحْم (گوشت داشته باشد) و حرام گوشت باشد.

ب (خون جهنده داشته باشد.

پس اگر حیوانی خون جهنده داشت و حرام گوشت بود ، ادرار و مدفوعش نجس خواهد بود مانند گربه که هم حرام گوشت است و هم خون جهنده دارد یا مانند گرگ و پلنگ . یا از حیواناتی که امروزه سؤال می شود مانند هَمِستِر (نوعی حیوان شبیه به موش) ، که حرام گوشت است و خون جهنده هم دارد اما بعضی از حیوانات هستند که نه خون جهنده دارند و نه گوشتی دارند مثل مگس ، این حیوان گوشت ندارد درست است که جُثه ای دارد ، اما به آن جُثه ، گوشت اطلاق نمی شود خون جهنده هم که طبیعتاً ندارد ، لذا اگر ادرار و غائط داشته باشد پاک می باشد .

بعضی از حیوانات هستند که ، هم خون جهنده دارند و هم گوشت دارند ، اما حلال گوشت هستند . مثل گوسفند و گاو ، قاطر ، و لو اینکه ، خوردن گوشت دراز گوش و قاطر کراهت دارد اما در هر حال ، در دستة حیوانات حلال گوشت جای می گیرند این حیوانات بول و غائطشان پاک است چنانکه از کود گاو و گوسفند در کشاورزی هم استفاده می شود و قطعاً هم نجس نیست.

حیواناتی که محل بحث ما هستند حیواناتی هستند که حرام گوشت هستند اما خون جهنده ندارند، مثل بسیاری از آبزیان (آن حیواناتی که خون سرد هستند خون جهنده ندارند) مثل مار ، کوسه ، ماهی های حرام گوشتی که در آکواریوم نگهداری می کنند . یا لاک پشت ، آیا لاک پشتی که حرام گوشت است و خون جهنده ندارد و با توجه به اینکه آب آکواریوم ، آب قلیل است ؛ اگر (امثال این حیوانات) ادرار یا غائطی در آب انجام دهند ، آیا آب نجس می شود ؟ با برخورد به غائط آیا

آب نجس می شود یا خیر؟

بعضی از مراجع بزرگوار مثل حضرت امام ، آقای فاضل لنکرانی ، آقای نوری همدانی ، مرحوم آقای خویی ، مرحوم آقای تبریزی و آیت الله وحید خراسانی ، این شش مرجع بزرگوار می فرمایند : حیواناتی که حرام گوشت هستند مثل مار و لاک پشت و غیره که خون جهنده ندارند ، این حیوانات هم ادرارشان و هم مدفوعشان پاک است . اما طبق نظر باقی مراجع ، این حیواناتی که حرام گوشت هستند ، ولو خون جهنده هم نداشته باشند ، احتیاط واجب این است که ادرار آنها نجس است . به عنوان مثال اگر لاک پشتی در آب آکواریوم ادرار انجام دهد با توجه به اینکه آب آکواریوم قلیل است آب نجس می شود . غیر از این شش مرجع ، باقی مراجع بنا بر احتیاط واجب ، ادرار این حیوانات را نجس می دانند و راجع به مدفوع این حیوانات که آیا پاک است یا خیر ، در این مسئله هم مراجع دو دسته هستند :

بعضی از مراجع مثل آیت الله مکارم شیرازی و آیت الله سیستانی می فرمایند: این حیوانات مدفوعشان پاک است ، فقط ادرارشان بنا بر احتیاط واجب نجس است ولیکن بعضی از مراجع مطلقاً ، چه ادرار و چه غائط این حیوانات را نجس می دانند .

• فضله پرنندگان حلال گوشت و حرام گوشت :

حیواناتی که گفته شد حیواناتی هستند که بر روی زمین زندگی می کنند ، حلال گوشت مثل گوسفند ، یا مکروه گوشت مثل اسب و قاطر ، و یا حرام گوشت مثل گربه و گرگ و ...

اما حکم پرنندگان حرام گوشت ، کاملاً متفاوت است یعنی بسیاری از مراجع که ، فضله حیوانات حرام گوشت را نجس می دانند ، در پرنندگان حرام گوشت ، پاک می دانند ، غالب مراجع غیر از حضرت امام و مرحوم آقای بهجت ، بقیه مراجع من جمله مقام معظم رهبری می فرمایند : فضله پرنندگان حرام گوشت پاک است . به عنوان مثال کلاغ از حیواناتی است که ، هم حرام گوشت است و هم خون جهنده دارد. اما حکمش متفاوت است و فضله اش پاک است . یا مثلاً طوطی البته به شرط اینکه حرام گوشت باشد ، مرغ مینا ، کاسکو ، عقاب ، کرکس ، شاهین و باز همه اینها از حیوانات حرام گوشت هستند و خون جهنده هم دارند ، اما غیر از مرحوم امام و مرحوم آقای بهجت باقی مراجع می فرمایند : اگر کسی از این حیوانات در خانه اش نگهداری می کند ، در این مسائل ، مشکل نجاست و پاکی ندارد ، که خودش را به عسر و حرج بیاندازد . مسئله بعدی : گاهی اوقات انسان فضله ها یا ادرارهایی را مشاهده می کند ، که نمی داند آیا از حیوانی است که خون جهنده دارد یا خیر؟ به عنوان مثال سگ گله و گوسفندان را در یک مکان نگهداری می کنند و انسان شک می کند که آیا این ادراری که روی زمین ریخته ، ادرار گوسفند است یا ادرار سگ گله؟ در این مسئله چون موضوع شک است ، این محل نجس به حساب نمی آید و همچنین است ، فضله ای که انسان نمی داند ، آیا از حیوانی است که خون جهنده دارد یا غیر آن ؟ به عنوان مثال مشخص نیست این فضله ، آیا فضله سوسک است یا فضله موش ؟ بنا بر نقل ، فضله موش با فضله سوسک ، گاهی اوقات تشابه پیدا می کنند و انسان میان این دو مشتبه می شود گاهی اوقات در برنج هم دیده می شود ، اگر انسان شک کند که مثلاً شیئی که در برنج است ، فضله موش است یا سوسک ، در چنین مسئله ای می فرمایند این شک ، باعث نجاست برنج نمی شود و خوردن آن برنج هم اشکالی ندارد .

۳- مردار (میته) :

یکی از نجاسات ، مردار یا میته است .

مسئله اول : مردار انسان هر چند به تازگی هم مرده باشد و هنوز بدنش هم سرد نشده باشد ، میته به حساب می آید و

نجس است و ملاک کلی این است که میتة هر حیوانی خواه حلال گوشت باشد ، یا حرام گوشت ، ولیکن خون جهنده داشته باشد ، میتة اش نجس است .

درست است که انسان از جهت اصطلاحی حیوان به حساب نمی آید اما از لحاظ فقهی جزء حرام گوشتها به حساب می آید یعنی گوشت انسان حلال نیست مردار چنین انسانی میتة حساب می شود و نجس می باشد ولو این که روح به طور کامل از بدن خارج شده ولیکن هنوز سرد نشده باشد این سرد شدن یا نشدن بدن در میتة ، فقط مربوط به غسل مس میت می باشد در آنجا (در احکام غسل مسح میت) فرموده اند که اگر بدن هنوز گرم باشد و انسان به آن بدن ، دست بزند ، غسل واجب نمی شود ولیکن از جهت نجاست و پاکی ، این بدن نجس است . البته اگر انسان به بدن سرد شده میتة دست بزند ، اگر این بدن رطوبت داشته باشد اینجا قطعاً هم غسل مس میت واجب می شود به خاطر خواندن نماز و هم از جهت این که رطوبت مُسریه داشته ، مثلاً دست انسان تر بوده و به بدن میت زده است یا بدن میت تر بوده ، در هر دو صورت ، باید دستش را آب بکشد ، البته دو نفر از مراجع بزرگوار مرحوم آیت الله بهجت و آیت الله مکارم شیرازی ، این بزرگواران فقط در خصوص میتة انسان نه میتة حیوان ، فرموده اند : حتی اگر انسان با دستی که خشک است به بدن میتة دست بزند این دو بزرگوار احتیاط واجب دارند که دست نجس می شود.

لازمه این احتیاط (طبق نظر آیت الله بهجت و آیت الله مکارم شیرازی) این است که آن لباس هایی که میت هنگام مردن بر تن داشت و یا بالشی که زیر سر میت قرار داشته ، حتی اگر هنگام جان دادن و پس از مرگ بدن میت عرق نکرده باشد و خشک باشد ، باید آن ملحفه و آن لباس هایی را که بر تن میت هست و هر قسمتی از ملبسه ها که مستقیماً با بدن میت تماس داشته است . بنابر احتیاط واجب باید آب کشیده شود (حتی اگر رطوبتی وجود نداشته باشد) ولیکن غالب مراجع می فرمایند ؛ پاک است فقط از جهت غسل مس میت باید دید که بدن میت سرد شده است یا سرد نشده است . مسئله دوم : اجزای بی روح در بدن انسان :

برخی از اجزای بدن هستند که اصطلاحاً جزء اجزای بی روح محسوب می شود . مثل دندان ، مو و ناخن ؛ هر کس به این اجزا دست بزند ؛ فرقی نمی کند دستش تر باشد یا خشک باشد ، چون جزء اجزاء بی روح محسوب می شوند دست ، نجس نمی شود بر فرض مثال گاوی را ذبح شرعی نکرده اند (اگر گاوی ذبح شرعی شود که میتة حساب نمی شود) مثلاً یک کافر او را ذبح کرده است ، انسانی در یک کشور غیر اسلامی زندگی می کند و در مقابل او استخوانهای یک حیوان حلال گوشت ، مثل گاو قرار دارد ، که ذبح اسلامی هم نشده است آیا این استخوان نجس است ؟ خیر نجس نیست ، چون استخوان از اجزای بی روح محسوب می شود مثل ناخن ، و اما گوشتی که از بدن حیوان زنده یا از بدن انسان جدا می شود اگر گوشت بدن باشد ، نجس است و میتة محسوب می شود ، ولیکن نسبت به اجزای کوچک ، مثل پوستهای کوچکی که روی بدن وجود دارد و از بدن جدا می شود تفصیل دارد :

• گاهی اوقات پوستهائی هستند که به راحتی کنده می شوند ، و وقت جدا شدنشان رسیده است و هیچ اتصالی به بدن ندارد مثل پوستهای لب که بلند شده است و نزدیک کنده شدنش است و دیگر روح در پوست وجود ندارد این پوستها پاک هستند اما اگر پوستی باشد که به بدن اتصال دارد و وقت کنده شدنش نرسیده است به عنوان مثال یک تکه از پوست دست ، در هنگام کار کردن (مثلاً رنده کردن) کنده می شود ، اگر دست خیس نباشد و خون از آن نیاید آن دست پاک است اما خود آن پوست کوچک آیا نجس است یا پاک ؟ (چون از بدن انسان یا حیوانی جدا شده که روح دار بوده است و خون جهنده هم داشته است) مرحوم آقای تبریزی و مرحوم آقای خویی نظرشان این است ، پوستهای کوچکی که در حد یک عدسی

کنده شود و گوشت هم همراه آن نباشد پاک است و قابل اعتنا نیست اما بعضی از مراجع بزرگوار مثل حضرت امام در این مسئله احتیاط و جویی دارد که بنابر احتیاط واجب ، آن پوستهائی که وقت افتادنشان نرسیده است ، باید معامله نجس با او شود ، مگر این که مرجعی باشد که با رعایت فالاعلم انسان به او رجوع کند تا آن پوست را نجس نداند .
 عرض شد که مرداری که خون جهنده داشته باشد تمام بدنش نجس می‌باشد غیر از اجزایی که روح در آن دمیده نشده است (دندان و ناخن و مو) .

•میتة حیواناتی که حرام گوشت هستند ولی خون جهنده ندارند :

حیواناتی هستند که خون جهنده ندارند مانند مار ، عرض شد که مار جزء حیوانات حرام گوشت است ولی خون جهنده ندارد میتة حیواناتی که خون جهنده ندارند یا اصلاً گوشت در بدنشان نیست مثل پشه و مگس ، میتة اینها پاک است و مشکلی ندارد حیواناتی مثل سوسک و مگس و پشه که گوشت ندارند ، قطعاً پاک است حیواناتی که گوشت دارند ولو حرام گوشت هم باشند ولی خون جهنده نداشته باشد مثل کوسه ، مثل نهنگ مُرده ، حتی نهنگ جزء حیواناتی است که خونسرد است و خون جهنده ندارد یا تمساح و مارمولک ، اینها اگر بمیرند با توجه به اینکه خون جهنده ندارند ، میتة آنها پاک است و اگر انسان دست تر به آنها بزند دست نجس نمی‌شود .

•احکام بدن شهید :

درباره مردار انسان یک مورد استثنا شده است و آن هم شهیدی است که در معركة جنگ جان داده باشد اگر مسلمانی در معركة شهید شود ، گاهی اوقات رزمنده ، زخمی می‌شود و در پشت معركة جان می‌دهد ، بدن چنین شخصی نجس است اما شهیدی که در معركة جان می‌دهد بدنش پاک است البته خون‌هایی که از بدن شهید بیرون می‌آید نجس می‌باشد اما خود بدنی که آلوده به خون نشده است آن بدن پاک است ، به عنوان مثال شهیدی که تیر به قلبش خورده ، اگر صورت او را ببوسیم ، حتی اگر صورت یکی از دو طرف ، تر هم باشد ، بدن ما نجس نمی‌شود اما اگر دست ما به خونی بخورد که از قلب شهید بیرون آمده است ، این خون نجس است و باید آب کشیده شود ، البته این شهید غسل هم ندارد و با همین بدنی که به خونس آلوده است دفن کردنش هیچ اشکالی ندارد.

و همچنین شهدایی که منافقین (علیهم‌اللعنه) آنها را ترور می‌کنند یا به واسطه بمب‌گذاری که در شهرها صورت می‌گیرد ، افراد مسلمانی به فیض شهادت نایل می‌شوند ، اگر کسی به بدن این طور افراد دست بزند ، غسل مس میت دارد و اینها جز افرادی نیستند که بدنشان پاک باشد یعنی اگر کسی با دست مرطوب به بدن اینها دست بزند دستش نجس می‌شود. البته انشاء الله اجر شهید را دارند ، اما از جهت این احکام خاص ، که غسل مس میت داشته باشند یا نه ، یا خودشان را انسان باید غسل دهد و بعد دفن کند یا نه ، احکام خاصی دارد که به بعضی از آنها اشاره شد و انشاء الله در جلسات آینده به موارد دیگر آن اشاره خواهد شد .

چکیده

طهارات و نجاسات :

مواردی که به عنوان شیء نجس ، در فقه شیعه از آنها یاد شده ، یازده مورد می باشند .

۴- ادرار

۵- مدفوع

ادرار و مدفوع در حیوانات :

البته ادرار و مدفوع حیوانی نجس است که این دو شرط را با هم داشته باشد .

الف (ذی لحم) گوشت داشته باشد) و حرام گوشت باشد.

ب (خون جهنده داشته باشد).

• پس اگر حیوانی خون جهنده داشته باشد و حرام گوشت باشد ، ادرار و مدفوعش نجس است

• اما بعضی از حیوانات نه خون جهنده دارند و نه گوشتی دارند مثل مگس ، این حیوان گوشت ندارد درست است که جُسه ای دارد ، اما به آن جُسه ، گوشت اطلاق نمی شود لذا اگر ادرار و غائط داشته باشد پاک است .

• بعضی از حیوانات هم خون جهنده دارند و هم گوشت دارند ، اما حلال گوشت هستند مثل

گوسفند و گاو ، این حیوانات بول و غائتشان پاک است .

• بعضی حیوانات هستند که حرام گوشت هستند اما خون جهنده ندارند ، مثل مار ، یا مثل لاکپستی که حرام گوشت است

و خون جهنده ندارد اگر ادرار یا غائطی در آب انجام بدهند ، از آنجا که معمولاً آب آکواریم آب قلیل است ، غیر از شش

مرجع (حضرت امام ، آقای فاضل لنکرانی ، آقای نوری همدانی ، مرحوم آقای خوبی ، مرحوم آقای تبریزی و آیت الله

وحید خراسانی) باقی مراجع ادرار این حیوانات را نجس می دانند . اما راجع به مدفوعشان که آیا پاک است یا نه ، در این

مسئله مراجع دو دسته هستند :

• بعضی از مراجع مثل آیت الله مکارم شیرازی و آیت الله سیستانی می فرمایند اینها مدفوعشان پاک است ، فقط ادرارشان

بنا بر احتیاط واجب نجس است .

• فضله پرنندگان حلال گوشت و حرام گوشت :

حضرت امام و مرحوم آیت الله بهجت ، فضله پرنندگان حرام گوشت را نجس می دانستند ولی باقی مراجع آن را پاک می

دانند . مثلاً کلاغ .

گاهی اوقات انسان فضله یا ادرارهایی را مشاهده می کند ، که نمی داند آیا از حیوانی است که خون جهنده دارد یا غیر آن

، این نجس به حساب نمی آید .

۶- مردار (میتة) :

مردار انسان ، هر چند به تازگی هم مرده باشد و هنوز بدنش هم سرد نشده باشد ، میتة حساب می شود و نجس است

اگر انسان دست به بدن میتی بزند که سرد شده است ، اگر این بدن رطوبت داشته باشد اینجا قطعاً ، هم غسل مسح میت

واجب می شود بخاطر نماز خواندن و هم از جهت این که رطوبت مُسریّه داشته ، ، باید دستش را آب بکشد .

البته دو نفر از مراجع بزرگوار مرحوم آیت‌الله بهجت و آیت‌الله مکارم شیرازی فقط در خصوص میتة انسان نه میتة حیوان ، حتی اگر انسان با دستی که خشک است به بدن میتة دست بزند این دو بزرگوار احتیاط واجب دارند که دست نجس می‌شود.

در مردارها ، برخی از اجزا هستند که اصطلاحاً جزء اجزای بی‌روح محسوب می‌شود مثل دندان ، مو ، ناخن که دست زدن به آنها باعث نجس شدن نمی‌باشد .

گاهی اوقات پوستهائی هستند که به راحتی کنده می‌شوند مثل پوستهائی لب که دیگر روح در پوست وجود ندارد این پوسته‌ها پاک هستند اما اگر پوستی باشد که به بدن اتصال دارد و وقت کندنش نرسیده است آیا نجس است یا پاک؟
جواب : مرحوم آقای تبریزی و مرحوم آقای خوبی نظرشان این است ، پوستهائی کوچکی که در حد یک عدس کنده بشود و گوشت هم همراه آن نباشد پاک است اما بعضی از مراجع بزرگوار مثل حضرت امام می‌فرمایند که بنا بر احتیاط واجب ، آن پوستهائی که وقت افتادنشان نرسیده است ، باید معامله نجس با او شود .

• حیواناتی که گوشت دارند حتی حرام گوشت هم باشند ولی خون جهنده نداشته باشند مثل مار ، کوسه ، اینها اگر بمیرند ، میتة آنها پاک است .

میتة حیواناتی که خون جهنده ندارند یا اصلاً گوشت در بدنشان نیست قطعاً پاک است ..

• احکام بدن شهید :

مسلمانی که در معرکه جنگ شهید شود پاک می‌باشد و غسل ندارد ؛ گاهی اوقات رزمنده ای زخمی می‌شود و در پشت معرکه جان می‌دهد ، بدن چنین شخصی باید غسل داده شود البته خون‌هایی که از بدنش بیرون می‌آید نجس می‌باشد.

آزمون

۱- ادرار ومدفوع حیوانات حرام گوشت ، که خون جهنده ندارند.....(نظر امام)

الف) احتیاطاً نجس است

ب) نجس است

ج) پاک است

۲- اگر انسان فضله حیوانی را مشاهده کند و نداند از حلال گوشت است یا حرام گوشت.....

الف) حکم به پاکی آن فضله می شود.

ب) حکم به نجاست آن فضله می شود.

ج) احتیاط در اجتناب از آن فضله می باشد

۳- مس بدن انسان مرده ای که بدنش هنوز سرد نشده است..... (نظر آیت الله بهجت)

الف) در صورت سرایت رطوبت باعث نجاست می شود ولی غسل مس میت واجب نمی شود

ب) باعث نجاست و همچنین وجوب غسل مس میت می شود

ج) احتیاطاً باعث نجاست می شود ولی غسل مس میت واجب نمی شود

۴- استخوانها و گوشت گاوی که توسط کافر ذبح شده به ترتیب چه حکمی دارند؟

الف) پاک - نجس

ب) پاک - پاک

ج) نجس - نجس

۵- شهیدی که در بمب گذاری منافقین به شهادت رسیده است.....

الف) باید غسل داده شود

ب) نیاز به غسل ندارد

ج) مستحب است که او را غسل دهند.

درس یازدهم

در این درس مطالب زیر را مطالعه خواهید کرد:

- نجاسات
- مردار حیوان
- احکام اشیای چرمی
- احکام فراورده‌های لبنی
- احکام خون

نجاسات

در جلسات گذشته عرض شد که نجاسات انواع و اقسامی دارند که یکی از آنها مردار است. راجع به مردار انسان بحث کردیم و گفتیم که از انسان‌ها، چه اشخاصی اگر فوت کنند یا شهید شوند؛ بدنشان نجس است یا پاک و کدامشان احتیاج به غسل دارد یا ندارد. این‌ها اجمالاً در جلسات گذشته بحث شد.

مردار حیوان

۱- سگ و خوک

اما راجع به حیوانات فرموده‌اند که: مردار حیوان، اگر سگ و خوک باشد قطعاً نجس است. چون در سگ و خوک فرق نمی‌کند که مرده باشند یا زنده؛ قطعاً تمام اعضای آن‌ها، حتی ناخن استخوان و پشم و کُرک آن‌ها که بی روح هستند، جزء نجس العین‌ها هستند و تمام اجزای آن‌ها نجس به محسوب می‌شود. البته منظور از سگ و خوک در اینجا سگ و خوک خشکی هستند، یعنی سگ و خوک دریایی جزء حیوانات پاک محسوب می‌شوند. اما اینکه اگر سگ و خوک دریائی بمیرند؛ مردار آن‌ها پاک است یا نه؟ انشاء الله عرض خواهیم کرد.

۲- مردار حیواناتی که خون جهنده دارند (غیر از سگ و خوک)

حیوانات غیر از سگ و خوک، اگر خون جهنده داشته باشند، اجزای روح دار آن‌ها نجس می‌باشد. مثل گربه و موش و گوسفند که این‌ها همگی دارای خون جهنده هستند و اصطلاحاً خون^۱ گرم محسوب می‌شوند. اگر حیوانات حلال گوشت ذبح شرعی نشوند، مثل گوسفندی که خفه بشود یا از پرتگاهی پرت بشود و بمیرد و چه حرام گوشت باشند مثل گربه و گرگ و پلنگ و انواع و اقسام حیوانات دیگر و چه پرندگان، مثل گنجشک و کبوتر و کلاغ چه از انواع حلال گوشت و چه از نوع حرام گوشت؛ مردار این‌ها اگر ذبح شرعی نشوند، اگر قابل تذکیه باشند و اگر مطلقاً قابل تذکیه نباشند (مثل خرس و بوزینه، که از نظر بعضی از مراجع قابل تذکیه نیستند) که مردار این‌ها نجس محسوب می‌شوند. البته اجزاء روح دار آن‌ها نجس محسوب می‌شود ولی اجزای بی روح آن‌ها مثل پشم و کُر، پاک می‌باشد.

ولیکن از این نکته نباید غافل شد که پاک بودن ملازم با این نیست که بعضی از احکام بر آن‌ها بار بشود. مثلاً پشم گوسفند مُرده، پاک هست اما آیا با آن می‌توان نماز خواند؟ خیر، چون جز حیوانات حرام گوشت محسوب می‌شود. یا مثلاً موی گربه پاک هست و لیکن با آن نمی‌توان نماز خواند.

اما اجزای بی‌روح، از حیوانات که خون جهنده داشته باشند مانند مو و شاخ حیوانات پاک می‌باشد. البته بعضی از مراجع معاصر فرموده‌اند آن قسمتی از شاخ که به بدن حیوان متصل است و موقع کنده شدن باعث درد می‌شود فرموده‌اند: باید از آن قسمت از شاخ احتیاطاً اجتناب کرد. اما اغلب مراجع فرقی در این مطلب قائل نشده‌اند.

۳- مردار حیواناتی که خون جهنده ندارد

اما حیواناتی که خون جهنده ندارند مثل تقریباً تمام ماهی‌های دریا که خون جهنده ندارد یعنی حتی حیوانی مثل کوسه و یا مثل ماهی‌های خاویار، بزرگ و کوچک خون سرد هستند و خون جهنده ندارد. یا چنان که ادعا شده حتی تمساح، خون جهنده ندارد لذا مُرده^۲ی این‌ها پاک محسوب می‌شوند مثل مار، اگر دست‌تری، به مردار مار بخورد نجس نمی‌شود.

۴- اجزای جدا شده در حال حیات، از بدن انسان یا حیوانی که خون جهنده دارد

اجزایی که در حال حیات از بدن انسان یا حیوانی که خون جهنده دارد جدا شود؛ حکم بعد از میتة شدنش را دارد. چنانکه اگر گوسفندی می‌مُرد و مثلاً پیه و چربی و گوشت و یا چشم و گوش او را از او جدا می‌کردیم نجس بود اگر در زمان زنده بودن هم این اجزای روح دار، از بدن آن‌ها یا بدن انسان جدا بشود نجس است. فرضاً اگر انگشت کسی قطع شود اگر کسی به این انگشت دست بزند باعث نجس شدن دست او خواهد شد. اما اجزای بی روح که در زمان زنده بودن جدا می‌شود مثل ناخن و مو پاک است.

بعضی از افراد نسبت به ریشه مو، وسواس دارند و می‌گویند: اگر موی ریش و موی سر، که هنگام کندن درد می‌کند آیا ریشه مو نجس می‌باشد؟ خیر. هیچ فقیهی نسبت به ریشه مو، حکم نجاست نداده است.

• احکام اجزای بی روح

اشیایی که از اجزای بی روح حیوان تهیه شده است؛ پاک می‌باشد، هرچند ذبح شرعی هم نشده باشد. گوسفند اگر بخواهد حلال گوشت شود، باید ذبح شرعی شود؛ لذا اگر بمیرد حرام می‌باشد چون ذبح شرعی نشده است. البته عرض کردیم، بعضی از مراجع مثل آیت الله مکارم شیرازی، در ذبح حیوانات، شرط مسلمان بودن ذابح را، برای پاک بودن حیوان، لازم نمی‌دانند؛ لذا اگر یک مسیحی هم گوسفندی را ذبح کند، گرچه خوردن آن گوشت حرام است اما حیوان، نجس به حساب نمی‌آید؛ لذا اگر با گوسفندی که یک مسیحی ذبح کرده است، غذائی (آب گوشت) درست کنند، آن غذا نجس نیست، البته خوردن آن گوشت حرام است؛ اما بقیه غذا را می‌توان خورد. اما اغلب مراجع در شرط تذکیه حیوانات حلال گوشت، مسلمان بودن ذابح را، شرط می‌دانند؛ لذا اگر ذابح مسلمان نباشد آن حیوان را میتة، به حساب می‌آورند.

اشیایی که از اجزای بی‌روح حیوان (غیر از سگ و خوک) تهیه شده باشد پاک است هرچند ذبح شرعی نشده باشد؛ لذا لباس‌های پشمی و گرگی که از کشورهای خارجی می‌آید یا در اینجا ذابح شرایط ذبح را رعایت نکرده باشد؛ پاک می‌باشد.

• احکام اشیای چرمی

کاپشن‌ها و کمر بندهای چرمی یا کیف‌های چرمی که از حیواناتی درست شده است که احیاناً ذبح شرعی نشده باشد. در اینجا هم طبق نظر آقای مکارم، کیف چرمی که از کشورهای خارجی می‌آید اگر بتوانیم تشکیک کنیم که شاید این چرم، چرم مصنوعی باشد. مثلاً جنسی برای ما از کشور چین آورده‌اند، غالب مردم کشور چین، جز کفار محسوب می‌شوند. آیا می‌توانیم بگوییم که این چرم نجس است؟ اگر انسان یقین داشته باشد که این چرم، چرم مصنوعی می‌باشند یا حتی اگر شک داشته باشد که چرم طبیعی است یا مصنوعی، بنا را بر پاکی می‌گذارد. اما اگر ما یقین داشته باشیم که چرم طبیعی است و وارد کننده این چرم به کشور، یقین نکرده است که ذابح، این حیوان را به صورت شرعی ذبح کرده است یا نه. در

این مسئله دو صورت پدید می‌آید :

۱- گاهی اوقات این جنس از کشور مسلمان تهیه شده است؛ مثل ترکیه و سوریه و عربستان

۲- گاهی اوقات از کشور کفر، مثل ایتالیا و انگلیس، این جنس چرمی وارد شده است.

در صورت اول به فتوای همه فقها به خاطر روایت سوق (بازار) مسلمین، بنا را برای این چرم‌ها را باید به پاکی بگذاریم ولی در صورت دوم، طبق نظر اغلب فقها، این اشیاء، در صورتی که واردکننده یقین به تذکیه آن‌ها نکرده باشد؛ اغلب می‌فرمایند؛ نجس محسوب می‌شود، اما طبق نظر آیت‌الله مکارم شیرازی، اگر ذابح، کافر هم باشد، خوردن گوشت حرام است اما چرم

و کیف پاک محسوب می‌شود.

مقام معظم رهبری و آیت‌الله سیستانی هم می‌فرمایند: که اگر احتمال خوبی بدهید (عقلانی) که این ذبح، ذبح اسلامی بوده است، مثلاً احتمال می‌دهیم که شاید این کفشی که از ایتالیا وارد شده؛ از چرم هائی بوده است که از کشور سوریه به آنجا صادر شده است و به واسطه این چرم‌ها، این اشیا ساخته شده است. اگر بتوانیم این احتمال عقلانی خوب را بدهیم، این دو بزرگوار می‌فرمایند؛ که بنا را بر پاکی بگذارید. اما اگر این احتمال داده نمی‌شود و یقین به این هست که ذبح، غیر شرعی بوده است؛ قاعدتاً نجس خواهد بود.

• فرآورده‌های لبنی

فرآورده‌های لبنی، که از حیوانات حلال گوشت، مثل گاو و گوسفند تهیه شده است؛ اگر در کشور مسلمان تولید شده باشد، قطعاً پاک است و خوردنش حلال و خرید و فروش آن اشکالی ندارد. اما اگر از کشورهای کفر وارد شده باشد، اگر یقین داریم که با دست کافر تماس حاصل کرده و باعث نجاست او شده باشد، البته به شرط اینکه در بحثهای بعدی بگوییم که اهل کتاب را نجس بدانیم یا پاک، یا مطلق کفار را نجس بدانیم یا پاک و یا اختلاف مبنائی که وجود دارد، که بعضی از مراجع اهل کتاب را پاک، و بعضی نجس می‌دانند.

بر این مبنا، اگر انسان یقین داشته باشد که این فرآورده‌های لبنی، به دست کافر، اصابت کرده است، قاعدتاً نجس است و خوردنش حرام است. اما اگر انسان شک داشته باشد؛ پاک است؛ لذا ماست و پنیر یا دواجاتِ روان، مثل روغن و الکل که از کشورهای خارجی وارد شود تا انسان یقین به برخورد با نجاست در کشور کفر را نداشته باشد؛ همه مراجع می‌فرمایند: که باید بنا را بر پاکی گذاشت و تحقیق و تفحص هم واجب نیست.

• خون

خون انواع و اقسامی دارد. آیا ملاک کلی برای تشخیص خون نجس، از خون پاک، وجود دارد؟ بله، خون انسان، فرق نمی‌کند چه مسلمان باشد یا کافر و یا هر حیوانی که خون جهنده دارد، خونشان نجس می‌باشد. یعنی گوسفندی که حلال گوشت است اما چون دارای خون جهنده است، خونش نجس است یا موش و گربه که جزء حرام گوشت‌ها هستند ولی خون جهنده دارند، خونشان نجس است.

۱- خون کمتر از دو ریالی چه حکمی دارد؟

یکی از اشتباهاتی که گاهی از اوقات، بعضی از مؤمنین دارند این است که فکر می‌کنند اگر خون، کمتر از دو ریالی باشد، پاک است. این غلط است. خون کمتر از دو ریالی فقط برای انسان نمازگزاری که لباسش یا بدنش آلوده به این خون باشد؛ معفو است. یعنی با این حال اجازه داده‌اند که انسان نماز بخواند، این‌طور نیست که آن مقدار خون، پاک به حساب آید، بلکه ذره ای از خون هم نجس است اما در نماز با شرایطی فرموده‌اند که؛ پاک کردنش واجب نیست.

۲- خون حیواناتی که خون جهنده ندارند

اما خون حیواناتی که خون جهنده ندارد پاک است. مثل ماهی‌های دریا، چه از نوع حلال گوشت، مثل ماهی‌های فلس‌دار

(پولک دار)، چه از نوع حرام گوشت، مثل ماهی‌های بدون فلس، مثل نهنگ، خون این حیوانات که خون جهنده ندارند پاک است؛ و همچنین خون پشه و مگس و امثالهم، البته راجع به پشه مسئله‌ای هست که، اگر خون بدن پشه، از خونی باشد که از بدن انسان مکیده باشد؛ در آینده خواهیم گفت که؛ یکی از چیزهایی که باعث پاک کنندگی اجزاء نجس است انتقال است. مثلاً اگر پشه مشغول مکیدن خون است اگر انسان او را بکشد، چون این خون، خون بدن خود انسان به حساب می‌آید نجس است. اما اگر خون را خورد و از روی بدن بلند شد و خون انتقال پیدا کرد و عرفاً این خون، جزء خون بدن پشه محسوب می‌شود، از باب انتقال این خون را پاک به حساب می‌آورند.

۳- خون داخل تخم مرغ

خونی که گاهی اوقات در تخم مرغ دیده می‌شود؛ فتاوا در مورد آن مختلف است. طبق نظر حضرت امام، مقام معظم رهبری و آیت الله سیستانی و آیت الله مکارم شیرازی که البته ایشان (آیت الله مکارم شیرازی) در رساله‌های قدیمیشان احتیاطاً نجس به حساب می‌آوردند، اما طبق مسئله‌ای که اخیراً نقل شد؛ نظرشان مطابق با نظر حضرت امام شده است و خون داخل تخم مرغ را پاک می‌دانند، اما خوردنش را حرام می‌دانند، اثرش این است که اگر تخم مرغ را شکستیم، اگر همان قسمت خونی را جدا کنیم، خوردن باقی تخم مرغ اشکالی ندارد یا به گونه‌ای این زردی و سفیدی را مخلوط کنیم که این خون داخل زردی و سفیدی مستهلک شود و دیگر چیزی به نام خون وجود نداشته باشد؛ پاک است و خوردن آن اشکالی ندارد اما بسیاری از مراجع، مثل آیت الله وحید خراسانی، آیت الله بهجت و بعضی از مراجع فعلی بنابر احتیاط واجب خون داخل تخم مرغ را نجس به حساب می‌آورند، لذا اگر در تخم مرغ خونی وجود داشت باید از آن احتراز شود. اما مسئله احتیاط است و قابل رجوع به مراجع بزرگوار است که قائل به پاک بودن خون داخل تخم مرغ هستند.

۴- خون لثه

خونی که از لثه به وجود می‌آید تا مادامی که داخل بدن است و از دهان خارج نشده است، منجس به حساب نمی‌آید. یعنی اگر از لثه شخصی خون بیرون بیاید و به دندان طبیعی و به آب دهان، برخورد کند؛ نه دندان نجس است و نه آب دهان؛ لذا اگر کسی آب دهانش را بیرون بیاورد و ذره‌ای خون در آن دیده نشود و یا اگر خونی داخل آب دهان بود و مستهلک شده و از بین رفته است، در اینجا آب دهان پاک محسوب می‌شود و احتیاجی به آب کشیدن موضع نجس نیست. اما اگر کسی دندان غیرطبیعی در دهانش باشد یا لقمه غذایی در دهانش قرار داشته و خون به لقمه غذا اصابت کرده در این موارد آیا باعث تنجیس لقمه غذا می‌شود یا نه؟

در اینجا اغلب فقها، یا به احتیاط واجب یا به فتوا، می‌فرمایند: اگر خون در داخل دهان به لقمه غذا اصابت کند یا به دندان‌های مصنوعی برخورد کند باعث نجاست آن خواهد شد و در بین مراجع، مرحوم آقای فاضل و آیت الله سیستانی می‌فرمایند: همچنان که خون، اجزای طبیعی دهان را نجس نمی‌کند؛ اجزای خارجی هم که وارد دهان شده است را هم نجس نمی‌کند؛ لذا اگر طبق نظر این دو مرجع، خون به لقمه غذا برخورد کند، یعنی این شخص لقمه را به قدری می‌جوَد که دیگر خونی در این لقمه باقی نمی‌ماند و حل می‌شود؛ فرو بردن این لقمه اشکالی ندارد؛ اما طبق نظر باقی فقها، خوردن این لقمه جایز نیست.

۵- خون لخته شده (خون مرده)

خونی که به واسطه کوبیده شدن زیر ناخن یا زیر پوست می‌میرد، اگر مدتی بگذرد که عرفاً وقتی نگاه به آن می‌شود می‌گویند: (این از حالت خون بودن خارج شده است) و به اصطلاح، استحاله شده است؛ این پاک است؛ لذا اگر ناخن سوراخ باشد و آن سیاهی پیدا بشود؛ چون از حالت خون بودن خارج شده است اشکالی ندارد. البته برای وضو، چون مانع به حساب می‌آید قاعدتاً باید خون استحاله شده را خارج بکنند، البته به شرط اینکه باعث عُسر و حَرَج نباشد اما اگر عُسر و حَرَج داشته باشد، وضو تبدیل به جبیره می‌شود که احکام خاص خودش را دارد. اما اگر به تازگی خون بیرون آمده است. مثلاً دست شکسته است و از آن خون آمده است و درآوردن آن خون هم، باعث عُسر و حَرَج می‌شود؛ در اینجا هم، برای وضو و غسل، احکام خاصی وجود دارد که ان‌شاءالله در جلسات آینده مفصل بیان خواهد شد.

• شک در خون

- ۱- شیء قرمز رنگی که معلوم نباشد خون است یا نه؟ پاک است و تفحص در آن واجب نیست. مثلاً رنگ قرمزی در بدن یا لباس خود مشاهده می‌کنیم و نمی‌دانیم که این خون بدن است یا چیز دیگر، در اینجا باید بنا را بر پاکی بگذاریم؛ و شارع مقدس، در این موارد تحقیق و تفحص را واجب نمی‌داند.
- ۲- خونی که معلوم نباشد از حیوان دارای خون جهنده است یا نه؛ پاک است. مثلاً ما یقین داریم که این رنگ قرمز که در لباس ما هست خون است، اما شک داریم که این خون، خون گوسفند است که نجس است یا بر فرض خون پشه و مگس است که نجس نیست، در اینجا باید بنا را بر پاکی بگذاریم.
- ۳- خون حیوانی که معلوم نیست، آن حیوان دارای خون جهنده است یا نه؛ پاک است. مثلاً حیوانی است که خونی از بدن آن، به بدن ما رسیده است و ما نمی‌دانیم این حیوان از نوع حیواناتی است که خون جهنده دارند، و یا از نوع حیواناتی که خون جهنده ندارند، در اینجا بنا را بر پاکی می‌گذاریم.
- ۴- زردابه‌ای که در حال بهبودی زخم، در اطراف زخم پیدا می‌شود پاک می‌باشد. مثلاً دستی که زخم شده است و خون آن را شسته‌ایم، بعد از شستن خون، زردآبه ای اطراف آن دیده می‌شود، در اینجا طبق نظر اغلب فقهای عظام، باید بنا را بر پاکی این زردابه بگذاریم. آیت‌الله بهجت استثنائاً می‌فرمایند: این زردآبه، نجس می‌باشد. اما اغلب مراجع، آن را پاک می‌دانند. البته اگر انسان خون را نشسته باشد و این زردآبه پیدا شده باشد، در اینجا طبیعتاً چون در محل نجاست است حکم نجس را دارد، بحث ما در جایی است که خون را پاک کرده‌ایم و بعد از آن زردآبه بیرون می‌آید، مسئله این است که شک می‌کنیم که این زردآبه آیا با خون مخلوط شده است و تبدیل به آب زرد شده است یا زردآبه‌ای است که معمولاً بعد از بهبودی پیدا می‌شود؟ اینجا طبق نظر اغلب مراجع عظام پاک است و بعضی از مراجع هم نجس می‌دانند.

چکیده

- مردار سگ و خوک و تمام اجزای بی روح آن‌ها از قبیل، ناخن استخوان و پشم و کرک؛ نجس محسوب می‌شود.
- منظور از سگ و خوک، در بحث نجاسات، سگ و خوک خشکی هستند و سگ و خوک دریایی جزء حیوانات پاک محسوب می‌شوند.
- اجزای روح دار حیواناتی که خون جهنده دارند نجس می‌باشد.
- مردار حیواناتی که خون جهنده ندارند؛ پاک محسوب می‌شود. مانند ماهی‌های دریا
- اجزائی که در حال حیات، از بدن انسان یا حیوانی که خون جهنده دارد جدا شود؛ حکم بعد از میتة شدن آن را دارد .
- اشیائی که از اجزای بی روح حیوانات، غیر از سگ و خوک تهیه شده است؛ پاک می‌باشد هر چند ذبح شرعی هم نشده باشد.
- اگر جنسی مثل چرم که از بدن حیوان تهیه می‌شود؛ از کشور مسلمان مثل سوریه و عربستان تهیه شده است، بنا را بر پاکی آن جنس می‌گذاریم. اما اگر این جنس چرمی، از کشور کُفر، مثل ایتالیا و انگلیس وارد شده باشد؛ در صورتیکه واردکننده، یقین به تذکیه آن نکرده باشد؛ اغلب مراجع حکم به نجاست آن چرم می‌دهند.
- فرآورده‌های لبنی، که از حیوانات حلال گوشت، مثل گاو و گوسفند تهیه شده است؛ اگر در کشور مسلمان تولید شده باشد، قطعاً پاک و خوردنش حلال است، و خرید و فروش آن اشکالی ندارد.
- اگر فرآورده‌های لبنی، از کشورهای کفر وارد شده باشد، در صورتی که یقین داشته باشیم که با دست کافر، تماس حاصل کرده است؛ حکم به نجاست آنها می‌شود .
- خون انسان (مسلمان باشد یا کافر) و خون هر حیوانی که خون جهنده دارد، نجس می‌باشد.
- خون کمتر از دو ریالی پاک نیست؛ بلکه برای انسان نمازگزاری که لباس یا بدنش آلوده به این خون باشد؛ مَعْفُو است، یعنی فقط اجازه نماز خواندن با آن را دارد .
- خون حیواناتی که خون جهنده ندارند اعم از حلال گوشت و حرام گوشت؛ پاک است. مثل ماهی‌های دریا، مگس و امثال اینها.
- خونی که از لثه خارج می‌شود، مادامی که از دهان خارج نشده و داخل بدن است؛ نجس به حساب نمی‌آید ولی اگر خون در داخل دهان به لقمه غذا یا به دندان‌های مصنوعی برخورد کند؛ باعث نجاست آنها خواهد شد. اما نظر برخی از مراجع بر این است که: همچنان که خون، اجزای طبیعی دهان را نجس نمی‌کند؛ اجزای خارجی که وارد دهان شده است را هم نجس نمی‌کند.

• شیء قرمز رنگی که معلوم نباشد خون است یا چیز دیگر؛ پاک است و شارع مقدس، در این موارد تحقیق و تفحص را واجب نمی داند.

• خونی که معلوم نباشد از حیوان دارای خون جهنده است یا نه؛ پاک است.

• خون حیوانی که معلوم نیست دارای خون جهنده است یا نه؛ پاک است.

• بنا بر نظر برخی از مراجع؛ زردآبه ای که در حال بهبودی زخم، در اطراف زخم پیدا می شود؛ پاک می باشد و بنا بر نظر برخی دیگر از مراجع؛ این زردآبه، نجس است. البته اگر انسان خون، را نشسته باشد، چون این زردآبه ای پیدا شده، در محل نجاست است؛ حکم نجس را دارد.

حوزه مجازی علوم اسلامی دانشگاهیان

درس دوازدهم

در این درس مطالب زیر را مطالعه خواهید کرد:

- نجاسات
- * شراب
- * آب انگور
- * خرما و کشمش
- * الکل
- * کافر
- مصادیقی که برای کافر ذکر شده است
- چگونه چیز پاک ، نجس می شود؟
- حکم استفاده از اشیاء روانی که از کشورهای خارجی وارد کشور مسلمان می شود
- احکام خوردن و آشامیدن اشیاء نجس
- احکام ارتباط با اشخاصی که معلوم نیست که کافر هستند یا مسلمان

نجاسات (شراب)

شراب یکی از نجاسات محسوب می‌شود و طبق نظر اکثر فقها، نه تنها شراب یکی از نجاسات است، خوردن آن هم حرام است؛ بلکه هر مایعی که مست کننده باشد نجس است. فرض بفرمایید؛ مایعی درست بشود که عنوان شراب هم نداشته باشد، یک نام جدیدی داشته باشد خوردن آن حرام می‌باشد و نجس محسوب می‌شود، البته این غیر از فقاغ است که طبق نظر همه فقها نجس می‌باشد، اما طبق نظر آیت‌الله سیستانی غیر از شراب و فقاغ، اگر مایعی درست شود که مست کننده باشد؛ حرمت خوردن آن به جای خود باقی است اما نجس نیست. ولیکن اغلب فقها می‌فرمایند: شراب و هر مایع مست کننده‌ای که در اصل مایع بوده است؛ نجس می‌باشد و احکام خاص خودش را از جهت تطهیر و خوردن دارد. اما اشیائی که در اصل جامد هستند، ولو مست کننده هم باشند؛ نجس نیستند. مثل بنگ و حشیش که در اصل جامد هستند ولو اینکه کسی که آن‌ها را استعمال می‌کند به حالت مستی دربیاید، فرمودند که؛ گرچه کشیدن آن و اعتیاد به آن جایز نیست، ولی باعث نجاست هم نمی‌باشد؛ لذا مسئله‌ای که بین عوام مشهور است که در اتاقی که حشیش کشیده شده است و دود آن به سقف خورده است و برای تطهیر آن باید سقف خراب شود این حرف، هیچ منبع شرعی ندارد و قابل قبول نیست.

• آب انگور :

نسبت به آب انگور که فرمودند؛ اگر جوش بیاید خوردن آن حرام است ولی نجس نیست. البته مرحوم آیت الله بهجت و بعضی از فقهای معاصر فرموده‌اند؛ اگر آب انگور به خودی خود جوش بیاید که اصطلاحاً به آن نشیش پیدا کردن می‌گویند (یعنی وقتی در آفتاب می‌ماند غل می‌خورد و می‌جوشد و در سطح آن به صورت حباب مشاهده می‌شود که به این حالت نشیش می‌گویند) آب انگور، خواه به خودی خود جوش بیاید و خواه با آتش جوش بیاید؛ برخی از فقها آن را نجس می‌دانند، اما اغلب فقها در صورت جوش آمدن با خورشید، خوردن آن حرام می‌دانند، اما نجس به حساب نمی‌آورند؛ لذا ظرفی که این ماده در آن قرار گرفته است اگر روی فرش بریزد باعث نجاست آن جا نخواهد شد.

• خرما و کشمش :

نسبت به خرما و کشمش، اغلب فقها فرموده‌اند، ولو اینکه پخته می‌شود و باد هم بکند نجس نیست و خوردن آن هم حلال است. البته مرحوم آیت الله بهجت و آیت‌الله مکارم شیرازی، نسبت به کشمش احتیاط دارند؛ لذا اگر کشمش را فقط تفت بدهند و داغ کنند اشکالی ندارد، اما اگر کشمش به گونه‌ای پخته شود که باد کند چون این باد کردن، نشان‌دهنده تبخیر آب درون کشمش می‌باشد. در این صورت، بنابر احتیاط باید از آن احتراز کرد البته این مسئله احتیاط و جویی می‌باشد و قابل رجوع به مراجع معظم دیگر خواهد بود.

• الکل :

در مورد الکل؛ اگر یقین داریم در اصل مایع بوده است و مست کننده آن هم ثابت شود؛ نجس می‌باشد اما با توجه به اینکه مایع بودن اصل الکل، مشکوک می‌باشد، فرموده‌اند؛ انواع الکل‌ها، طبی و صنعتی، همه پاک می‌باشند و احتیاج به

تطهیر هم ندارد و در بین مراجع، تنها مرجعی که نسبت به الکل احتیاط دارند مرحوم آیه‌الله بهجت می‌باشد؛ لذا سبت به این مسئله احتیاط و جویی وجود دارد و قابل رجوع به مراجع دیگر می‌باشد البته با رعایت فالاعلم.

• کافر :

مصادیقی که برای کافر ذکر شده است این مصادیق می‌باشد:

۱- منکر وجود خداوند متعال: کسی که منکر وجود خداوند متعال می‌باشد و کمونیست است. قائل به وجود خداوند متعال نیست. منکر اصل خداست. این شخص کافر است و قطعاً نجس خواهد بود.

۲- منکر توحید: اشخاصی هستند که خدای متعال را قبول دارند و حتی او را خالق آسمان و زمین هم می‌دانند، مثل مشرکین که در مکه وجود داشتند اما مشرک و منکر توحید بودند، این‌ها هم جز اشخاص نجس محسوب می‌شوند.

۳- منکر نبوت: کسانی هستند که منکر نبوت پیامبر خاتم (صلی الله علیه واله) می‌باشند یعنی کسانی که دین اسلام را به عنوان دینی که از جانب خدای متعال آمده است قبول نداشته باشند ولی منکر نبوت پیغمبر اکرم (صلی الله علیه واله) باشند؛ این‌ها هم نجس می‌باشد.

۴- آیا اشخاصی که یهودی و مسیحی هستند و نبوت پیامبر اکرم را قبول ندارند؛ نجس هستند یا نه؟

• چند مسئله :

طبق نظر حضرت امام و مرحوم آقای خویی و مرحوم آقای اراکی و مرحوم آقای گلپایگانی، کفار، چه کفاری که منکر توحید باشند و چه کفاری که اهل کتاب هستند، یعنی اصل دین آن‌ها دین الهی است مثل یهودیت و مسیحیت فرقی نمی‌کند تمام انواع کفار نجس می‌باشد و اگر بدن انسان با رطوبت، با آن‌ها برخورد داشته باشد؛ برای نماز خواندن، احتیاج به تطهیر دارد.

* برخی از فقهای فعلی، مثل مقام معظم رهبری، آیت‌الله سیستانی، مرحوم آیت‌الله تبریزی، آیت‌الله فاضل لنکرانی، البته ایشان (آقای فاضل) فرموده‌اند: به شرطی که مشرک نباشند؛ و آیت‌الله مکارم شیرازی (نسبت به نظر آیت‌الله مکارم شیرازی نکته‌ای وجود دارد ایشان نسبت به اهل کتاب در رساله خود احتیاط دارند یعنی فرمودند: بنابر احتیاط واجب اهل کتاب نجس هستند اما طبق تحقیق‌های انجام شده نظر قطعی این است که ایشان از مبنا اهل کتاب را پاک می‌دانند، یعنی مثل آیت الله سیستانی و مقام معظم رهبری قائل به پاک بودن اهل کتاب هستند، اما به خاطر مصلحت‌هایی و به خاطر اینکه زیاد میان مسلمانان و کفار، التقاط و مخالطه ای وجود نداشته باشد؛ از این باب احتیاط کردند و لیکن از جهت مبنا اهل کتاب را پاک می‌دانند. این بزرگواران نامبرده شده، اهل کتاب را پاک می‌دانند؛ لذا خوردن غذاهای اهل کتاب را جایز می‌دانند، مگر اینکه گوشتی که در غذا استفاده شده است را آن‌ها ذبح کرده باشند که قاعدتاً احکام میته را دارد که در جلسات گذشته مفصل در مورد آن‌ها صحبت کردیم، اما اگر به عنوان مثال، کسی همسایه مسیحی دارد و به دیدن او می‌رود، شخص مسیحی میوه‌ای را شسته و برای او می‌آورد، قاعدتاً دست‌تر این مسیحی به میوه خورده است، آیا باعث نجاست این میوه شده است؟ طبق نظر این دسته دوم از مراجع، استفاده از این میوه‌ها اشکالی ندارد

اشخاصی که نَعُوذُ بِاللَّهِ، صابُّ النَّبِيِّ هستند؛ یعنی به پیغمبر اکرم (صلی الله علیه واله) ناسزا می‌گویند و نسبت به اهل بیت

اطهار (علیهم السلام) و صدیقه طاهره (سلام الله علیها) جسارت می‌کنند؛ این‌ها هم جز اشخاصی هستند که نجس هستند و احتراز از آن‌ها واجب می‌باشد.

در بحث کفار سؤال پیش می‌آید که آیا همه بدن کفار نجس است یا بعضی از اعضای آن‌ها را می‌توان پاک محسوب کرد؟ مثل اجزایی که روح در آن‌ها حلول نکرده است مثل مو و ناخن؟ آیا این‌ها هم نجس هستند؟ می‌فرمایند: تمام اجزاء، حتی ناخن و موی کفار نجس است.

نسبت به طفلی که ولد نامشروع است؛ اگر اولیاء آن‌ها، یعنی پدر یا مادر یا یکی از آن‌ها، حتی اگر مادر هم مسلمان باشد و بچه را به وسیله زنا به دنیا آورده باشد؛ می‌فرمایند که این بچه پاک است و کافر به حساب نمی‌آید، مگر این که والدین این بچه هر دو، یعنی هم پدر و هم مادر، کافر باشند، قاعدتاً این فرزند، نه از باب اینکه ولد الزنا می‌باشد؛ بلکه از این باب که فرزند کافر است نجس به حساب می‌آید.

اشخاصی که معلوم نیست که این‌ها کافر هستند یا مسلمان؛ بعضی از احکام مسلمانان نسبت به آن‌ها اعمال می‌شود و بعضی از احکام باید رعایت احتیاط شود. به عنوان مثال کسی به کشور چین سفر می‌کند، می‌دانیم که در آنجا بیشتر از یک میلیارد نفر کافر وجود دارد و حدود صد میلیون نفر هم اشخاصی هستند که مسلمان هستند، از قبیل شیعه و سنی، اگر مسئله‌ای راجع به طهارت و نجاست اتفاق بیفتد با یکی از افرادی که در چین زندگی می‌کند، آیا تحقیق و تفحص واجب است که بدانیم شخصی که مقابل ما قرار گرفته، پاک است یا نجس؟ فرموده‌اند که تفحص واجب نیست؛ لذا اگر انسانی با دست تر، با یکی از آن‌ها دست بدهد؛ باید بنا را بر پاکی گذاشت، برای اینکه ما نمی‌دانیم که این شخص، جزء افراد مسلمان است یا کفار، ولو اینکه تعداد کفار این کشور، ده‌ها برابر مسلمان‌ها است، اما چون شبهه، شبهه موضوعیه می‌باشد؛ تفحص واجب نیست و باید بنا را بر پاکی گذاشت، اما همه احکام مسلمان‌ها نسبت به آن‌ها اعمال نمی‌شود. به عنوان مثال، با همین شخص مشکوک انسان بخواهد رابطه‌ای مثل ازدواج داشته باشد، آیا می‌توانند با این شخص ازدواج کند؟ در اینجا می‌فرمایند که؛ باید تحقیق کرد. باید یقین کند که شخص مقابل مسلمان است. یا اگر شخص مقابل فوت کند؛ آیا می‌شود در قبرستان مسلمان‌ها دفن شود؟ خیر، اگر یقین دارید که مسلمان است؛ اشکال ندارد اما اگر شک داشته باشید جایز نیست.

• چگونه چیز پاک، نجس می‌شود؟

بعضی از مراجع قائل هستند که اشیا نجس گاهی اوقات با چند واسطه، نجاست را منتقل می‌کنند ولی اگر به یک واسطه مشخصی برسند، دیگر باعث تنجیس آن شیء خاص نخواهند شد. ابتدا نظر حضرت امام را عنوان می‌کنیم و بعد ان شاء الله وارد مصادیق دیگر خواهیم شد.

فرض بفرمایید؛ روی میزی نجاست (ادرار) ریخته است و این نجاست خشک شده و دیگر عین نجاست وجود ندارد. در اینجا این میز متنجس اول است. اگر شخصی با دست تر، یعنی با رطوبت جدید به این میز دست بزنند، در اینجا دست آن شخص، متنجس دوم محسوب می‌شود، وقتی که این دست خشک می‌شود و با شیء سوم که رطوبت جدیدی دارد تماس پیدا می‌کند مثلاً شخصی با دست تر با شما دست می‌دهد، دست آن شخص دوم، متنجس سوم محسوب می‌شود و اگر دست آن شخص خشک بشود و مثلاً به دستگیره‌ای دست بزنند که آن دستگیره تر می‌باشد، آن دستگیره، متنجس چهارم محسوب می‌شود؛ و طبق نظر حضرت امام، این دستگیره، یعنی متنجس چهارم، با اینکه احتیاج به آب کشیدن دارد اما اگر کسی

به آن دست بزند؛ باعث نجاست آن دست شخص آخر نخواهد شد، به عبارت دیگر نجاست چهار واسطه باعث تنجیس اشیا می‌شود اما از واسطه چهارم به بعد دیگر نجس کننده نخواهد بود. به عبارت دیگر نجاست، تا چهار واسطه باعث تنجیس اشیا می‌شود اما از واسطه چهارم به بعد دیگر مُنَجَّس (نجس کننده) نخواهد بود.

مقام معظم رهبری و آیت‌الله سیستانی و آیت‌الله مکارم شیرازی و مرحوم آیت‌الله فاضل لنکرانی می‌فرمایند که؛ واسطه سوم دیگر منجس نیست، یعنی در مثال ما آن شخص دوم که دستش با رطوبت جدید، به دستگیره اصابت کرده بود؛ طبق نظر این چهار مرجع، خود آن دستگیره هم پاک به حساب می‌آید، اما طبق نظر حضرت امام و آیت‌الله وحید خراسانی، واسطه چهارم مُنَجَّس نیست، اما نجس هست و احتیاج به آب کشیدن دارد، بعضی از مراجع بزرگوار مثل مرحوم آیت‌الله بهجت و مرحوم آیت‌الله گلپایگانی و آیت‌الله صافی گلپایگانی، بنابر احتیاط واجب که قابل رجوع است فرموده‌اند؛ واسطه، حتی اگر متعدد هم باشد (حتی ۵۰ واسطه) باعث نجاست اشیا دیگر خواهد شد، اما اغلب مراجع، قائل به مسئله واسطه بین نجاست می‌باشند و در این مسئله سهل و آسان گرفته‌اند برای این که اشخاصی که دچار وسواس هستند مسائل برایشان آسان شود.

• چند مسئله (تمه) :

خوردن و آشامیدن چیز نجس، حرام است : مشخص است چیزی که نجس باشد مثل شراب و خون و ادرار، هم خوردن آن و هم خوراندن آن حرام است؛ لذا اگر کسی بخواهد عین نجاست را به فرزندش بخوراند ولو اینکه او به سن بلوغ نرسیده باشد. مثلاً می‌خواهد در حلق فرزند خود شراب بریزد، قطعاً حرام است و باید احتراز کرد اما اگر شیئی متنجس باشد، خوراندن آن به بچه اشکالی ندارد به شرط این که ضرری برای بچه نداشته باشد. مثلاً اگر خانمی هنگام شیر دادن به بچه، از سینه‌اش خون بیاید، در اینجا اگر بچه عین خون را بخورد؛ قطعاً حرام است، اما اگر خون با شیر، مخلوط و مستهلک شده باشد، این شیر دیگر حکم متنجس را دارد و عین نجس نیست و به شرط اینکه برای بچه ضرر نداشته باشد خوراندن آن به بچه ضرری ندارد.

اگر انسان نداند چیز پاک نجس شده است یا نه، پاک است و جستجو لازم نیست شیئی که قبلاً پاک بود اگر احتمال نجاست آن را بدهید بنا را بر پاکی می‌گذارید.

وسایل منزل کسانی که به طور کامل مقید به بحث طهارت و نجاست نیستند؛ پاک است

عطر و ادکلن‌هایی که در کشورهای دیگر ساخته می‌شود و در کشور ایران فروخته می‌شود با توجه به اینکه ما یقین نداریم که بدن کفار با این عطرها که مایع هستند برخورد کرده است، باید بنا را بر پاکی بگذاریم البته در اغلب ادکلن‌ها معمولاً الکل وجود دارد، لذا آیت‌الله بهجت که الکل را بنابر احتیاط نجس می‌دانستند در این مسئله هم همان احتیاط وجود دارد که البته این مسئله قابل رجوع خواهد بود.

وسایل و لوازمی که در کشورهای خارجی وجود دارد ولو در هتل‌ها و رستوران‌ها باشد با توجه به اینکه انسان یقین ندارد که این‌ها نجس هستند؛ باید انسان بنا را بر پاکی بگذارد، البته اگر یقین داریم که کفار از آن‌ها استفاده کرده‌اند و نجس شده است و از طرفی یقین به پاک کردن آن‌ها، به نحو شرعی نداریم؛ بنا را بر نجاست خواهیم گذاشت. اما اگر انسان یک احتمال عقلایی بدهد که شاید این حوله یا این قاشق، قبلاً استفاده نشده باشد و نو باشد در این صورت، استفاده از آن اشکالی ندارد. حکم، درباره نوشابه‌های خارجی؛ مثل حکم درباره عطر و ادکلن است. یعنی تمام اشیا روانی که از کشورهای خارجی وارد

کشور مسلمان می‌شود اگر یقین نداشته باشیم که با بدن کفار در تماس بوده است باید بنا را بر پاکی گذاشت و اشیائی که جامد هستند، مثل قند که از کشور خارجی وارد ایران می‌شود یا مثل لباس‌ها که جزء اشیاء جامد به حساب می‌آیند؛ باید بنا را بر پاکی گذاشت و احتیاج به آب کشیدن ندارد و در یک حکم کلی، تمام اشیائی که از کشورهای خارجی وارد ایران می‌شود اگر جامد باشند که قطعاً اشکالی ندارد و اگر مایع باشند با عدم علم به اینکه با بدن کفار در تماس بودند استفاده از آنها اشکالی ندارد.

ان شاء الله در جلسه آینده وارد بحث مطهرات خواهیم شد.

حوزه مجازی علوم اسلامی دانشگاهیان

چکیده

• هر مایع مست کننده ای که در اصل مایع بوده است؛ نجس می‌باشد.

• اشیائی که در اصل جامد هستند، حتی اگر مست کننده هم باشند نجس نیستند، مثل بنگ و حشیش

• اغلب فقها می‌فرمایند: اگر آب انگور نشیش پیدا کند، یعنی به وسیله خورشید جوش بیاید؛ خوردن آن حرام است، ولی

نجس نیست، اما برخی از فقها فرموده‌اند: چه به وسیله خورشید و چه با آتش جوش بیاید؛ در هر دو صورت نجس است.

• اغلب فقها فرموده‌اند: خرما و کشمش، ولو اینکه پخته شود و باد هم بکند نجس نیست و خوردن آن هم حلال است، اما

برخی از مراجع فرموده‌اند: بنابر احتیاط باید از آن احتراز کرد.

• انواع الکله‌ها، اعم از طبی و صنعتی، پاک می‌باشند و احتیاج به تطهیر ندارند و در بین مراجع، تنها مرجعی که نسبت به

الکل احتیاط دارند، مرحوم آیت الله بهجت می‌باشد (احتیاط واجب کرده‌اند) اما اگر یقین داریم که الکل، در اصل مایع بوده

است و مست کنندگی آن هم ثابت شود؛ نجس می‌باشد.

• کافر کسی است که؛

۱- منکر وجود خداوند متعال می‌باشد

۲- منکر توحید باشد

۳- منکر نبوت باشد

۴- اشخاصی که، صابُّ النبی هستند، یعنی به پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و اله) ناسزا می‌گویند

• طبق نظر برخی از فقهای قدیم، تمام اقسام کفار، چه منکر توحید باشند و چه کفاری که اهل کتاب هستند، یعنی اصل

دین آن‌ها دین الهی است مثل یهودیت و مسیحیت، همه نجس می‌باشند، اما برخی از فقهای فعلی، از مبنا اهل کتاب

را پاک می‌دانند.

• تمام اجزاء بدن کفار، حتی ناخن و موی آنها نجس می‌باشد.

• اشخاصی که معلوم نیست، کافر هستند یا مسلمان، تحقیق و تفحص در مورد آنها واجب نیست و می‌توان بعضی از احکام

مسلمانان، مثل طهارت و نجاست را نسبت به آن‌ها اعمال نمود، ولی در بعضی از احکام، مثل ازدواج باید احتیاط شود، یعنی

برای ازدواج با شخصی که در مسلمان یا کافر بودن او شک داریم؛ باید تحقیق و تفحص کنیم .

• در مورد انتقال نجاست از شیئی به شیء دیگر، سه دسته نظر وجود دارد؛

۱- نجاست، تا چهار واسطه باعث تنجیس اشیاء می‌شود، اما از واسطه چهارم به بعد دیگر مُتَنَجِّس (نجس کننده) نخواهد

بود، اما متنجس چهارم، احتیاج به آب کشیدن دارد

۲- واسطه سوم دیگر متنجس نیست، یعنی متنجس چهارم پاک است

۳- بنابر احتیاط واجب (که قابل رجوع است) واسطه، حتی اگر متعدد هم باشد؛ باعث نجاست اشیا دیگر خواهد شد. اما

اغلب مراجع، قائل به مسئله واسطه بین نجاسات می‌باشند

• خوردن و آشامیدن چیز نجس حرام است.

• اگر انسان نداند چیز پاک نجس شده است یا نه، پاک است و جستجو لازم نیست.

• وسایل منزل کسانی که به طور کامل مقید به بحث طهارت و نجاست نیستند؛ پاک است.

• تمام اشیاء روان که از کشورهای خارجی وارد کشور مسلمان می‌شود، اگر یقین به تماس آن اشیا با بدن کفار نداشته باشیم؛

باید بنا را بر پاکی بگذاریم.

• تمام اشیائی که از کشورهای خارجی وارد ایران می‌شود، اگر جامد باشند، استفاده از آنها اشکالی ندارند و اگر مایع باشند

با عدم علم به اینکه با بدن کفار در تماس بودند، استفاده از آنها اشکالی ندارد.

حوزه مجازی علوم اسلامی دانشگاهیان

آزمون

۱- حکم استفاده از عطر و ادکلن ، نوشابه‌های خارجی و اشیاء روانی که از کشورهای خارجی وارد کشور مسلمان می‌شود چیست؟

الف) اگر احتمال بدهیم نجس است استفاده از آن حرام است

ب) با عدم علم به اینکه با بدن کفار در تماس بودند استفاده از آنها اشکالی ندارد

ج) استفاده از آنها اشکالی ندارد

۲- آیا همه بدن کفار نجس است یا بعضی از اعضای آنها را می‌توان پاک محسوب کرد؟

الف) اجزایی که روح در آنها حلول نکرده است مثل مو و ناخن پاک است

ب) ناخن و مویی که از بدن آنها جدا شده پاک است

ج) تمام اجزاء آنها نجس است

۳- اگر شخصی با دست تر ، به میزی که نجاست روی آن خشک شده و اثری از عین نجاست نیست؛ دست بزند چه حکمی دارد ؟

الف) دست شخص نجس می‌شود

ب) چون عین نجاست وجود ندارد دست او نجس نمی‌شود

ج) احتیاطاً حکم به نجاست می‌شود

۴- اگر انسان نداند چیز پاک، نجس شده است یا نه است و جستجو لازم

الف) پاک - است

ج) نجس - نیست

د) پاک - نیست